

انتشارات انصار امام مهدی (خدواند در زمین تکینش دهد)

# وصی در کتاب

ابن تمام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء به پدر مؤذنم

اهداء به ان فراری متواری

اهداء به نهر در جریان

اهداء به ان پاک فرزند پاک و پاکیزه

اهداء به فرزند صاحب وصیات

اهداء به انتقام گیرنده خون شهدای کربلا و پهلوی شکسته فاطمه (ع)

اهداء به گنجهای طالقان و شعار احمد احمد انها

اهداء به کسانی که در این راه سختی های فراونی کشیده و نامی برای انها در تاریخ

نیست و نخواهد ماند .

اللهم تقبل منا هذا القربان

مقدمه

و الحمد لله و صلی الله و علی محمد و آل محمد المعصومین و صلی الله علی مسک الختام نور الله و بقیته فی ارضه - روحی فداء.

در داستانهای پیامبران پیشین و اتمهای ایشان که گاه پیرو پیامبران بودند و به یاری پیامبران می شتافتند و بیشتر اوقات آنها را تنها گذاشته و ستمگران و طاغوت ها را یاری می کردند، عبرتهایی است برای عبرت گیرندگان و پندهایی است برای هوشیاران!

همچنین در خلال بررسی تاریخ انبیاء پیشین و اتمهایشان می توانیم به امروز خود نیز نگاهی بیفکنیم و بدین وسیله توانایی آن را بیابیم که آنچه در آینده ( آینده ای که خاتم اوصیاء حضرت مهدی عجل الله و تعالی و فرجه الشریف در آن ظهور خواهد کرد ) اتفاق خواهد افتاد را تا حدی پیش بینی کنیم و دریابیم آنچه را که آن حضرت با آن مواجه خواهد بود :

چه طاغوتهایی که مسلمانان را خوار شمرده و با حضرتش پیکار خواهند نمود مانند سفیانی و چه سامری ها (عالمان ناپاک و بی عمل) به همین دلیل این بنده ناچیز کم عمل و پر لغزش صلاح دیدم این مبحث را بنگارم شاید مانعی باشد برای برخی مومنان از فرو افتادن و سقوط در آتش جهنم ! پیشگیری بهتر از درمان است و البته همراه شدن با سفیانی یا عالمان ناپاکی که با مهدی علیه السلام پیکار می کنند درمانی جز نوشیدن حمیم و بهره مندی از زنجیرها و اغلال دوزخ ندارد ! دیگر اینکه شاید این اثر برخی از مومنان را بر انگیزد تا برای ایجاد زمینه مناسب برای تشکیل و برپایی دولت لا اله الا الله بر روی زمین یعنی دولت حضرت امام مهدی (ع) و دولت حق و عدل تلاش کنند آن هم در زمانی که ظلمات و تاریکی بر گوشه گوشه عالم سایه افکنده و خیمه افراشته ! طاغوت آمریکا هر روز عرصه را بر

ملتهای مستضعف تنگ تر می کند طاغوتی که تاریخ برای وی همانندی را به یاد ندارد و مردم را به سمت و سوی خود می کشاند..

و خداوند می فرماید خدا را عبادت کنید زیرا که غیر او خدای نیست . الأعراف :

۵۹

و فرمود: ای قوم داعی خداوند را اجابت کنید و به او ایمان آورید . تا غفرانی از گناهانتان باشد و شما را از عذاب سخت خارج می سازد : لاحقاف : ۳۱

و نیز فرموده: ( هر امتی فرستاده ای دارد پس هر وقت فرستاده آنان بیاید در بین

آنان با قسط و عدالت قضاوت کند و آنها مورد ظلم واقع نمی شوند ) ( یونس ۴۷ )

امام صادق (ع) فرموده: ( قائم آل محمد (ع) می آید تا اینکه به نجف اشرف می رسد

و لشکر سفیانی و اصحابش از کوفه خارج می شوند در حالیکه مردم نیز همراهش

هستند و آن ، در روز چهارشنبه است ؛ پس او ( قائم (ع) آنان را دعوت به مذاکره

می کند و حش را به آنان گوش زد می کند و به آنان می گوید : که مورد ظلم و ستم

واقع شده است و می گوید (ع) : هر کس با من در خدا احتجاج کند ، من از همه کس

به خداوند اولی هستم من بقیه از نوح و ذخیره ابراهیم و قطعه از طور موسی و بشارتی

از عیسی و نور محمد مصطفی (ص) و بدرم علی مرتضی و مادرم فاطمه

زهراء (ع) و خون حسن و حسین (ع) در رگهایم جریان دارد من بقیه از آل محمد (ع)

می باشم من رحمتی برای مومنین و نعمتی برای کفار هستم ... و آنها به او می گویند :

از همانجا که آمدی برگرد ، ما نیازی به تو نداریم ، این را به شما گفته بودیم و شما را

نیز آزموده ایم ... ) بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۸۷ .

این نصیحت را از من قبول کنید زیرا که با تکذیب انبیاء و اوصیاء (ع) در هر زمان عذاب دردناک است، و سخنان آل محمد (ع) را بر حسب آنچه خدا آنان را امر فرموده است، در جای خود قرار دهند؛ و حکمت یمانیه را مانند به باد دادن گاه، به باد فنا نسپارند و سپس پشیمان شوند هنگامی که پشیمانی سودی ندارد. ای قوم من: { من رسالات پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیر خواه امینی برایتان هستم } اعراف / ۶۸ .

از ابی حدیجه، از ابی عبد الله (ع) روایت شده است که می‌فرماید: (زمانیکه قائم آل محمد (ع) قیام می‌کند، امر جدیدی می‌آورد، همانطور که رسول خدا (ص) در آغاز اسلام امر جدیدی آورد) الارشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۳۸۴ .

هر انسانی که طالب حق است، این روایت را می‌خواند حتماً باید خود را برای استقبال امر جدیدی غیر از آنچه در نزد همه جا افتاده است آماده سازد، بلکه بعضی روایات، امر قائم آل محمد (ع) را به امر غریب وصف کرده اند و یارانش را به غریبان: (اسلام غریب آغاز شد و دوباره غریب خواهد شد، همانطور که آغاز شده بود، پس سعادت و خجستگی برای غریبان باد) ولی متأسفانه امروز هر مجموعه و گروهی می‌خواهد که امام مهدی (ع) همانگونه که خودشان می‌خواهند، و بر حسب نقشه ای که برای قیامش کشیده اند بیاید. (و خداوند فرموده: هرگاه فرستادی برای شما فرستادیم چون مخالف هوای نفسانی شما اید تکبر کرده یا او را کشته یا تکذیب میکنید. ، بلکه آنها می‌خواهند امام (ع) از راه کسی که اینان که خود انتخاب کرده و، تبعیت او را واجب دانسته اند بیاید و اینگونه است که: { كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ } (المؤمنون / ۵۳) . ( هر حزب و گروهی ، به آنچه نزد خود دارند خوشحال هستند )

پس اگر امام (ع) از راهی دیگر بیاید به او آنچه به رسول اکرم گفته بودند می گویند :

{ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ } (الزخرف / ۳۱).

چرا این قرآن بر مرد بزرگ (و ثروتمندی) از این دو شهر ( مکه و طائف) نازل نشده است ) ؟

واگر با نقشه و طرحی بیاید که در فکر و اندیشه آنها نیامده بود و جدید باشد، امام (ع) در نزد ایشان ، دیگر امام نیست ؛ و گوئی این امری حتمی است که امام (ع) با تکذیب و مسخره شدن مواجه گردد. و گوئی این سخن خدای متعال را در سوره یس نشنیده اند :

{ يَا حَسْرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ } ( یس / ۳۰ ).

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را به مسخره می گرفتند )

(غیبه نعمانی ۲۱۰ . کلام ما(اهل بیت) بر دل مردان سخت و گران میباشد بس سخن ما را به ارامی با آنها بگوید و هرکس طالب بود کلام ما را بیشتر به او برسانید و هرکس انکار کرد او را رها کنید زیرا که بعد ازین فتنه ای میباشد که در آن حتی کسانی که يك مو(در دین) را به دو نصف تقسیم میکنند از دین ما خارج میشوند تا فقط ما و شیعیان واقعی باقی بمانند

و همچنین میفرمایند اگر قائم ماخروج کند کسانی که گمان برده میشد از منتظران قائم هستند از این امر (ولایت) خارج میشوند و کسانی که شبیه افتاب برستان و ماه برستانند وارد این امر میشوند ص ۱۷۲ غیبه نعمانی

افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنان نیامد مگر اینکه او را به مسخره می گرفتند ...



بر آنان اثر نمی گذارد و اصلاً ایشان را مخاطب قرار نمی دهد!!

یا اینکه می گویند (ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما بر آثار آنها اقتدا می کنیم) ،  
( خیر، ما از آنچه پدران خود را در آن یافتیم، پیروی می کنیم؛ ایا اگر پدران آنها چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند باز از آنها پیروی خواهند کرد )

در مقابل سخنان انبیاء و اوصیاء می گفتند: دیوانه یا ، مجنون است ، جادوگر یا ، کاهن است، دروغگو، نادان است و... ، چگونه می توان پیامبر واقعی را شناخت؟! . دیوانه‌ای که سخنان بزرگ و حکمت آمیز می گوید مجنونی که با کلمات الهی اهریمن را از انسان دور می کند و جنیان کافر و شیاطین از او فرار می کنند.

کاهنی که وقت خود را به نماز و عبادت می گذراند دروغگویی که به راستگویی و امانتداری مشهور شده بود نادانی که از میان دانشمندان مبارز می طلبد و در علم بر آنها پیروز می گردد و در آخر به آنها اینگونه می فرماید: (ای قوم من، هیچ گونه گمراهی در من نیست، بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان ام) ، و خداوند در جواب مکذبین می فرماید (ما هر يك از اینها را به گناهانشان گرفتیم، بر بعضی از آنها طوفانی از سنگریزه فرستادیم، و بعضی از آنها را صیحه آسمانی فرا گرفت، و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم، خداوند هرگز به اینها ستم نکرد ولی آنها خودشان به خود ستم می کردند\* مَثَل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرد، در حالی که سست‌ترین خانه‌ها ، خانه عنکبوت است، اگر می دانستند) (اعراف ۶۱) ، کار مردم بسیار تعجب آور است زیرا که سلاطین و پادشاهان بخاطر از دست رفتن حکومت‌های دنیوی و باطل خود می ترسند و علمای بی عمل از این که مناصب و پُست های دینی خود را از دست بدهند می ترسند ، اما در این هنگام مردم باید از چه چیز بترسند ؟ آیا باور کردنی است که انسان افسار خود را به دست علمای گمراهی بدهد آیا باور کردنی است که انسان راضی شود که تابع و پیرو علمای گمراهی شود تا این که او را وارد جهنم کنند ؟ آیا او گمان می کند که روز قیامت زمانی که بگوید : « من پیرو و مستضعف بودم » این گفته او برایش سودی دارد ، در آن روز ، پشوایان گمراهی از پیروانشان بیزاری می جویند ؛ خداوند متعال می گوید : (إبراهیم: ۲۱)) ،

(و در قیامت همه آن‌ها در برابر خدا ظاهر می‌شوند؛ در این هنگام ضعفا (تابعین علمای بی عمل) به مستکبران (رهبران گمراه) می‌گویند: ما پیروان شما بودیم! آیا اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده ایم شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و آن را از ما بردارید؟ آنها می‌گویند اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت می‌کردیم [ولی کار از اینها گذشته است] چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛ راه‌گزینی برای ما نیست) بقره ۱۶۶-۱۶۷)، (در آن هنگام، رهبران (گمراه و گمراه‌کننده) از پیروان خود بیزاری می‌جویند و کيفر خدا را مشاهده می‌کنند؛ و دستشان از همه جا کوتاه است \* و در این هنگام پیروان می‌گویند: کاش بار دیگر به دنیا بر می‌گشتیم تا از آنها [پیشوایان گمراهی] بیزاری جویم)

ولی افسوس بعد از این همه فراز و نشیب، پس آنها باید عذاب خوارکننده در این دنیا را بچشند و سپس عذاب جهنم است که بر آن وارد می‌شوند، و روز قیامت در انتظار آنهاست. اینان قبل از این به انبیاء (می‌گفتند: هر چقدر نشانه و معجزه برای ما بیاوری که سحرمان کنی ما به تو ایمان نمی‌آوریم) (اعراف ۱۳۲)

(و هر گاه نشانه و معجزه ای را ببینند روی گردانده و می‌گویند: این سحری مستمر است) (قمر ۲)

عاقبت هنگامی که تکذیب‌کنندگان به لبه جهنم می‌رسند متوجه می‌شوند که چگونه با انبیاء روبرو شدند و آنها را متهم به سحر کردند در این هنگام ندایی به آنها می‌رسد تا آنها را از عاقبت ننگشان آگاه سازند. (أَفْسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ) (طور-۱۵)

(آیا این سحر است یا شما نمی‌بینید).

و همانگونه که خداوند فرموده تمام انبیاء تکذیب یا به قتل رسیدند. این سنت امروز مانند گذشته با قائم (ع) تکرار می شود تا جائیکه ، امر به جنگیدن با امام مهدی (ع) منتهی می گردد . از امام باقر (ع) : ( اگر قائم آل محمد (ع) قیام کند به سوی کوفه می رود ، پس چند هزار نفر که عقیده دارند حضرت مهدی (ع) فرزند ندارد (بتریه) سلاح بر دوش می گیرند و به سوی او می آیند و به او (قائم ع) می گویند : برگرد از همانجا که آمدی برگرد ما احتیاجی به فرزندان فاطمه (س) نداریم ؛ پس شمشیر بر آنها می کشد و تا آخرین نفر آنها را می کشد ؛ سپس وارد کوفه می شود و هر منافق شك کننده ای را می کشد و کاخ هایشان را منهدم می سازد و مبارزینشان را به قتل می رساند تا اینکه خدا راضی شود» الإرشاد شیخ مفید ج ۲ ص ۳۸۴ ، این نصیحتی است برای هرکس که از معاد می ترسد و نمی خواهد که با این سخن با امام (ع) مقابله کند ( ای فرزند فاطمه س برگرد.. ) زیرا او با امری جدید می آید و با آن مردم امتحان می شوند . مالک جهنی می گوید به ابی جعفر (ع) عرض کردم : « صاحب این امر را به اوصافی توصیف مکنید که شبیه هیچ یک از مردم نمی باشد . ایشان (ع) فرمودند : خیر ؛ به خدا سوگند که آن هرگز امکان ندارد ، تا اینکه خودش بر شما احتجاج کند و شما را به خویش دعوت کند » کتاب الغیبه نعمانی ص ۳۷۷ .

یعنی هرچه کوشش کنید که روایات آل محمد (ع) را که در مورد امام مهدی (ع) و تفصیل قضیه ایشان و چگونگی قیام و حوادث سالهای ظهور و آغاز زمان ظهورش است را کاملاً بفهمید نخواهید توانست ، همانطوری که امام (ع) فرمود : « به خدا سوگند که آن هرگز نمی باشد » و بر آن سوگند یاد فرمود . و اوصافی که مورد نظر جهنی بود اوصاف خود شخص و اوصاف قضیه و متعلقاتش است علی الخصوص در دوره قبل از قیام ، در زمان دعوت مسالمت آمیز که امام (ع) در آن دوره ، مردم را به بیعت دعوت می کند

و کلام امام باقر (ع) روشن می‌کند آنجایی که می‌فرمایند: «تا اینکه خودش بر شما بدان احتجاج کند و شما را به آن دعوت کند» یعنی خود اوست که شما را با سخنان و بیاناتش به حقیقت این امر آگاه می‌کند؛ پس امام (ع) مقرر فرموده است که این امر بر مردم مشتبه باشد و کسی که آن را روشن می‌سازد، خود صاحب الامر است تا به این وسیله، صاحب حق حق خویش را برای همه مشخص گرداند.

از امام صادق (ع) سوال شد چگونه ظهور امام مهدی (ع) را بشناسیم و امام (ع) او را اینگونه معرفی می‌کند که: ((ای مفضل با شبه ظاهر می‌شود تا اشکار گردد و ذکرش بالا می‌رود و امرش اشکار می‌شود و نامش و کنیه اش را می‌خوانند و این یاد بر زبان اهل حق و باطل و موافقین زیاد می‌گردد تا حجت معرفتش بر آنها تمام گردد به اینکه ما او را در اقوال خود معرفی کردیم و نامش و نسب و کنیه او را گفتیم و اینکه نام او نام و کنیه جدش رسول اکرم (ص) می‌باشد تا کسی نگوید او را شناختیم یا برای او اسم و کنیه و نسبی نیست به خدا قسم تا زمانی که اشکار شود و نامش معلوم گردد همه نامش را بر زبان خواهند آورد حتی دشمنانش تا حجتی باشد بر آنها و بعد از آن ظاهر می‌شود همانگونه که جدش گفته است و خداوند متعال فرموده که او همان کسی است: که رسول خود را با هدایت و دین حق بر ادیان دیگر ظاهر می‌سازد حتی اگر مشرکین نخواهند.

و پیامبر خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «علمی دارد که اگر وقت قیامت فرا رسد، آن علم را منتشر می‌سازد، و خدای عزوجل او را به سخن و اوست، پس آن علم، او را ندا می‌دهد: خروج کن ای ولی خدا، بکش دشمنان خدا را، و دو پرچم و دو نشانه دارد...» الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۹.

واین علم امروز به فضل خداوند و به فضل دعوت یمانیه مبارک ، در میان مردم در حال انتشار است: (هر کس که هدایت شود هدایتش به سود خودش می باشد و هر کس که گمراه شود گمراهیش به ضرر خودش می باشد و هیچ کس گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید و ما مرد مرا عذاب نمی کنیم مگر بعد از فرستادن رسول) (الإسرائ/ ۱۵).

این مختصر به روایات معصومین در مورد زمان ظهور امام زمان (ع) ، شخص هدایتگر و پرچمدار امام (ع) و اینکه چگونگی ظهور ایشان و امتحان مردم و بخصوص شیعیان در زمان ظهور تعلق دارد.

که با هدف از خلقت خلق انسان شروع می شود . و نیز علت و حکمت حج و تولد امام علی (ع) در خانه خدا و هدف از سجود در برابر خانه خدا که همان تسلیم است بیان میشود.

و ارتباط آنها را با قائم (ع) و ظهورشان را مشخص خواهیم کرد ...

با تشکر انصار یمانی موعود احمد الحسن وصی و رسول امام مهدی (ع)

(خود را در پناه صاحب ملک و ملکوت در می آورم و به دامن صاحب قدرت و جبروت چنگ می زنم و از صاحب عزت و لاهوت یاری می جویم در مقابل هر آنچه که از آن می ترسم و از آن دوری می کنم و یاری می جویم از محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد (ع) ستایش تنها از آن خداست .

بنده حقیر پس از مطالعه کتب سید احمد و انصارش که به زبان عربی و بر گرفته از کتب و کلام امامان و روایات و احادیث آنها می باشد و دلایل اثبات وصی امام زمان و آنکه شخصی قبل از امام می آید تا زمینه ساز ظهورش گردد این کتاب را جمع آوری کرده و ادله وصی را از این کتابها ترجمه نموده ، تا انهای که می خواهند از

یاران امام باشند دلایل اثبات برای آنها فراهم گردد؛ و بدانند که این وصی با چه دلایلی آمده ولی عالمان بی عمل او را تکذیب کرده اند تا شاید در تشکیل دولت امام (ع) و تعجیل در ظهورش کاری کرده باشیم و به یارانش خبر آمدن وصیش را برسانیم تا به نوعی در ساخت دولت عدل الهی سهمیم. دولتی که کسانی؛ می خواهند آن را تکمیل کنند که ضعیفترین قشر جامعه هستند ولی با ایمان راسخ به اینکه خدا حامی و پشتیبان آنهاست و اوست که آنها را حرکت می دهد با یقین به پیروزی بزرگ؛ و آن ساخت دولت عدل الهی است شب و روز کار می کنند. و با وجود فقرشان از نان زن و بچه هایشان می گذرند تا آن فراری متواری را بر مسند دولتش بنشانند....

### خلیفه خدا در زمین (انی جاعل فی الارض خلیفه)

خداوند ادم (ع) را افرید و این را تمام ادیان الهی تایید میکنند؛ سپس دستور داد تمام ملائکه برای او سجده کنند، چرا سجده؟ هدف از این سجده چه بود؟ ایا ادم خصوصیات دیگری دارد که همه بسمت او سجده کردن؟ - به اختصار سجده یعنی خشوع و تذلل در برابر صاحب امر است (خداوند یا کسی که به امر خدا بپا خیزد)؛ یا اطاعت و تسلیم صاحب امر شدن است، صاحب امر خداست، چرا امر سجده به شخصی دیگر شد.!!!؟ و آن خلیفه او. برای توضیح بیشتر به این امر توجه کنید، اگر شما شرکتي دارید و بخواهید شخصی را جانشین خود قرار دهید چه کسی را انتخاب میکنید! معمولا کسی را انتخاب میکنید که تمام شاخصه های شما را داشته باشد؛ یعنی خوب کارگران را ادره کند و به تمام امور شرکت آشنا باشد و تولید را به نحو احسن بالا برد.

و چون او نماینده شماست باید برای کسب بهتر رضایت شماکار کند شخصی را انتخاب میکنید که اشنای به کار باشد. تا امین شما باشد؛ تا تمام امور را به دست او بسپارید.

تا مثال شما در شرکت و نماینده شما باشد، و امر او در شرکت امر شما باشد، و کارگران چون شما را میشناسند. و شما انرا انتخاب کرده اید کلام او و او امر او را او امر و کلام شما میدانند.

حال اگر خداوند بخواهد جانشینی و خلیفه برای خود انتخاب کند چه کسی را انتخاب میکند؟

کما اینکه از اهل بیت نقل شده. خداوند هرگز به زمین نظر نکرد از هنگام خلقت ان.

(ان الله لم ينظر الارض منذ ان خلقها)

و اگر خداوند به زمین نظر نکرد، چه کسی ان را اداره میکند. حتما کار را به کسی داده، و چه کسی بهتر از نماینده و خلیفه کامل او (انبیاء و اوصیاء (ع)

و اگر خداوند بخواهد نماینده ای برای خود انتخاب کند کسی را قرار نماینده خویش قرار میدهد که تمام مواصفات او را داشته باشد؛ در حقیقت نمایند او ساخته خود اوست،

و از اهل بیت (ع) نقل شده (ان الله خلق ادم علي صورته) خداوند ادم را بصورت خویش افرید.

چون او قادر است حجت خود را از از تجلی اسماء خود خلق کند.

و خلیفه باید برای جلب رضایت صاحبش فانی در این اسماء و صفات باشد، تا امر او امر خدا و فعل او فعل خدا باشد. (و معصیت از امر او معصیت از امر خداوند است)...



همانگونه که در احادیث آمده (عبدی طعنی تکون مثلی). بنده من اطاعت کن تا مثال من یا مثل من باشی؛ و نیز نقل شده که: تا زمانی که بنده من با نوافل به من نزدیک میشود من گوش و چشم و زبان و دست او میشوم و اینکه خداوند میفرماید من کون فیکون میکنم و به بنده مخلص چنین امری را خواهم داد.

و این امر را در تجلیات اهل بیت پیغمبر (ص) همه دیده اند و این همان خلافت خلیفه است بر روی زمین فانی فی الله باقی به ...

خلیفه قائم به امر خداست و مثال اوست بر روی زمین،

و چون خداوند غایب است و نمی توان ان را دید یا در وهم (خیال) اوریم و یا او را

درک کنیم<sup>۱</sup> برای شناخت او تنها مثال او و خلیفه اش را میبینیم و خواهیم شناخت پس شناخت و معرفت او از طریق خلیفه خویش میباشد. زیرا این خلیفه تجلی اسمای حسنی خداوند و مثال اوست؛ و معرفت خلیفه معرفت اصل است؛ و با معرفت خلیفه در هر زمان (پیامبران و اوصیاء) می شود خداوند را بهتر شناخت، زیرا شناخت آنها شناخت فرستاده است.

۱- در حدیثی از امام صادق (ع) می فرماید: همانا خداوند اسمی را خلق کرد که ان اسم با حروف ستایش نمی شود، و با لفظ کردن تبدیل به نطق نمی شود، تبدیل به جسم نمی شود و با شخص به تجسد در نمی آید و با تشبیه کردن هم وصف نمی شود و با الوان رنگ آمیزی نمی شود اقلیم ها (جهات) در ان جای ندارد حدود از ان دور است احساس اهل توهم به ان راه ندارد (محبوب است)، پوشانیده شده بی انکه بر ان پرده ای باشد پس خداوند ان اسم را کلمه ای تام قرارداد بر چهار جزء باهم که این اجزاء پس و پیش نیستند پس از آنها سه اسم ظاهر کرد برای جهت احتیاج خلق به آنها. و یکی را مستورنگه داشت و ان اسم مکنون و مخزون است و این سه اسمی که ظاهر شدند ظاهراً همان الله است و برای هر اسم چهار رکن مسخر گردانید....) توحید صدوق ص 190 و بحار الانوار ج 4 ص 166

و اصل خلقت جن وانس معرفت است و خداوند فرمود: وما خلقت الجن والنس الا ليعبدون، امام صادق (ع) میفرماید عبادت یعنی معرفت .

و معرفت خداوند از طریق این راهبران اوصیاء و انبیاء (ع) در هر زمان می باشد ،  
ولي چگونه معرفتي از انها داشتيم ؟ وقتي مي ايند چه بلاها که از مردم زمان خود  
نمي کشند،!

در کافي جلد 1 ص 207 آمده از امام صادق (ع) پرسیدن تفسیر ایه (ماتغني عنهم  
الايات والنذر عن قوم لا يؤمنون) فرمود انذارها انبياء خدا و ايات ائمه میباشند.  
پس خداوند را با اياتش بشناسید،

ولي چرا تکذيب میشوند مگر دلایل و حجت کافي نداشتن که خداوند میفرماید "  
( هرگاه فرستاده ی برای شما فرستادیم که با هوای نفسانی شما نمی آید تکبر کرده  
عده اي را به قتل رسانده وعده اي ديگر را تکذيب ميکنيد. ( بقره 87 )  
و ايا خداوند به انها دليلي کافي براي شناختشان نداده است که اينگونه انها را تکذيب  
يا بقتل ميرسانند!!!

راه شناخت خليفه يا (قانون معرفت حجت خدا)

خداوند انسان را براي هدف و غايي افرید ' و ان معرفت اوست، همانگونه که  
امام

صادق (ع) میفرماید اساس خلقت معرفت است ، و عبادت بدون معرفت عبادت  
نیست،

و برای تحقیق و رسیدن به ان غایت و هدف و عبادت؛ خداوند کسانی را برای راهنمایی و ارشاد انسانها قرار داد. و آنها حجت او بر مردم هستند که با آنها مردم را به سر منزل و صل برسانند.

و جهت شناخت؛ آنها کتاب و میزان را نازل کرد؛ تا بوسیله ان انسانها را هدایت کنند تا هر که حق را بخواهد با بینه (روشنی) به حق برسد و آنکه باطل را بخواهد نیز با بینه به باطل برسد.

و با لطف و عنایتش برای مردم قانونی را قرار داد تا با ان حجت ها و خلیفه خود را بشناسند و بتوانند آنها را از مدعیان دروغین در هر زمان تمیز دهند.

و ان قانون اینست که يك خلیفه با وصیت می آید و دوم با علم و حکمت می آید و سوم دعوت اوبه سوی حاکمیت خداست.

خداوند میفرماید. (بیادار نگاه که خداوند فرشتگان را فرمود من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت گفتند پروردگارا ایا کسی را خواهی گماشت که در زمین فساد کنند و خونها ریزند و حال آنکه ما خود تورا تسبیح و تقدیس می کنیم؟ خداوند فرمود من چیزی را می دانم که شما نمی دانید\* و خداوند همه اسماء را به ادم داد نگاه حقایق ان اسماء را در نظر ان فرشتگان پدید آورد و فرمود اگر شما در دعوی خود صادقید اسماء اینان را بیان کنید\* فرشتگان عرضه داشتند ای خدای پاک و منزله ما نمی دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی تو دانا و حکیمی\*)

در این آیات شریفه فوق خداوند بعد از محاججه و اعتراض ملائکه بر سجده به ادم (ع) خلافت را به ادم یعنی خلیفه و جانشین خویش در زمین می دهد و نیز سه راه را برای شناخت خلیفه خداوند در اختیار مکلفین قرار می دهد که.

۱- خداوند در محضر ملائکه و ابلیس نص صریح داشت که ادم (ع) خلیفه او

در زمین است

۲- بعد از خلق ادم کلیه اسماء را به او یاد داد .

۳- سپس خداوند به تمام کسانی که او را عبادت می کردند ملائکه و ابلیس دستور داد بر ادم خلیفه خود سجده کنند ؛

و این سه مورد قانون شناخت خلیفه (انبیاء و اوصیاء ع) در هر زمان است و ان اول اینکه خلیفه با وصیت می آید

و اولین کسی که نص صریح بر وصیت و قرار دادن خلیفه کرد خداوند متعال است.

و هر کس اطاعت کرد در این امتحان نجات یافت و این امتحان تا روز قیامت ادامه خواهد یافت . همانگونه که ابلیس در این امتحان بخاطر غرور و تکبر بر خلیفه ماند . انهم با گفتن ( انا خیر منه ) (من از او بهترم) رد شدن و قبول در این امتحان یعنی سجود بر خلیفه (اطاعت امر خدا ) تا اخر زمان باقی خواهد ماند.. همانگونه که اطاعت و تسلیم امر خدا بر سجود به خلیفه سبب پیروزی ملائکه شد ؛ مومنین نیز اینگونه پیروزمیشوند.

و تکبر ابلیس باعث شد تا او در این امتحان بازماند و اتباع او از انس و جن اینگونه باز می ماند.

و خداوند فرمود: (یاد ار وقتی را که به فرشتگان فرمان دادیم همه بر ادم سجده کنید و انها تمام سر بر سجده آوردند جز شیطان که از جن بود بدین جهت از اطاعت خدا سرپیچی کرد ایا مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندانش را دوست خود گرفته اید در صورتیکه انها شما را دشمنند و ظالمان که به جای خدا شیطان را برگزیدند بد مبادلی کردند \*کهف ۵۰) ۲

---

۲ - در اینجا باید ملتفت شویم که این ایه کریمه نصی صریح و روشن بر حاکمیت خداوند است که روشن می کند هر که ان را قبول کرد و انها ملائکه بودند و کسی که ان را رد کرد و قبول نداشت ابلیس است و بعد

(سنة الله ولن تجد لسنة الله تبديلا) و این سنت از ادم تا خاتم ادامه دارد.

و این سنت یعنی استمرار وصیت و اعتراض بر ان ادامه دارد و خواهد ماند ...

و ادم (ع) هابیل را انتخاب میکند و شیطان اعتراض میکند و قابیل را تحریک به قتل خلیفه میکند (، فعن أبي عبد الله (ع) قال : ((...ثم أوحى الله إلى آدم أن يضع ميراث النبوة والعلم ويدفعه إلى هابيل ، ففعل ذلك فلما علم قابيل غضب وقال لأبيه : أأنت أكبر من أخي وأحق بما فعلت به ؟ فقال يا بني أن الأمر بيد الله وأن الله خصه بما فعلت فإن لم تصدقني فقربا قرباناً فأيكما قبل قربانه فهو أولى بالفضل وكان القربان في ذلك الوقت تنزل النار فتأكله . وكان قابيل صاحب زرع فقرب قمحاً رديئاً وكان هابيل صاحب غنم فقرب كبشاً سميناً فأكلت النار قربان هابيل . فأتاه إبليس فقال : يا قابيل لو ولد لكما وكثر نسلكما افتخر نسله على نسلك بما خصه به أبوك ولقبول النار قربانه وتركها قربانك وأنت إن قتلته لم يجد أبوك بُدأً من أن يخصك بما دفعه إليه فوثب قابيل إلى هابيل فقتله ...)) قصص الأنبياء ۵۵

خداوند به ادم وحی کرد که میراث نبوت و علم را به فرزندش هابیل بدهد. و او اینگونه عمل میکند و وقتی قابیل از این ماجرا آگاه میشود با ناراحتی به پدرش میگوید ایا مگر من از او بزرگتر نیستم، و این امر حق من است . ادم (ع) به او میگوید فرزندم این امر جانشینی به دست خداوند است و او هابیل را مختص این امر قرار داد و اگر باور نمیکنی قربانی را برای خدا قرار دهید و هر کس قربانیش را خدا قبول کرد او صاحب این امر خلافت خواهد شد. و نشانه قبول این قربانی این

---

از این هرکه این حاکمیت مطلق خداوند را قبول نداشته باشد اخر این ایه بر او مطابقت می کند یعنی ابلیس

و فرزندانش را دنبال کرده و خدا را فراموش کردند (شیطان و فرزندانش را دوست خود گرفته اید در

صورتیکه انها شما را دشمنند و ظالمان که به جای خدا شیطان را برگزیدند بد مبادلی کردن)

است که توسط آتش برده خواهد شد... قربانی هابیل که صاحب گوسفند بود يك قوچ، و قربانی قابیل که صاحب زمین . گندم مانده بود، و آتش قربانی هابیل را گرفت. در این هنگام ابلیس آمد و گفت ای قابیل اگر صاحب فرزندان شديد فرزندان برادرت بر فرزندان تافخر میکنند انهم بخاطر کار پدريت و قبول کردن ان آتش قربانی برادرت و اگر او را بکشي دیگر پدريت کسی را به جز تو براي وصیتو جانشینی پیدا نمی کند و قابیل هابیل را کشت .

وعن أبي عبدالله (ع) في قول الله عز وجل : (( إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات إلى أهلها وإذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل إن الله نعمًا يعظكم به )) قال : (( هي الوصية يدفعها الرجل منا إلى الرجل )) [غيبة النعماني / ۶۰] .

واز امام صادق (ع) تفسیر این ایه که امانات را به اهلشان باز دهیدرا پرسیدن و ایشان فرمودند این وصیت است که از امام به فرزند و وصی بعد از او منتقل می شود.

وعن الحارث بن المغيرة النضري، قال: (قلنا لأبي عبدالله (ع): بماذا يعرف صاحب هذا الأمر؟ قال: بالسكينة والوقار والعلم والوصية ) بحار الأنوار ج ۵۲ / ۱۳۸ و.

از امام صادق (ع) سوال شد که صاحب امر را چگونه بشناسیم ؟

فرمود با سکینه و وقار و با علم و وصیت می آید. پس وصیت راهی شد برای شناخت خلیفه

دوم علم و حکمت .

بعد از وصیت خداوند بر خلیفه ؛ و اعتراض ملائکه به اینکه ما تورا حمد و تسبیح میکنیم و میخواهی کسی را قرار دهی که خونریزی و فساد را به راه اندازد . خداوند به انها فرمود: من چیزی را میدانم که شما نمی دانید و به ادم علم تمام اسماء را داد

و ان را به ملائکه عرض کرد و فرمود اگر راست میگوید اسماء اینها را به من بگوید و انها از این علم با زماندن .

برای روشن شدن موضوع به این مثال قرانی توجه کنید.

(وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَةً مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

طالوت رانبی شان به امر خدا انتخاب میکند و قوم اعتراض میکند که ما بهتر از او هستیم و ما به ان اولی تریم و حتی او مالی ندارد چگونه او را بر ما رهبر قرار می دهی؛ گفت خداوند او را انتخاب کرده و به او علمی میدهد و در قران به ان اشاره شده و زدنانه بسطه من العلم )

ان قوم بعد از اینکه از پیامبرشان خواستند که ملکی را برایشان انتخاب کند طالوت را انتخاب میکند و انها اعتراض میکنند همانگونه که ملائکه اعتراض کردن و گفتن که طالوت هیچ گونه مالی و منصبی در بین ما ندارد در این موقع پیامبرشان جواب انها را با این جمله میدهد که او علمی دارد که از خداوند است و او ملکش را به هرکس که میخواهد میدهد. . مسئله در این جا فقط علم است نه چیز دیگر و خداوند حجتش را در هر زمان با علم مسلح میکند، و این در محاججه تمام ائمه به وضح ذکر شده . که حقشان را بوسیله علمشان روشن کنند مانند محاججه که بین علمای یهود و نصارا در مجلس مامون شد و از امام رضا(ع) پرسیده شد ای فرزند رسول الله به چه چیز امامت به مدعیش ثابت میشود ؟ فرمود با نص و دلیل می آید... گفتن دلایل امامت چیست؟

فرمود علم و استجابت دعوت خود.

یا ابن رسول الله بأي شيء تصح الإمامة لمدعيها؟ قال (ع) : بالنص والدليل ، قال له : فدلالة الإمام فيما هي؟ قال (ع) : في العلم واستجابة الدعوة (( [عيون أخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۲۱۶].

قانون سوم در این قانون معرفت. دعوت به حاکمیت خدا میباشد.

و اطاعت و تبعیت از او تبعیت او امر خدا میباشد

(قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء عمران ايه  
(۲۶)

بگو خداوند صاحب ملك است و او ملكش را به هر كه بخواهد خواهد داد و از هر كه بخواهد خواهد گرفت

(وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ) (القصص: ۶۸)

خداوند خلق میکند هرآنکه را بخواهد و صاحب اختیار است و اختیار

میکند هرآنکه را بخواهد و پاک و منزّه است از مشرکین.

این آیات ثابت میکنند که ملك بدست خداست و او صاحب اختیار است و این اختیار فقط بدست خداوند است. و غیر از او کسی نمیتواند حاکم و خلیفه خدا را انتخاب کند و اختیار خلیفه توسط آنها شرك به امر خداست سبحان الله و تعالی عما یشرکون .

از ابی عبدالله (ع) گفت: ((ایا دیدید کسی از ما به هر که خودش خواست وصیت

کند؟ نه به خدا در صورتی که عهدی از خداوند و رسولش (ص) بر مرد تا مردی

دیگر تا اینکه امر با صاحبش به پایان خواهد رسید)) (الکافی ۱ / ۳۷۰)



در کتاب اثبات الهداه ج 1 ص 115 آمده که ((از سعد بن عبد الله قمي در حدیث طولانی از امام مهدی (ع) که در زمان حیات امام حسن عسکری (ع) بود در باره اینکه چرا ما نمیتوانیم برای خود امام (خلیفه) انتخاب کنیم سوال شد. و امام مهدی (ع) که در آن زمان کودکی خردسال بود اینگونه جواب دادند.

ایاکسی را که انتخاب میکنید مصلح است یا مفسد؟ گفتند مصلح. فرمود آیا امکان دارد که مصلحین شما در شخصی را که انتخاب میکنند دچار اشتباه شوند؟ و کسی را انتخاب کنند که در باطنش فساد و در ظاهر مصلح باشد را انتخاب کنند؟ گفتند بله. امام فرمود این همان علتی است که با برهان عقلی برایتان گفتم که عقل شما آن را درک کند.

به من بگوید آیا پیامبران خدا که آنها مورد لطف خدا قرار گرفتند و معصوم بودند و وحی بر آنها نازل میشود و اعلام هدای قوم و دارای عقل کامل زمانشان بودند. مانند عیسی، و موسی (ع)، در اختیار ممکن است منافق بجای مصلح انتخاب کنند؟ گفتند خیر. امام فرمود موسی (ع) پس از امتحانات دشوار از قوم خود هفتاد نفر را برای میقات انتخاب کرد که در ایمان آنها شک نداشت ولی بعد مشخص شد منافق بودند و آنها به موسی اینگونه جواب دادند که در قرآن به آن اشاره شده که بعد از آن در میقات گفتند موسی قبول نمیکنیم مگر خدا را با چشم ببینیم، و عیسی ع یکی از حواریونش منافق بود و جای او را به یهود نشان داد. و اگر خطا در انتخاب کسانی که معدن علم و نزول وحی بودند افتد و بجای مصلح مفسد را انتخاب کردند! و آنها گمان میکردند مصلح انتخاب کردند. چه رسد به انسان خاکی پس انتخاب فقط بدست کسی است که از سر درون آگاه باشد. و این اختیار را حتی از مهاجرین و انصار میگیرد...

این چکیده‌های از قانون معرفت خلیفه است و این انتخاب را خداوند از همه گرفته است.

این سه مورد همان قانون خداوند سبحان برای معرفت حجت یا خلیفه خداوند در زمین است. و این سه امر سنت خداوند سبحان برای معرفت خلیفه از روز اول خلقت است. و ادامه دارد و باقی خواهد ماند تا اتمام دنیا و قیام ساعت. وصی بایدباین سه قانون یعنی با وصیت و علم (لدنی) و صاحب بیعت الله باشد بیاید تا امر او امر خدا و فعل او فعل خدا باشد.

برای اتمام این بحث مثالی را برای تجلی خلیفه و یا صاحب وصیت پیامبر خدا ذکر میکنیم.

سبح اسم ربك الاعلي

تسبیح یعنی حمد خدا را بجا آوردن است و ان ثنای خداست که با حمد شروع و باشکر تمام میشود. که این خود نیاز به معرفت دارد؛ که خداوند ان را از طریق انبیاء و اوصیاء به ما یاد داده است. و از ائمه (ع) یاد شده: که شکر و حمد سپاس خدا از طریق شکر مخلوقاتش و احترام به ممنوعان است (من لا یشکر المخلوق لا یشکر الخالق) یا الخلق عیال الله و ارتفهم به عیاله اعونهم به عیاله. خلق عیال خداوند هستند و نزدیکترین شخص به خدا مهربانترین آنها و بامنفعتترین به خلق خداست تا سرور را وارد دل اهل بیت (ع) گرداند.

پس تسبیح و حمد بندگان خدا مهربانی با مظلومین و مدارا با ایتام و ارامل و درمقابل سخت و استوار باشد بر معاندین و کفار و مشرکان

و این همان حق است که بر زمین سیر میکند؛ و اسم ربك الاعلي بر زمین، علي (ع) است چون او اسم اعلي و اعظم است و حق باعلي و علي باحق است. پس معنی سبح اسم ربك الاعلي حق باش و بر زمین سیر کن انهم با عمل نه با زبان

همانگونه که امروزه برای بعضی ها متوهم شده ؛ علی صفت هستند نه عمل علی را انجام میدهند و از اسم او استفاده میکنند ،

(( پس چون انرا معتدل بیاریم و در ان روح خویش بدمم همه بر او سجده کنید

\*حجر ۲۹)

امر خدا با خلیفه او در زمین

حال که دانستیم خلیفه نماینده و قائم به امر خداست و کلام او کلام خداست

همانگونه که در قران در مورد خلیفه کامل آمده که (: (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنَّ هُوَ

إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى) وبقوله تعالی : (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا))

از هوا و خود سخن نمیگوید\* بلکه وحیست از جانب ما\* و اینکه آنچه رسول

برای شما آورد انجام دهید و غیر از ان را رها کنید\* .

و خداوند : امام علی را نفس محمد (ص) قرار داد.<sup>۳</sup>

۳- خداوند بندگان پاکش را از سائر مردم جدا نمود و در ایه مباهله به پیامبر دستور داد: فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ

أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَتَّهَلْ فَانْجَعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۶۱﴾

عمران ۶۱ (۳). (بگو ای محمد بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را فرا

خوانیم سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. و حضرت محمد (ص) علی و حسن و

حسین و فاطمه (ع) را بیرون آورد و انانرا خاندان و خویشان خود خواند سپس امام فرمود ایا معنی انفسنا

و انفسکم (نفس خودمان) را می انید ؟ منظور علی (ع) است و از دلایل ان گفتار رسول اکرم است که

هنگام که به قبیله بنی ولیع فرمود یا باید از حرکتشان باز مانید یا فردی را به سویشان می فرستم که همچون

من یا خود من است و مراد علی (ع) است . و این خصوصیت قبل از ان نزد کسی نبوده و فضلی است که

هیچ کس بران اختلاف نمی کند و شرافتی است که موجودی بر ان پیشی نمی گیرد چرا که رسول (ص)

علی (ع) را همچون نفس خویش می داند

وامر علي (ع) را امر محمد (ص) وامر خدا دانست و این انتخاب پیامبر انتخاب خداست

چون حلال محمد حلال و حرامش حرام خدا تا روز قیامت است.

زیرا هر کس اهل بیت نبی را رها کند و از کتاب جدا شود گمراه یا کافر میشود (کافی) همانگونه که امام صادق (ع) می فرمایند اگر ما مردم را با رای خود هدایت می کردیم مانند اقوام قبل گمراه میشدیم! ولی به روشنگری از پروردگار و رسولش مردم را هدایت نمودیم ان را خدا به پیامبرش یاد داد و او نیز ان را به ما یاد داده است) بصر الدرجات ص 299

و در جای دیگری امام صادق (ع) میفرمایند: با هوای نفس خود چیزی نمیگویم و از خود چیزی نقل نمیکنیم ولی آنچه گفته پروردگارمان است می گویم. در این کلام امام صادق (ع) گفته خود را به گونه ای میفرمایند که انگار از خداوند مستقیماً امر میگیرد این در حالی است که خداوند رسالت خویش را با خاتم النبیین تمام کرده است.

ایا اهل بیت نیز به غیب اتصال داشتند وایا وحی بر انها نازل میشود؟

برای توضیح به این موضوع به گفته رسول اکرم (ص) که میفرمایند انی تارك فيكم الثقلين من دو چیز گرانها را به امانت میگذارم توجه داشته باشیم و هر کلام و توضیح بهتر است که از این دو مطلب خارج نباشد... رسول خدا (ص) فرمود: (( لا نبوة بعدی إلا المبشرات . قيل یا رسول الله ، وما المبشرات ؟ قال : الرویا الصالحة ))

رسول خدا میفرمایند: رسالت بعد از من تمام شد الا مبشرات پرسیدند مبشرات چیست فرمود روئیایه صادق ( خواب صادق)

و میفرمایند (( لا نبوة بعدی إلا المبشرات . قيل يا رسول الله ، وما المبشرات ؟ قال

: الرويا الصالحة بحارج ۸۵ ص ۹۰) (إنها جزء من سبعين جزءا من النبوة)

نبوتی بعد از من نیست الا مبشرات گفتند مبشرات چیست فرمود روئیت صالحه و

روئیای صادقه جزئی از ۷۰ جزء نبوت است )

رويا المومن تجري مجرى كلام تكلم به الرب عنده كثر الفوائد ص ۲۱۱)

و میفرمایند: که روئیای صادقه کلام خداوند است که ملائکه انرا از خداوند به بنده

گان صالح میرسانند. و میفرمایند: هرکس که مرا در خواب ببیند انگار که در

حقیقت ما را دیده زیرا که شیطان نه بصورت من و نه بصورت اهل بیت نمیتواند در

اید .

بحارج ۸۵ ص ۱۷۶) از یکی از صحابه امام رضا (ع) نقل شده که به امام گفت ای

فرزند رسول رسول اکرم (ص) را در خواب دیدم و گفت چگونه خواهید بود اگر

در سرزمین شما پاره تنم دفن شود و حافظ و دیعه من باشید و ستاره من در ثرای شما

غیب شود، و امام به او میگوید: من ان مدفون شده و ان ستاره و و دیعه رسولم که

در سرزمین شما خواهم بود و هرکس مرا زیارت و حقم را بداند من و پدرانم در

قیامت شفیع او خواهیم بود حتی اگر به اندازه ثقلین گناه داشته باشد و از پدرانم از

جدم رسول اکرم (ص) نقل شده هرکس ما را در خواب ببیند بدرستی که ما را در

حقیقت دیده و شیطان نمی تواند به صورت ما یا به صورت شیعیان ما در اید

و خواب صادقه جزئی از هفتاد جزء نبوت است.

و ائمه (ع) میفرمایند: کلام ما در خواب مثل کلام ما در بیداری است.

اگر درست در کلام توجه شود میبینیم که رسول اکرم (ص) یا نمایند و خلیفه کا

مل خدا بر روی زمین و مثال کامل او با ختم نبوت دربی دیگر از رحمتش را برای

همه باز میکند و ان روئیای صادقه یا جزئی از هفتاد جزء نبوت است که محدود به

شخص خاص یا زمان خاصی نیست . (( وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ (شوری) )  
 وهر بشری نمیتواند با خدا سخن گوید الا از طریق وحی یا بواسطه حجاب یا از طریق رسلش (فرشته) و ارسال وحی به اذن خدا هر آنچه که بخواهد و او بلند مرتبه و حکیم است)

واین روئیت صادقانه برای استقامت در مسیر حق و شناخت راه درست از نادرست است که بوسیله دیدن انبیاء و اوصیاء و اهل بیت (ع) در خواب صادقانه که به مابشارت یا انذار میدهند که در کارهای که بیند بندگان به راه کج می روند، آنها را به راه حق هدایت کنند. یا در کار خیر ثابت قدم گردانند .

واین درب رسالت از خلیفه خدا از زمان قبل از رسول اکرم (ص) بوده است . بطور مثال : عیسی (ع) رسولانی از طرف خود برای اهل انطاکیه ارسال می کند و اینها رسولی از خدا هستند چون عیسی (ع) به امر خدا کار می کند . و خداوند می فرماید ( هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کنند به امر او کنند .. انبیاء 27)

واین ارسال از رسول خداوند عیسی (ع) است و در قرآن در سوره یس از آن یاد شده است ( ای رسول اکرم برای آنها حال قریه (انطاکیه) را مثل بزن که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم چون تکذیب شدند باز رسول سومی را برای مدد و نصرت مامور کردیم تا همه گفتند ما به رسالت شما آمدیم یس 14)

و در این ایه خداوند می فرماید: فرستادیم در صورتی که این ارسال از عیسی (ع) است

پس این ارسال از عیسی (ع) و رسالت خداوند متعال است . چون عیسی (ع) (مثال خداوند در خلق می باشد) . و رسول اکرم با فرستادن اولین رسول خویش ان را ثابت کرد .

از امام علی (ع) در ادعیه اهل بیت (ع) به عنوان رسول نام برده میشد . زیرا رسالت را از مثال و نماینده کامل خدا شروع کرد .

وبعد از اینکه حضرت محمد (ص) نبوت را ختم نمود درب رسالت خویش را از زمین فتح کرد . انهم از طرف خداوند و این در کلام اهل بیت (ع) کاملاً مشهود می باشد .

في زيارة أمير المؤمنين علي (ع) عن الصادق (ع) : وتقول : السلام من الله على محمد أمين الله على رسالته وعزائم أمره ومعدن الوحي والتنزيل ، الخاتم لما سبق والفتاح لما استقبل ، والمهيمن على ذلك كله الشاهد على الخلق ، السراج المنير والسلام عليه ورحمة الله وبركاته) سلام از خداوند بر محمد امین خدا بر رسالت... وخاتمه آنچه بوده وگشاینده آنچه اید... و مسلط بر انها

(قال امير المومنين...)؛ وشهادت می دهم که جز خدا خدای نیست... وشهادت می دهم محمد بنده او وخاتمه دهنده رسالت قبل ورسول گشاینده دعوت و ناشر در آینده ان می باشد) .

يعني خاتم نبوت وفتح بشارت که جزي از ۷۰ جزء نبوت است میباشد . و حضرت محمد (ص) نبوتش را براي اهل بيتش (ع) کامل کرد و انها از طريق معرفت کاملی که از او دارند امر میگیرند و ما اوامر خود را از خلیفه او یعنی اهل بیت (ع) که دروازه های شهر علم محمدي هستند میگیریم . براي توجه بیشتر دعای سمات را یمانی (ع) اینگونه توضیح می دهد که :

محمد(ص) تجلی مثال خداوند در سفر تشنیه و دعای اهل بیت(ع) کاملاً وبصورت واضح اشاره شده ورد فی سفر التثنیه: (جَاءَ الرَّبُّ مِنْ سَيْنَاءَ، وَأَشْرَقَ لَهُمْ مِنْ سَعِيرٍ، وَتَلَأَلَا مِنْ جَبَلِ فَارَانَ، وَأَتَى مِنْ رِبَوَاتِ الْقُدْسِ، وَعَنْ يَمِينِهِ نَارٌ شَرِيعَةٌ لَهُمْ)<sup>(۵)</sup>.

در سفر تشنیه اینگونه وارد شده که: رب از سیناء آمد و از ساعیر اشراق یافت و از کوه فاران تلئو کرد و از ربوات مقدس آمد و از سمت راستش آتش شریعت برایشان بود.

و در دعای سمات آمده. (... وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ... وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ، فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ (ع)، وَبَطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظَهْرِكَ فِي فَارَانَ ...) خدایا تو را می خوانم به مجد و بزرگواری خود که در طور بر موسی (ع) اشکار شدی و با بنده خود سخن گفתי و طلوع خود در ساعیر (بیت المقدس) و ظاهر شدن خود در فاران (

طلوع خداوند در ساعیر با عیسی (ع) بود. و ظهور خداوند در فاران با محمد(ص) می باشد.

باید ملتفت شد که ارتباط عبارت دعا تصاعدی می باشد از نبی که خداوند با او سخن گفت و او موسی (ع) است تا نبی که مثال طلعت خداوند شد و او عیسی (ع) می باشد و نبی که مثال ظهور خداوند شد و ایشان حضرت محمد(ص) می باشد. و فرق بین طلوع و ظهور این است که طلوع پایین تر از تکامل می باشد و یا جزئی از تجلی ظهور کامل است. و هر دو آنها عیسی (ع) و محمد(ص) مثال خداوند در خلق بودند و لاکن عیسی (ع) به مرتبه پایین تر از محمد(ص) و بعثت عیسی (ع) ضرورتی بود برای مقدمه ظهور و بعثت حضرت محمد(ص) که مثال خداوند در خلق می باشد و محمد(ص) حقا" خلیفه کامل خداوند است. و اگر به ابتدای خلقت باز گردیم، خداوند



ملائکه را مخاطب قرار می دهد (انی جاعل فی الارض خلیفه) (سوره بقره ۳۰) (یعنی من خلیفه ای در زمین قرار می دهم) حتی اگر بگویم ادم خلیفه خداوند بود و بقیه انبیاء و اوصیاء نیز همانگونه بودند ولی هدف رسیدن به خلیفه حق خداست یعنی شخصی که خلیفه کامل خداوند سبحان می باشد تا لاهوت را درائینه وجودش کامل و تمامتر از بقیه انبیاء و اوصیاء منعکس کند. شخصی که بین منیت و انسانیت و بین لاهوت و ذات خداوند الهی در حال حرکت باشد.

در کافی جلد ۱ ص ۴۴۲) آمده که ابو بصیر از امام صادق (ع) سوال می کند فدایت شوم چند بار رسول اکرم (ص) عروج کردند؟ فرمود دو بار و جبرائیل او را در موقفی قرار داد و به او گفت این مکان شماست در مکانی هستی که هیچ نبی و ملکی به این مکان نرسیده است. و بروردگار بر تو صلوات می فرستد فرمود ای جبرائیل چگونه صلوات می فرستد. گفت می فرماید سبح قدوس من بروردگار ملائکه و روح هستم و رحمت من جلوتر از غضب من می باشد و رسول اکرم فرمود خداوند عفو و عفو و در جای بود که همانگونه که خداوند فرموده یعنی در مقام قاب قوسین یا نزدیکتر از ان و ابو بصیر سوال می کند فدایت شوم قاب قوسین یا نزدیکتر از ان یعنی چه؟ و امام فرمود به اندازه فاصله تیرسر نیزه تا کمانش سبس فرمود (ع) و بین انها حجاب نورانی که نور افشانی می گردد و نمی دانم چیست سبس فرمود زبرجد... و مانند سر سوزن به ماشاءالله نور عظمت نظر افکند. و خداوند تبارک و تعالی به او فرمود ای محمد فرمود لبیک بارب و خداوند فرمود چه کسی بر امتت بعد از تو می باشد و محمد (ص) فرمود خداوند عا لم تر است فرمود علی ابن ابیطالب امیر المومنین و سید تسلیم شدگان و فرمانده محجلین می باشد سبس امام صادق (ع) به ابو بصیر گفت ای ابامحمد بخدا قسم ولایت علی (ع) از زمین نبود بلکه از آسمان بصورت شفاهی بود... محمد در آنی که در ذات خداوند فانی می گشت جز خداوند واحد قهار چیزی باقی نمی ماند و جز

نوری که ظلمتی در آن نبود باقی نمی گشت و او خداوند سبحان و تعالی است، و آن بنده (محمد ص) پرده حجاب برایش کاملاً باز شد و خداوند را به حق شناخت. و او تنها شخصی است که می تواند خداوند را به خلق به شکل تمام معرفی کند و نیز او خلیفه کامل خداوند است که لاهوت در آن تجلی می یابد یا ذات الهی کاملاً در انسان شناخته شود. برای بهتر روشن شدن مثالی را می زنیم. اگر انسانی شرکت تولیدی داشته باشد که در آن آلات و کارگرانی باشد که خود آن را مدیریت می کند نتیجه و ثمر آن تولید صد در صد می باشد سپس آن شخص خواست برای آن تولیدی جایگزین یا برای خود نماینده ای قرار دهد؛ شخصی را برای این کار انتخاب کرد که می تواند آن را اداره کند لکن اگر او بر نمایند اش اشراف نداشته باشد نتیجه تولید هشتاد در صد می شود، پس باید بر او اشراف داشته باشد تا نتیجه این تولید به صد در صد برسد و بعد از آن شخصی را یافت که تولید را به نود درصد می رساند و با اشراف بر او تولید به صد در صد می رساند و در آخر شخصی را پیدا کرد که مانند خودش میباشد و انگار صورتی از اوست که نتیجه عمل و تولید را بدون اشراف بر کارش به صد در صد می رساند و او را جایگزین و خلیفه خود گردانید و او را نماینده تام الاختیار خود نهاد زیرا جز برای مشیت و رضایت صاحب تولید کاری نمی کند، پس الان اشراف صاحب شرکت بر این نماینده؛ کاری بیهوده می باشد. و نیز کسی که از آتش چیزی می شنود به اندازه شنیدن از آن، آتش را می شناسد، همانگونه که کسی که آن را می بیند به اندازه دیدن آن آتش را می شناسد، اما شخصی که چیزی از او در آتش بسوزد معرفت او از آتش یقیناً "بیشتر است"، لکن به اندازه سوختن در آن. ولی کسی که کاملاً در آتش بسوزد حتی خودش آتش شود؛ معرفتش بطور کمال و تمام میباشد و حتی نمی شود او را از آتش تشخیص داد چون او نیز آتش شده، و خداوند می فرماید. (مبارک باد آن کس که در این آتش است یا به گرد آن در طلب است و منزله و بلند مرتبه خداوند که افریننده

عوالم بی حد و نهایت است. نمل ۸) (و این مثلها را می‌زنیم تا حقایق روشن شود ولیکن به جز مردم دانشمند کسی تعقل نمی‌کند)) . عنکبوت ۴۳) . و این مقام محمود حضرت محمد (ص) است که فانی در نور خداوند گشت...

بعد از بعثت نبی اکرم محمد ص (انسان کامل یا خلیفه حق خدا و ظهور او در فاران و انعکاس لاهوت) امر این ارسال از محمد (ص) است و تمام ائمه (ع) رسول بودند برای این امت ولی از طرف محمد (ص) (تجلی خدا در خلق) خداوند می‌فرماید (برای هر امتی رسولی است که هرگاه رسول آنها آمد حجت بر آنها تمام شد حکم به عدل شود و بر هیچکس ستم نخواهد شد \* یونس ۴۷) از ابی جعفر (ع) تفسیر این ایه سوال شد فرمود تفسیر آن در باطن برای هر قرن از این امت رسولی از آل محمد خروج می‌کند برای قرنی که در آن رسول قبل می‌باشد و آنها اولیاء و رسل می‌باشند و اما معنی قول خداوند که اگر رسولشان آمد بین آنها با قسط قضاوت می‌کند آنها رسول هستند که با قسط حکم می‌کنند و ظلم نمی‌کنند همانگونه که خدا می‌فرماید. (تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۲۳)

و نیز خداوند می‌فرماید تو اندرز دهنده خلق هستی و برای هر قوم راهنمایست (رعد ۷) تفسیر این ایه از امام صادق (ع) اینگونه است که فرمود که رسول خدا ص منذر (اندرز دهنده) و برای هر زمان از ما راهنمایست که آنها را به آنچه رسول خدا آورده هدایت می‌کند سپس راهنمایان بعد از امام علی (ع) آنها اوصیاء یکی بعد از یکی. (کافی ج ۱ ص ۱۹۱)

و این تجلی خدا رسالتش را با فرستادن حضرت علی شروع کرد و این را اهل بیت در کلامشان آورده‌اند. که به امام علی علیه السلام رسول رسول خدا می‌گویند.  
عن جمیل بن صالح ، عن ذریح قال : سمعت أبا عبد الله (ع) یعود بعض ولده ویقول (عزمت علیک یا ریح ویا وجع ، کاینا ما کنت بالعزیمۃ التي عزم بها علی بن

أبي طالب أمير المؤمنين (ع) رسول رسول الله (ص) على جن وادي الصبرة فأجابوا وأطاعوا لما أجبنا وأطعت وخرجت عن ابني فلان ابن ابنتي فلانة ، الساعة الساعة الكافي - الشيخ الكليني ج ۸ ص ۸۵ (خ)

(ودر جای دیگر از امام صادق (ع) تفسیره ایه شما منذر و برای هر قوم هدایتگری است سوال شد و امام فرمود منذر رسول اکرم بود و هادی امام علی (ع) و این سنت با ماست و تا قیام ساعت باقی است) .

از اسحاق بن عمار گفت ابا عبدالله (ع) را شنیدم که می فرماید : ( همانا قرآن تأویلی دارد که قسمتی از آن قبلاً آمده ، و قسمتی هنوز نیامده است ، پس اگر تأویل در زمان امامی از ائمه اتفاق بیفتد ، امام آن زمان آنرا می داند ) وسائل الشیعه آل بیت : ج ۲۷ ص ۱۹۶

و همانگونه که اهل بیت فرموده اند که قرآن مانند شب و روز در جریان است آیا این کلام در زمان ما هم جریان دارد و اگر رسول (ص) مثال خداوند است..... و مثال رسول اکرم (ص) در این زمان امام حجت محمد ابن الحسن العسکری (ع) است و او منذر (اندرز دهنده) قوم ما می باشد پس هدایتگر به او کیست . علی زمان و محمد (ص) زمانمان را چگونه بشناسیم ؛ مگر قرآن مانند شب و روز در جریان نیست پس تفسیر جدید قرآن را باید از که بگیریم . برای مثال احمد که بشارت او را عیسی ابن مریم داده در زمان ما کیست یا اینکه این ایه دیگر در این زمان تفسیری ندارد . و آیا این احمد بعد از بازگشت عیسی (ع) می آید؟؟؟

آیا همانگونه که برای شناخت محمد (ص) علی دروازه شهر علم و هادی اوست خلیفه زمان یا تجلی علی و محمد (ع) زمان ما (خورشید زمان) که در غیب است و نمیتوان او را دید آیا نیازی به دروازه و هادی نیست !! که ما را به او برساند تا ماه تابان او باشد ؟ آیا نیازی به تجلی امام غایب نیست ؟ و چه کسی بهتر از آن که محمد

وال محمد(ع) او را نماینده و امین و یمین خود (نمایند و خلیفه و هدایتگر امام زمان (انتخاب کرده باشند؟؟؟) (ومارمیت اذا رمیت ولاکن الله رما) این تیری که میفرستی از جانب تو نیست بلکه از جانب پروردگار است. و این انتخاب باید از جانب کسی باشد که از باطن آگاهی داشته باشد تا این سفینه مانده در فتنه‌ها رابه سر منزل مقصود برساند.

( والشمس وضحاها\* والقمر اذا تلاها\* وانهار اذا جلاها )

سوگند به خورشید و نور ان \* و قسم به ماه که نورش را از خورشید میگیرد\* و قسم به روز که انرا جلا و روشن میسازد\*. توجه کنید کدام يك دیگری را روشن میکند خورشید روز را یا روز خورشید را روشن میکند. در چشم عادی و علوم زمینی نور روز از خورشید است، ولی در این ایه خداوند فرموده که روز خورشید را روشن و جلا میدهد.

و نقل از یمانی موعود وصی امام مهدی(ع) در تفسیر از کتاب. (متشابهات یمانی وصی و رسول مام مهدی ع)... آمده که خورشید تجلی محمد(ص) و ماه تجلی

علي وصي (ع) وروز تجلي امام زمان (ع) است که حقيقت وفضل محمد وال محمد را براي ماروشن ميکند .

رسول اکرم (ص) در باره يارانش که حقيقت اين خورشيد و ماه را روشن مي کنند مي فرمايند (برای آن زمان بندگان را برگزيده ام که قلب هایشان را برای ايمان امتحان نمودم و از ورع ، اخلاص ، يقين ، تقوا ، خشوع ، صدق ، حلم ، صبر ، وقار انباشته ساختم . وراغب به آنچه که من دارم می باشند و انها را داعی به امر خورشيد و ماه می گردانم و انها را خليفه روی زمین قرار میدهم انها اولیای من هستند برای انها نبی مصطفی و امین مرتضي قرار دادم و ان را نبی و رسولشان خواهم گذاشت .

ان بندگان اولياء و انصار امام هستند (بحار ج ۵۲ ص ۶۹) انهم بوسیله علمي که از طريق دروازه اش به يارانش نقل ميکند . و خورشيد و ماه اين زمان امام زمان (ع) و وصی ایشان که رسول و فرستاده اوست و او را مثال خداوند در زمین (خليفه زمان)

---

۶ - از ابن عباس روايت است که می گوید : رسول الله (ص) فرمود : ( مَثَلِ مَنْ در میان شما مثل خورشيد

و مَثَلِ عَلِيٍّ مثل ماه است که اگر خورشيد غروب کرد از ماه روشنایی بگيريد و با آن هدايت شويد ) بحار

الانوار : ج 24 ص 76 . از فضل بن عباس که از ابی عبدالله (ع) روايت می کند که فرمودند : ( الشمس و

ضحاهها ) خورشيد امير المؤمنين (ع) و روز قيام قائم (ع) است . ( و القمر اذا تلاها ) امام حسن و امام

حسين (ع) است . ( و النهار اذا جلاها ) خود ، قيام قائم (ع) است . ( و الليل اذا يغشاها ) حبر و دلام

هستند که حق را مخفی ساختند . بحار الانوار : ج 24 ص 72

برای مردم فرستاده است. که اهل بیت (ع) اور ا ذکر کرده اند و برایش دعا کرده اند

در مفاتیح جنان بعد از دعای عهد امام رضا (ع) برای امام زمان دعا کرده و از رسولی که پدران او امامان هستند نام برده و برای او دعا کرده این رسول از طرف امام زمان می آید. (واحفظ فیه رسولک و اباء ائمتک)

و این جانشین و خلیفه را کسی جز امام (ع) نمی شناخت زیرا که این رازی است از اسرار خداوند که می خواستند با آن شیعیان و امتشان را امتحان کنند و نیز او را از دشمنان محفوظ دارند و نیز کسی به دروغ ادعای مقام او را نکند و الله اعلم ...

و حتی در زمان ائمه آنها تمام علومشان را به کسی نمی دادند زیرا که دشمنان آنها همیشه در کمین بودند ... و در محاجه که بین امام صادق (ع) و ابوحنیفه شاگرد او بود اتفاق افتاد متوجه می شویم که کلام اهل بیت مستور و مخفی است و علم قران و کلام خدا را به جز اهل بیت (ع) کسی نمی داند حتی نزدیکترین اشخاص به آنها .

قال الإمام الصادق (ع) ..... علل الشرایع ج ۱ ص ۹۰ ) ای ابوحنیفه ادعا میکنی که به علم قران و به ناسخ و منسوخ ان آگاهی داری گفت: بله امام فرمود: وای بر تو ادعای علمی را می کنی که ان را خداوند در کسانی قرار داد که خود اهل کتاب اند و نیز در خاصه از ذریه نبی ماست. (اهل بیت یا اهل کتاب را شناختیم ولی ذریه آنها کیستن؟؟) ..

ایا امام زمان ذریه دارد؟ ایا او نیز دروازه های دارد و برای شناختش در زمانمان همانگونه که در زمان سفرای قبل داشت؟ و اگر نماینده و خلیفه ای دارد ان خلیفه کجاست. و ایا این زمامن زمان آمدن انهاست ؟

این همه بی حرمتی به شیعیان و مسلمانان و بالاتر از ان تخریب مقامات اهل بیت (ع) وزیر با گذاشتن کلام خدا بالاتر از این بی حرمتی هست که امام ما بیاید و

ما را از این ذلت راهایی دهد . ( برای بحث ذریه امام و فرزندش بحث جداگانه خواهیم داشت )

از ابی بصیر گفت: ((به امام جعفر صادق بن محمد(ع) گفتم: ای فرزند رسول خدا از پدرت(ع) شنیدم که می گوید: بعد از قائم دوازده امام خواهند بود . انگاه فرمودند نه فرموده دوازده امام: بلکه فرمودند: دوازده مهدی و آنها قومی هستند از شیعه ما که مردم را به موالات و معرفت حقیقی ما دعوت می کنند)) (کمال الدین ۲/ ۳۵۸) .

میگویند علامتی دال بر ظهورش نیست و اهل بیت(ع) میگویند اگر مسلمانی گرسنه بخوابد مسلمان که از او خبر دارد مسلمان نیست و اگر مسلمانی در شرق زمین بی گناه کشته شود و مسلمانی در غرب زمین بشنود ندای او را و کمکش نکند مسلمان نیست. آیا بالاتر از این ظلمی که به مسلمانان می شود ظلمی هست کدام يك مسئول است. اگر ما نیز طاقت جنگ با جالوت زمان (امریکا مملکت آهنی) را نداریم چرا مانند یهودیان زمان طالوت از خدا در خواست کمک نمی کنیم تا کسی را برایمان بفرستد ... و آیا احتمال دارد کسی آمده و انرا تکذیب کرده باشند و ما بدنبال تکذیب کنندها باشیم . در کافی جلد ۱ ص ۲۰۷ آمده که از امام صادق تفسیره ایه:

کذبوه ایاتنا کلها.. (تمام ایات را تکذیب کردند. فرمود یعنی او صیاء همه تکذیب شدند.

#### شکست منتظران

نکته ای را که می خواهیم به آن تاکید کنم این است که تمامی امت ها منتظر پیامبر موعود خود بودند و آنها را با تمامی اسم ها و صفات می شناختند ، و در زمان ظلم و ستمی که گریبان گیر آنها بوده به سوی خدا تضرع و زاری و التماس می نمودند که برای آنها پیامبری بفرستد تا آنها را از این خفت و خواری نجات دهد ، لیکن



هنگامی که خداوند ، پیامبر موعود را با تعالیم الهی خود که بر خلاف امیال و هوای آنها است می فرستد ، شروع به تکذیب او می کنند و اتهام جادوگری و جنون و دروغ را به او نسبت می دهند ، و از او روی می گردانند ، و برخی پا را فراتر نهاده و پیامبران یا اوصیاء را می کشتند. و به همین خاطر و با توکل بر خداوند شروع به نوشتن این تحقیق متواضعانه برای شناخت احوال بعضی از امت هایی که منتظر انبیاء الهی بوده اند کردم ، و آن هنگام که در این انتظار شکست خوردند و نا امید پیامبران را تکذیب کردند و آنها را بیرون راندند و به آنها گفتند که ما هیچ احتیاجی به شما نداریم ما آنچه را که پدرانمان می پرستیدند می پرستیم و ما شما را از گمراهان می بینیم.

باید دانست که این شکست گاهی به هنگام استقبال فرستاده است و شناختن او و گاهی این شکست در همراهی پیامبر یا امام بعد از استقبال و معرفت اوست . بطور مثال قوم نوح پیامبرشان را شناختند ولیکن در همراهی با او شکست خوردن ولی قوم موسی در استقبال و شناخت پیامبر شکست خوردن وعده ای در همراهی با او شکست خوردن و آن هنگام که فرعون آنها را تعقیب کرد و در کنار نیل آنها را محاصره کرد بنی اسرائیل گفتند که آنها به ما رسیدند و موسی به آنها گفت که خدا با من است و مرا هدایت می کند و از شر فرعون نجات یافتن ، ولی آن هنگام که آنها را دعوت به جنگ با دشمنان خدا کرد گفتند برو تو و خدایت با دشمنان بجنگ ما اینجا می مانیم فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ )

اما امام مهدی (ع) طبق روایات قومی در معرفت و استقبال از او شکست می خوردند و البته آنها اکثریت مردم هستند زیرا کل یارانش ده هزار ، و سیصد و سینزده نفر که فرماندهان او هستند می باشند، و سپس کسانی که به او ایمان آورده اند. و در همراهی ایشان اغلب شکست می خوردند چون با دین جدید می آید و نیز

مخالف هوای علماء و مردم زمانش میباشد.

باید مواظب بود ما طبق گفته اهل بیت (ع) نشویم، و به امام بگویم برگرد ای فرزند فاطمه بازگرد که ما را با تو کاری نیست ....

، ادریس از نظرها غائب شد تا اینکه طرفدارانش بدون غذا ماندن و ظالمان آمدند و خون های آنها را بر زمین ریختند و بقیه را ترساندن سپس ادریس ظهور کرد و علیه السلام آمده آمدن منجی آنها که از صلاله اش بود یعنی نوح (ع) را به آنها داد و به آسمانها عروج کرد و طرفدارانش قرن ها و نسل های بسیار منتظر قیام نوح (ع) بودن و بر ظلم ستمکاران صبر می کردند تا اینکه نوح ظهور کرد، و همانگونه که ذکر شد شیعیان نوح منتظر ظهورش بودند و وعده او را شنیده، بودند و او کسی بود که آنها را نجات می داد و این وعده ادریس پیامبر بود. قوم نوح آیا او را تصدیق کردند یا آنکه او را انکار کردند و یا به عبارت دیگر آیا در امتحان انتظار موفق شدند یا شکست خوردند؟ .

صاحب کتاب إلزام الناصب به نقل از کتاب اکمال دین شیخ صدوق داستان ظهور نوح با قومش هنگام بعثت او را نقل می کند هنگامی که پس از شداید و سختی های بسیار نوح ظهور کرد مردم او را قبول نکردند بلکه به مخالفت با او پرداختند و وی را مورد ضرب و شتم قرار می دادند طوری که بعضی اوقات تا سه روز بیهوش می شد و در حالیکه به هوش می آمد که از گوشش خون بیرون می آمد. و پس از سیصد سال که از دعوتش می گذشت و مردم به او روی نمی آوردند و او آنها را به طور مخفیانه یا علنی دعوت کرد ولی آنها فرار می کردند تا آنکه در روزی سه فرشته از آسمان هفتم در صبحگاه بر او نازل شدند و به او گفتند که از تو خواسته ای داریم فرمود بگوئید گفتند ، که دعای خود را از این مردم دریغ دار و این اولین خشم خدا بر این قوم است فرمود دعوت خود را تا

سیصد سال دیگر به تاخیر می اندازم، و پس از انقضای آن مدت دوباره نوح قومش را دعوت کرد ولی باز هم آنها به همان رفتار سابق خود ادامه دادند تا آنکه در ظهرگاه روزی سه فرشته از آسمان ششم بر او نازل شدند و آنچه را که ملک و فرشته آسمان هفتم طلب کرده بودند طلب کردند و نوح نیز همان جواب را به آنها داد و پس از گذشت آن مدت نوح دوباره مردم را دعوت کرد ولی باز هم همان رفتار گذشته را داشتند تا اینکه شیعیان او به نزدش آمدند و از ظلم و ستم ظالمان به نوح شکایت کردند ان عده کمی که به او ایمان آورده بودند . نوح استجابت کرد. و بر مردم دعا کرد . و جبرائیل بر او نازل شد و به او گفت به طرفتدارانت بگو محصول خرما می امسال را بخورند و دانه آن را بکارند که اگر ثمره آن دانه به بار نشست فرج نزدیک است یعنی عذاب خداوند بر آنها نازل می شود و آنها خوشحال شدند محصول را خوردند و دانه های آنرا کاشتند ، پس از به ثمر نشستن دانه ها آنها نزد نوح آمدند ، ولی دوباره نوح کلامش را تکرار کرد یعنی خرما را بخورند و دانه آنرا بکارند که اگر ثمر این دانه به بار نشست فرج آنان نزدیک است یعنی عذاب خداوند بر قوم کافر نازل می شود ، آنها خوشحال شدند محصول را خوردند و دانه های آنرا کاشتند ، پس از به ثمر نشستن دانه ها آنها نزد نوح آمدند ... و نوح به آنها گفت جبرئیل بار دیگر بر او نازل شد و گفت ، بایستی محصول امسال را هم بخورند و دانه های آن را بکارند اگر محصول این بار به ثمر نشست آن وقت است که فرجشان می رسد ، عده ای با این باور که نوح می خواهد خلف وعده کند به او پشت کردند یعنی یک سوّم آنها و دو سوم آنها پس از آن دوباره آنان محصول را خوردند و دانه ها را کاشتند و باز هم همان داستان بالا تکرار شد و این بار نیز یک سوّم دیگر از شیعیان نوح روی گرداندند و یک سوّم باقی مانده دوباره محصول را خوردند و دانه ها را کاشتند و آن هنگام که ثمره داد به نزد نوح آمدند و از او طلب

کردند که به وعده اش عمل کند چرا که آنها یک عده بسیار کمی باقی مانده بودند و می ترسیدند که آنان نیز از راه به درشوند ، نوح نماز خواند و دعا کرد و خدا نیز دعای او را اجابت کرد و به او گفت که کشتی را بساز و بین ساختن کشتی تا طوفان ۵۰ سال فاصله داشت .

و آن هنگام که نوح شروع به ساخت کشتی نمود عده ای او را به باد مسخره می گرفتند و او به آنها می گفت اگر امروز شما ما را مسخره می کنید ما هم روزی شما را پاسخی بدهیم که بعد از این بدانید شما به عذاب ذلت و خواری گرفتار و مستوجب عذاب دائم خدا خواهید شد (هود ۳۹) و طوفان آمد و نوح و یارانش در انتظار پیروز شدند و نجات یافتند و کافران شکست خوردند چرا که پیامبر موعودشان را نشناختند . الزام الناصب ص 164 و اکمال دین 241

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود . صالح پیامبر مدتی از انظار قومش دور بود و آن هنگام که غیبت کرد جوانی رعنا و زیبا ، با ریشی پرپشت و چهار شانه ، و آن هنگام که دوباره به مردم بازگشت او را به قیافه نشناختند و مردم آن زمان بر سه طبقه بودند یک گروه منکر که اصلاً از حرفشان باز نمی گشتند ، و گروه دوّم که شک داشتند و گروه سوّم که یقین داشتند او باز می گردد ، و هنگامی که بازگشت ، در ابتدا به سراغ طبقه دوّم و شکاک رفت ولی آنها او را نپذیرفتند و بعد به سراغ گروه اوّل رفت ؛ آنها نیز او را مسخره کردند و گفتند که صالح فرد دیگری است پس از آن به سراغ گروه سوّم رفت به او گفتند که ما به تو ایمان می آوریم و می دانیم که خداوند بر همه چیز تواناست ولی ما نیز دلایلی داریم که بوسیله آن دلایل که از آسمان است می توانیم منجی را بشناسیم آیا می توانی نشانه های آن را به ما بدهی ، صالح گفت که من آورنده آن ناقه ام (شتر) که این ناقه یک روز از آب می خورد و روز بعد شمائید که می توانید از آن آب بنوشید گفتند (مؤمنان جواب دادند بلی ما

بر این عالم هستیم و مطمئنیم بی هیچ شك به آئینی که از طرف خدا بر او فرستاده شده ایمان داریم ( اعراف ) . و کسانی از قوم صالح نیز در امتحان شکست خوردند و اکثر آنها از امتحان سربلند بیرون نیامدند و عذاب خداوندی شامل حال کافران شد و ایمانی کسانی که در ابتدای رسالتش به او آورده بودند بعد از اینکه خدا آنها را امتحان نمود در این امتحان ماندند کافی نبود و همین طور است حال تمامی کسانی که منتظر امام مهدی (ع) هستند در حالیکه او جوان ظهور می کند و همه اعتقاد دارند که او مسن است .

که اگر قائم ظهور کند مردم او را انکار می کنند چرا که او جوانی موفق ظاهر می شود مگر آنکسی که خداوند در عالم ذر اول از او پیمان گرفته است . غیبه النعمانی .

نقل است که ، آن هنگام که یوسف در حال احتضار بود اطرافیانش و یارانش را جمع کرد و برای آنها سختی هایی را که خواهند دید و اینکه مردانشان کشته می شوند و زنان شکم هایشان دریده می شود و نوزادانشان را می کشند خبر داد ؛ و به آنها گفت که این تا زمان ظهور حق که او فرزندی از فرزندان یعقوب است ادامه خواهد داشت . و مشخصات حضرت موسی علیه السلام را به آنها فرمود که . مردی است سبزه و بلند قد و تمامی مشخصات آن را برایشان شرح داد و به آن تمسک جستند تا اینکه در زمان غیبتش شداید بر بنی اسرائیل سرازیر شد و آنها به مدت ۴۰۰ سال منتظر قیام قائم بودند تا اینکه بشارت ولادتش را دادند و علامات ظهورش را دیدند و سختیها بر آنها فراوان گشت و مجبور شدند که بیشتر کار کنند ، و آنها از فقیه خود خواستند که در مورد ظهور با آنها صحبت کند ولی او قبول نکرد ، کسی را به نزد او فرستادند و گفتند که ما در وقت شداید با سخنان شما دلگرم می شویم و وی آنها را به صحرا برد و در آنجا حدیث قائم را برای آنها بازگو

کرد و به آنها گفت که ظهورش نزدیک است ؛ و در آن هنگام بود که موسی برای هدایت آنها ظهور کرد و او جوانی بود که در نزد فرعون بود و بر آنان با هیئتی که از ناز و نعمت بود خبر می داد ظاهر شد سوار بر قاطر و با لباس پوستین که بر تن داشت ، فقیه وقتی او را دید او را شناخت و خم شد و گفت خدا را شکر که قبل از مرگم ناجی بنی اسرائیل را دیدم و مردم فهمیدند که او موسی است سجده کردند و خدا را شکر گفتند و موسی چیزی جز آن که خداوند فرجتان را نزدیک گرداند نگفت و پس از آن به مدت پنجاه و اندی سال به شهر مدین رفت و دوباره از نظرها غایب شد و این بار سختگیری ها بیشتر شد و مردم بار دیگر به فقیه شاه رفتند و او پنهان شد ، کسی را به نزد او فرستادند و گفتند که ما دیگر صبری نداریم و تو پنهان شدی ، پس وی به صحرا رفت و آنها را به خویشنداری دعوت کرد و گفت که فرج آنها ۴۰ سال دیگر است و همگی خدا را شکر گفتند و خداوند بخاطر این سخنان ان را ۳۰ سال قرار دادم و آنها گفتند تمامی نعمت ها از خداوند است خداوند به او وحی کرد و گفت که آن را ۲۰ سال قرار دادم ، سپس خداوند به او وحی کرد به آنها بگو نروند چرا که فرجشان را در همین ساعت قرار دادم بعد موسی ظاهر شد در حالیکه سوار بر دراز گوشی بود فقیه خواست تا آنچه که او می داند یارانش نیز بدانند نزدیک شد و سلام کرد و گفت تو کیستی گفت موسی فقیه گفت فرزند کی هستی . فرزند ال عمران فقیه گفت فرزند منم . گفت فرزند لاوی فرزند یعقوب . فقیه گفت برای چه اینجا آمدی . فرمود من رسالتی دارم از طرف پروردگار فقیه بلند شد و دست او را بوسید سپس با هم نشستند و پس از آن دستور

تفریق آنها را داد... اکمال دین ص 145 و الزام ناصب ج 1 ص 254

محل شاهد ما در اینجا است که خیلی ها به موسی ایمان آوردند و او را یاری کردند یا آنکه در انتظار موسی و تکذیب او شکست خوردند این قصه قیام موسی (ع)

است که در مسیر ان بعضی ها شکست خورده و بعضی ها مانده اند و این افراد در مسیر حرکت با موسی به پنج فرقه تقسیم شدند . گروه اوّل که به تبعیت از فرعون پرداختند و اینان صاحبان جاه و مقام بودند و از فرعون ترسیدند . گروه دوّم که تابع بلعم بن باعوراء بودند که او یکی از فقهاء و علمائی بود که هزار نفر در پیش او شاگردی میکردند و وی علوم الهی را تدریس می کرد و دارای یک جزئی از اسم اعظم بود همانگونه که بعضی از روایات او را توصیف می کنند . گروه سوّم فرقه ای که از سامری تبعیت کردند آن هنگام که برای آنان گوساله ای را خارج ساخت و گفت که این اله شما ست و موسی به شما دروغ گفته و آن هنگامی که موسی بمدت چهل شب برای ملاقات خداوند رفته بود و سامری اوّلین انصار موسی (ع) بود و لکن شیطان او را فریب داد و از راه حقّ دور کرد و از غیبت موسی استفاده کرد و گوساله ای ساخت و مردم را با آن گمراه ساخت آن هنگام که بر عبادت گوساله اصرار ورزیدند . گروه چهارم آن دسته از بنی اسرائیل که از موسی نافرمانی کردند و به او مثلاً می گفتند، که تو و پروردگارت بروید و بجنگید و ما همین جا نشسته ایم ، و از رفتن به جنگ سر با زدند . گروه پنجم . و آنها اقلیت بنی اسرائیل هستند که به موسی ایمان آوردند و در همراهی او نیز موفق بودند چرا که آنها نور خدا را دیدند و باور کردند و در این راه از سرزنش هیچ کس نهراسیدند و خوشا بحال آنان و سنّت خداوند با موسی موعود(ع) و مصلح قوم بنی اسرائیل نیز تکرار شد و اندک افرادی به او ایمان آورده بودند و اکثر مردمی که در انتظار فرجش بودند شکست خوردند و به او انواع اتهامات مثل سحر و جادو گری و دروغ و غیره را زدند و قائم به امر ال بیت (ع) سستی مانند موسی (ع) را دارد بطور مثال موسی فراری شد و در کنار شعیب زندگی کرد و قائم(ع) نیز فراری است و شعیب ابن صالح را در ایران به فرماندهی خود قبول می کند و نیز هفتاد نفر را به میقات

برد و آنها باز سر باز زدند و در روایت قائم (ع) هتاد نفر از بزرگان قوم او را تکذیب می کنند؛ و در آخر موسی و صییش را با انداختن چوب و سبز شدن ان ثابت می کند و قائم برای حسنی صاحب وجه صبیح در کوه های دیلم همین کار را تکرار می کند.

از ابی بصیر نقل شده که می گوید شنیدم ابا جعفر (ع) می فرماید: در صاحب این امر چهار سنت از چهار پیامبر وجود دارد. سنتی از حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) و حضرت یوسف (ع) و حضرت محمد (ص) که درود خداوند بر همه آنها باد و اما سنت موسی (ع) ترس و متواری بودن است و سنت حضرت یوسف (ع) زندان است و سنت حضرت عیسی (ع) این است که می گویند مرده ولی نمرده است و اما سنت حضرت محمد (ص) شمشیر است. کمال الدین و تمام النعمه ص 152

زمان عیسی (ع)

بلايا بر قوم بنی اسرائیل شدت می یافت تا اینکه یحیی بن زکریا متولد شد و به سن نه سالگی رسید و پس از آن در مجلسی خطبه ای را بیان کرد که ابتدا به مدح و ثنای خداوند پرداخت و سپس روزهای خدا را برای آنها یادآور شد و پس از آن به آنها گفت که بلاهای صالحین بخاطر گناهان امت بوده است و اینکه عاقبت از آن متقین است، و آنها را به ظهور مسیح پس از بیست و اندی سال وعده داد و آن هنگامی که مسیح متولد شد امر ولادت او را خداوند مخفی نگه داشتند و او را از نظرها پنهان کرد، چرا که مریم آن هنگام که آبستن بود خود را مخفی کرد و در جایی عزلت پیشه گرفت، بعد از آن زکریا و خاله مریم آمدند که امر مسیح را بازگو کنند که دیدند مردم به سمت مریم هجوم بردند و او را با فرزندش دیدند ... مریم گفت ای کاش من قبل از این مرده بودم یا فراموش می شدم و خداوند زبان عیسی



(ع) را به عذر و اظهار حجت باز نمود.

و پس از ظهور او بلاهای بسیاری بر بنی اسرائیل فرود آمد و آنها ظلم بیشتری را از طواغیت و ستمکاران روزگار دیدند تا اینکه آنچه که خداوند در مورد مسیح به آنها گفته بود همگی به حقیقت پیوست . و بزرگترین دشمن عیسی علمای بنی اسرائیل بودند که از مسیر اصلی تعلیمات موسی منحرف شده بودند و زندگی مرفهی را برای خود دست و پا کرده بودند آن هم بوسیله اموال فقراء و بیچارگان . آنها به شدت بر علیه عیسی برخاستند و بر رأس آنها سردسته دینی قوم بنی اسرائیل بود (حانیا) در حالی که می دانستند او همان پیامبر موعود است و علماء بی عمل در این راه بسیاری از بنی اسرائیل را با خود همراه کرده بودند . و بزرگترین کار عیسی رسوا نمودن این گروه گمراه و کشف حقیقت آنان برای مردم بود عیسی (ع) با کلماتی زندگی مرفه علماء را به مسخره می گرفت و می فرمود . دستان من خادمان من هستند و جنبنده من پاهایم است و زمین تخت من است و بالشتم سنگ و گرمای من در زمستان مشرق زمین است و چراغم در شب نور ماه است و با گرسنگی به سر می کنم و شعار و لباسم از پشم زبر است و میوه و سبزی ام آن است که در زمین می روید و انسان و حیوان آن را می خورند و صبح را به شب و شب را به صبح می رسانم در حالیکه هیچ چیزی ندارم ولی با این حال هیچکس از من بر روی زمین ثروتمند تر نیست و همچنین در ذم آنها می گفت آنها کور هستند و رئیس عده ای کور شدند و اگر کوری کور دیگر را هدایت کند هر دو با هم در چاه می افتند و در جای دیگر می گوید ای معلمان شریعت و فریبکارها ها بر کرسی ام می نشینند ، که موسی بر آن نشست و ادامه می داد به سخنان آنان خوب گوش فرا دهید چرا که تعلیمات تورات است ولی عمل آنها را تقلید نکنید چرا که آنها چیزی را که می گویند، عمل نمی کنند و ای بر شما ای معلمان شریعت درهای ملکوت را

بر انسانها می بندید و نه خود وارد می شوید و نمی گذارید دیگران داخل شوند ، وای بر شما ای معلمان شریعت و یا فریسیون شما از خانه بیوه زنان می دزدید و می خورید در حالیکه به نماز طولانی و عبادت تظاهر میکنید، بدانید که خداوند شدیدترین عذاب ها را برای شما در نظر می گیرد ای رهبران کور دل.

و در نتیجه شکست خوردگان در انتظار ظهور عیسی همان علماء هستند.

تمامی پیامبران بشارت آمدن پیامبر اسلام را داده بودند خداوند در سوره اعراف (۱۵۷) می فرماید: او و نشانه هایش را در تورات و انجیل می یابند محمد پیامبر خداست و کسانی که با او هستند بر کفار سختگیر و بین خودشان مهربان هستند آنها را می بینی که در حال رکوع و سجود هستند و به دنبال فضل و نعمت خداوندی و بهشت اویند آثار سجود بر پیشانی آنها نقش بسته و این نشانه هایی است که در تورات و انجیل نیز آن را می یابی فتح (۲۹) و در سوره بقره ۸۹) و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد با وجودی که کتب، ایشان را تصدیق میکرد و با انکه خود آنها پیش از بعثت انتظارش را داشتند آنگاه که آمد و با مشخصات شناختند که همان پیغمبر موعود است باز کافر شدند و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر گروه کافران باد .

انها شهر یثرب را برای انتظار بعثت او ساخته اند ولی چون از مکه ظهور کرد و حکومتش درانجا شد یهودیان او را قبول نکردند و نیز انها منتظر احمد بودند و خداوند او را به اسم محمد(ص) برایشان فرستاد و او را با اینکه کاملاً می شناختند تکذیب کردند و خدا در باره انها می فرماید و در ایه آمده (آن گونه که فرزندانشان را می شناسند او را شناختند. بقره (۱۴۶)) و ایران را بر این اصل انتظار امام مهدی (ع) امام خمینی رحمت الله علیه بنا کرد ایا ما در انتظار شکست خواهیم خورد یا خیر از خداوند متعال خواهانم که ما و شما خوانندگان عزیز را از

ثابتین در این امر قراد دهد .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

امام عسکری می فرمایند در تفسیر این آیه می فرماید: ولما جاء هم یعنی یهود و برادرانشان کتابی از خدا برایشان نازل شد همان قران کریم است که تورات آنها از محمد در ان نوشته شده است از قبل یهود (یستفتحون) بشارت ظهور محمد (ص) فرزند اسماعیل بهترین خلق خدا و بعد از او جانشینش علی (ع) است و او خلیفه خداست و از خداوند می خواستند فتح و پیروزی شان را نزدیک کند و در هنگام ظهور پیامبر یهودیان (فلما جاءهم کفروا به) نبوت او را انکار کردند بخاطر حسادت و دشمنی با او و خداوند. (ما عرفو) اوصاف پیامبر را نشناختند و لعنة الله على الكافرين .

و امام امام صادق در برهان ص ۱۲۶ فرموده و با آنکه خود آنها پیش از بعثت انتظار فتح و غلبه به واسطه ظهور پیغمبر خاتم بر کافران را داشتند آنگاه که آمد و با مشخصات شناختند که همان پیغمبر موعود است باز کافر شدند و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر گروه کافران باد .

و منتظران پیامبر همان یهود و علمای آنها و مسیح و علمای شان و حنفیها و علماء شان بودند که در انتظار شکست خوردند و گاهی نیز پیامبر را باسنگ می زدند بطوری که پیامبر از بدنشان خون جاری می شد و گاهی غش می نمودند ولی با این حال خدا خواست که دینش بوسیله این سه نفر . یعنی پیامبر و علی (ع) خدیجه منتشر شود سپس سراسر دنیا را فرا بگیرد

و در اخر الزمان امام مهدی (ع) مانند انبیاء قبل خود و از تمام آنها سستی دارد و با دینی کاملاً جدید می آید همانگونه که در روایات آمده و کسانی از یاران او می شوند

که هیچ نصیبی در دین نداشتند و امام صادق (ع) می فرمایند که یاران او همچون افتاب پرستان و ماه پرستان هستند و انهای را که فکر می کنید کمکش می کنند از این دین خارج می شوند پس از گذشته گان عبرت بگیریم

از محمد ابن منصور عقیلی از پدرش روایت می کند که من و حارث بن مغیره و جماعتی دیگر از اصحاب نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم و ایشان به سخنان ما گوش می کردند ، ما گفتیم که راه شما در نهایت چگونه پایان می پذیرد ؟ فرمود هیئات هیئات به خدا سوگند و به تمامی آن چیزهاییکه چشم شما می بیند که همگی شما مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرید و خوب از بد جدا شود و عده ای از شما مأیوس می شوند و به او سوگند و به تمامی چیزهایی که می بینید قائم ما ظهور نمی کند تا آنگاه که بدبختان و سیاه بختان در این کار سیاه بخت تر و سعادت‌مندان سعادت‌مند تر شوند.

امتحان در زمان آمدن خلیفه خدا

در قران آمده که ((أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ \* وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ \* عنكبوت))

خدا میفرماید. ایا گمان کرده اید بعد از ایمان رها شده و امتحان نمی شوید همانگونه که اقوام قبل امتحان شدند شما نیز امتحان می شوید تا خدا صادق را از دروغگو تشخیص دهد

و حضرت محمد (ص) میفرماید آی امت من مانند بنی اسرائیل امتحان می شوید و جا روی جاپای انها میگذارید و اگر انها وارد سوراخ میشدند شما نیز وارد همان سوراخ می شوید.

چگونه دروازه علم و پرچمدار امام مهدي را شناخت ؟ و چگونه حق را از باطل تشخیص داد انهم در این زمانی که فتنه تمام عالم را گرفته .

برای شناخت حق و صاحب ان اهل بیت (ع) روایات واحادیث کثیری دادن واگر به کلام انها که کلام خداست دقت کنیم حتما ما را به سر منزل دوست خواهند رساند برای شناخت حجت یا خلیفه زمان ابتدا چند امر مسلم را باید متوجه شد وان وقت یا زمان ظهور امام (ع) و دیگری شخص آمده که با چه دلیلی می آید؟ دشمنان ایشان و انصار او (ع)؟

زیرا اهل بیت از امتحانات بسیار سخت ودشوار صحبت میکنند که از انها این روایت نقل شده از امام صادق (ع) است (غیبه نعمانی ۱۷۲)

خداوند پیروز میکند این امر را (دولت عدل امام) را بوسیله کسانی است که هیچ نصیب در دین ندارند وهنگامی که امر ما فرا رسد کسانی که امروز بتها را می پرستند از ولایت مان خارج میشوند (بتهای زمان امام علمای بی عمل که در زمان او بودند مانند ابو حنیفه ) وهمچنین میفرمایند اگر قائم ما خروج کند کسانی که گمان برده میشد از منتظران قائم (ع) هستند از این امر (ولایت) خارج میشوند، و کسانی که شبیه افتاب پرستان وماه پرستانند وارد این امر میشوند .

در این دو روایت وارده خوب دقت کنید که جابجای چگونه است بالاترین به پایینترین مکان میرسد وپایینترین به بالاترین مکان ، واین روایت دجای دیگر اینگونه شده .

(إن حدیثکم هذا لتشمئز منه قلوب الرجال، فانبدوه إلیهم نبذاً، فمن أقرّ به فزیدوه، ومن أنکر فذروه، إنه لا بد من أن تكون فتنة یسقط فیها کل بطانة و ولیجة حتی یسقط فیها من یشق الشعرة بشعرتین، حتی لا یبقی إلا نحن وشیعتنا) (غیبه نعمانی ۲۱۰)

امام صادق (ع) فرمود : کلام ما (اهل بیت) بر دل مردان سخت میباشد پس به ارامی به دلشان القاء کنید وهرکس طالب بود بیشتر به او بدهید وهرکس انکار کرد اورا رها کنید زیرا که بعد ازین فتنه ای میباشد که در ان حتی کسانی که يك مو (در

دین) را دو نصف میکنند از آن خارج میشوند تا فقط ما و شیعیان واقعی باقی بمانند

عن الإمام الرضا (ع): (والله لا يكون ما تمدون إليه أعينكم حتى تُمحصوا وتُميَّزوا،  
وحتى لا يبقى منكم إلا الأندر فالأندر نعماني (۲۱۶)

به خدا سوگند چیزی را که منتظرش هستید نمیبینید تا غربله و امتحان شوید تا فقط  
افراد خاص و تک باقی بماند . غیبه نعمانی (۲۱۱)

عن الصادق (ع)، حين سأله بعض أصحابه قائلاً: (جعلت فداك، إني والله أحبك،  
وأحب من يحبك، يا سيدي ما أكثر شيعتكم. فقال له: اذكرهم. فقال: كثير، فقال:  
تُحصيهم؟ فقال: هم أكثر من ذلك. فقال أبو عبدالله (ع): أما لو كملت العدة  
الموصوفة ثلاثمائة وبضعة عشر كان الذي تريدون... فقلت: فكيف أصنع بهذه  
الشيعة المختلفة الذين يقولون إنهم يتشيعون؟ فقال (ع): فيهم التمييز، وفيهم  
التمحيص، وفيهم التبديل، يأتي عليهم سنون تفنيهم، وسيف يقتلهم، واختلاف  
بيدهم... الخ) (غیبة نعمانی ۲۱۰ -

و امام صادق (ع) وقتی به او گفته شد که شما و شیعیانتان را دوست داریم آنها چه  
زیادند امام جواب داد ایا نامشان را میدانید؟ جواب دادند آنها زیاد هستند فرمود  
عدد آنها را میدانید؟ گفتند که خیلی میباشند امام فرمود اگر آن عدد وعده موصوفه  
حاضر شوند (سیصد و سینزده نفر و ده هزار سرباز) آنچه را منتظرید بدست می  
آوردید گفتند با این شیعیان مختلف چه کنیم امام فرمود آنها امتحان و غربله و تمیز  
میشوند و سالهای می آید آنها را فنا میکند و شمشیری که آنها را میکشد و اختلافی که  
آنها را از پا در میآورد.

نقل حدیث به گونه ایست که حتی امام منتظر این عدد هستند ایا با این همه منتظران  
آن عدد تا کنون جمع نشده است .

(قال أبو عبدالله (ع): لا يخرج القائم حتى يكون تكملة الحلقة. قلت وكم تكملة الحلقة؟ قال: عشرة آلاف...) (غيبة لنعماني ۱: ۳۲۰)

امام ابو عبدالله (ع) میفرماید . تا ان حلقه جمع نشود قائم خروج نمیکند!! گفته شد مگر کل عدد و حلقه چقدر است فرمود ده هزار و سیصد و سینزده نفر مگر کل حلقه و یاران امام ( ۱۰۰۰۳۱۳ ) نفر نیست پس این همه شیعیان چه می شوند!!

ایا با امتحانی خارج شدیم؟ سوالی است که باید جواب ان را گرفت اگر اهل بیت(ع) از این همه دقت در امتحانات ( که حالا شاید در همین انداز بحث احادیثی که ذکر شد کافی باشد ) سخن گفتند ایا نباید مواظب بود تا ما نیز مثل امتحانات اقوام قبل مانند منتظران حضرت موسی(ع) نشویم . زمانی که منتظر منجی بودند وقتی موسی علیه السلام با رسالت الهی آمد همه بجز چند نفر بقیه همه او را تکذیب کردند و یا امتحان عیسی(ع) وقتی منتظر ظهورش بودند شب تولدش مریم(ع) دنیا آمد و همه بجز چند مومن ال عمران همه او را تکذیب کردند. ، و یا یهودیان هنوز منتظر آمدن مسیح هستند و یهودی باقی ماندن و مسیح و یهود و احناف منتظر خاتم النبیین بودن و مدینه یثرب را به انتظار او ساختن وقتی محمد(ص) از مکه خارج شد و به مدینه هجرت کرد همه انهایی که منتظرش بودند و به همه بشارت او را میدادند همانها او را تکذیب کردند چون از جای دیگری غیر از مدینه و اینکه از انها نبود و نامش محمد(ص) وانها منتظر احمد بودند

و خداوند در سوره عنکبوت میفرماید: ایا فکر می کنی که اگر ایمان آوردید امتحان نمیشوید ... کدام يك از این پیامبران حجتی کافی برای شناخت خود نداشت یا اینکه با چیزی غیر از حسابات دنیوی مردم زمام خود آمده اند که وقتی تحمل ان (علمای بی عمل) از اینکه این فرستاده با بیچارگان و مستضعفین حرکت

خویش را آغاز می کردند و با چیزی آمده اند غیر از آنکه خود تصور میکردند آمده. و آنها مردم را با هوای نفس خویش هدایت میکردند. چاره ای جز تکذیب ان فرستاده نداشتن.

به تفسیر از امام صادق (ع) درباره تبعیت از عالم غیر منصب از خدا. توجه کنید. (ایه اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله) آنها (یهودیان) احبار و رهبان را بجای خدا پرستش میکردند... امام جواب دادند به خدا قسم علماء از مردم نخواستند که بزرگان دینیشان را پرستش کنند و اگر از مردم درخواست میکردند مردم آنها را پرستش نمیکردن ولی آنها حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کردن و مردم آنها را عبادت میکردند بدون اینکه خود بدانند.

باید توجه داشته باشیم که قرآن مانند شب روز در جریان است و امت بنی اسرائیل در زمان ما پیامبر (ص) به آنها اشاره کرده است و ان امت اخر الزمان است.

از امام الصادق (ع): (قال رسول الله (ص) من أبغضنا أهل البيت بعثه الله يهودياً. قيل: وكيف يا رسول الله؟ قال: إن أدرك الدجال آمن به) (المعجم الموضوعي ۲۵). هر کس اهل بیت ما را ناراحت کند خداوند او را یهودی در قیامت محشور میکند پرسدین چگونه گفت اگر دجال را دید با او بیعت کند.

و دجال امریکا است و همانگونه که در روایات آمده که با سه چوب دستی از سمت کوه سنام می آید امریکا از طرف کوه سنام بین عراق و کویت وارد شد و سه حرب دارد، که یکی الات جنگ (قدرت) و دوم اقتصاد دنیا را در دست دارد، و سوم هم بادین جدیدش دموکراسی آمده که علمای عراق با او بیعت کردن همانگونه که حضرت محمد (ص) سریحاً به ان اشاره کرده....

فعن حذيفة بن اليمان وجابر الأنصاري، عن رسول الله (ص)، إنه قال: (الويل الويل لأمتي من الشورى الكبرى والصغرى، فسئل عنهما، فقال: أما الكبرى فتنعقد في



بلدتی بعد وفاتی لغصب خلافة أخي و غصب حق إبتی، و أما الشوری الصغری فتعتقد فی الزوراء لتغییر سنتی و تبدیل احکامی) (مناقب العترة / ومائتان و خمسون علامة ۱۳۰). ...

از پیامبر شنیده اند که میفرمود: وای بر امتم از دو شورای کوچک و بزرگ پرسیدن ان دو شورا چیست فرمود شورای کبرا در شهر من و بعد از وفاتم برای غصب خلافت برادرم و حق دخترم میباشد (همان سقیفه بنی ساعده میباشد که با امام غیر از چند یار معروفش کسی باقی نماند) و اما شورای صغرا در زورا (بغداد) عقد میشود برای تبدیل سنت من و تغیر احکام خداوند انجام میشود. و همه دیدن این شورای را که در زوراء یا بغداد انجام گرفت و همه کافر و وهابی و زیدی سنی و کمونیست با هم یکی شدند انهم فقط برای اینکه در مقابل امام مهدی (ع) باشند. و ان همان دین جدید امریکا است که همه باید تابع ان باشند و خداوند خواست این دستور و شورا در ماه مبارک خدا و نزول قران انجام گرفت و احکام خدا را عوض کردن انهم با قبول دین امریکای و دور نهادن کتاب خدا. و قران میفرمایند (أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) أي مومنان یهود و نصارا را اولیاء خود قرار ندهید و هرکس از شما به تولای از انهاراضی شود از انهاست و خداوند قوم ظالم را هدایت نمیکند. و علمای بی عمل بجای اینکه از امام زمانشان کمک بخواهند به دنبال امریکا فرستادن و بجای گفتن خدایا ما طاقت جنگ با جالوت را نداریم پس ملکی را برای ما بفرست و خدا طالوت را برای انها فرستاد، علمای بی عمل گفتند خدایا دجال را می خواهیم و با او بیعت می کنیم و خداوند نیز امریکا را برای انها فرستاد تا از شر صدام راحت شویم و به بلا ی دیگر گرفتار شدند که صد برابر صدام (لع) بود. و از دین ناب محمدی خارج شدند بدون اینکه خود

بدانند و یهودی شدند و مردم نیز به تبعیت از آنها از دین خارج شدند . و امام علی (ع) می فرماید: ای جماعت شیعه به هم آمیخته می شوید مانند آمیخته شدن سرمه در چشم برای اینکه صاحب سرمه می داند که چه وقت سرمه را بر چشم می گذارد ولی نمی داند که سرمه چه وقت از چشمش پاک می شود پس صبح می کنند کسانی از شما و خود را داخل در شریعت ما می بینند و آنروز را به غروب می رسانند در حالیکه از ولایت ما خارج شده اند و یا اینکه غروب همراه ما هستند و صبح هنگام از دین و شریعت ما خارج می شوند. بحار الانوار ج 52 ص 101، الغیبه نعمانی ص 110

و پیامبر اکرم درباره مردم این زمان میفرماید - من حدیث ورد عن النبی (ص) أنه قال : يأتي علی الناس زمان إذا سمعت باسم رجل خیر من أن تلقاه ، فإذا لقیته خیر من أن تجربه ، ولو تجربته أظهر لك أحوالا ، دینهم دراهمهم ، و همتهم بطونهم ، و قبلتهم نساؤهم ، یرکعون للرفیف ، و یسجدون للدرهم ، حیاری سکاری لا مسلمین ولا نصاری . بحار الأنوار ج 17 ص 166 زمانی میرسد اگر از کسی چیزی شنیدی بهتر از آنکه او را ببینی و اگر او را دیدید بهتر از آنکه او را تجربه کنید و اگر او را امتحان کنی احوالش را ظاهر میکند دینش درهم و همتش برای شکمش و قبله آنها زنانشان و رکوعشان برای بدست آوردن لقمه نان . و سجودشان برای درهم . مست و حیران نه یهودن و نه مسلمان)

و این حال مسلمین آخر زمان است که ساعتی در دعا و راز و نیاز با خدا و رو به قبله است و ساعتی صحبت از دین امریکای و از سیاست یهود و نصار میکند و با آنها نشست و برخواست می کند . و امور مسلمانان را به آنها می دهد، و آنها مصداق ایه وای بر نمازگزارانی که از نماز خود غافلند هستند. از آزادی حسین (ع) می گویند ولی خود ذلت را قبول کرده اند.

وبعضی نیز احمقتر می گویند که علمای ما را حکمت ساکت کرده است یا تقیه است. ولی این چه تقیه ای است که حدود ندارد....

امتحان خدا برای تمام اقوام بوده و خواهد بود و خدا همه را امتحان میکند همانگونه که درباره عالم بنی اسرائیل که در سوره اعراف آمده (( أعطی بلعم بن باعوراء الاسم الأعظم، فكان يدعو به فيستجاب له فمال إلى فرعون (طاغية آخر غير فرعون مصر) فلما مر فرعون في طلب موسى وأصحابه قال فرعون لبلعم أَدع الله على موسى وأصحابه ليحبسه علينا فركب حمارته ليمر في طلب موسى وأصحابه فامتنعت عليه حمارته ، فأقبل يضربها فأنطقها الله عز وجل فقالت ويلك على ما تضربني أتريد أجيء معك لتدعو على موسى نبي الله وقوم مؤمنين ، فلم يزل يضربها حتى قتلها وانسلخ الاسم الأعظم من لسانه ، وهو قوله :- ( فَأَنْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ )

از او بعنوان ولی از اولیای خود یاد میکنند که اسمی از اسم اعظم را داشت (بلعم ابن باعورا) و بان مستجاب الدعوه بود ولی به سمت فرعون گروید و فرعون از او خواست تا با ان اسم علیه موسی دعا کند تا خدا او و یارانش را حبس کند و بلعم سوار بر الاغ خود رفت تا علیه موسی و یارانش دعا کند ولی ان حیوان از حرکت باز ماند و گفت ایا میخواهی با تو بیایم و علیه پیامبر خدا دعا کنی و ان مرد انقدر ان حیوان را زد تا از پا درآمد و خداوند اسم اعظم را از او گرفت و در امتحان ان عالم ماند و از موسی (ع) پیروی نکرد خدا از او بعنوان سگی یاد میکند که اگر بطرف او بروی پارس میکند و اگر از او جدا شوی باز پارس میکند یاد کرد... و علمای بی عمل یهود را اینگونه یاد میکنند که مانند الاغی که بار او را کتاب گذاشتن .

واین امتحان فقط در زمان قوم یهود نبود حتی در زمان رسول اکرم (ص) و نیز در زمان امامان (ع) ما ادامه داشت ، و از عالمی که در زمان حضرت رضا (ع) مذهب واقفیه یا هشت امامیه را بدعت کرد امام با عنوان الاغ از او یاد میکند و به او میفرمایند ای ابا حمزه تو و دوستانت بسان خرید ، و خدا در قرآن میفرمایند : انکرا لاصوات صوت الحمیر؛ انها علمای بی عمل هستند که همیشه حق را در همه زمانها انکار میکنند. و برای انکار حق این نام را خداوند بر آنها نهادند و علمای دیگر چون شبت ابن ربعی و شریح قاضی که دستور قتل امام حسین (ع) را دادند ، و مردم از آنها تبعیت میکردند در تاریخ زیاد میباشند

ممکن است کسی از طرف امام (ع) بیاید و ما منتظرش باشیم ولی ندانسته دشمنش گردیم انهم با تبعیت از عالم بی عمل یا دنباله روست والدین خود باشیم زیرا که در قرآن جواب اقوام به فرستاده خدا این بوده . (قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ \* قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ... وَتَاللّٰهِ لَآكِيْدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ) (الانبیاء ۵۲-۵۷) ما پدرانمان را بدین نحو دیدیم و انها راعبادت میکردند (و در جای دیگر میفرمایند که جواب قوم به پیامبرشان اینست که ما بزرگان و علمای قوم خود را اطاعت میکردیم... در حالی که هیچ يك غير از فرستاده شما را به راه راست هدایت نمیکند)

وعیسی (ع) خطاب به علمای بی عمل میگوید شما مانند سنگی بر سر راه اب قرا گرفته اید نه خود اب میخورید و نه میگذارید دیگران اب بخورند همیشه علمای بی عمل با باور چیزهای از روایات و ساخت ان مردم را فریب میدهند و وقتی فرستاده خدا با بینات از سمت خدا می اید و انها ببینند که این خلاف گفته هایشان آمده همیشه تاریخ ان را تکذیب یا بقتل میرسانند.

(( أَفَكَلَّمَا جَاءَكُم رَسُوْلٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ اَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُوْنَ ))

و خداوند می فرماید: هر گاه فرستادی برای شما فرستادیم و چون با هوای نفسانی شما نمی اید تکبر کرده یا او را کشته یا تکذیب میکنید .

ایا امام زمانمان و خلیفه زمان ما با چه چیزی می اید که اینگونه باید امتحان سخت باشد .

زیرا که کلام اهل بیت (ع) با عقل ناقص ما قابل درک نیست و فقط با تسلیم میتوان به انها

رسید و انها را شناخت ،

از امام صادق (ع) از اهل بیت نقل شده اگر قائم ما قیام کند شما را به امر جدید میخواند و همانگونه که اسلام غریبانه (با محمد و علی ع) شروع شد غریبانه باز میگردد با امام محمدابن الحسن عسکری و اولین مومنین به او احمد ... (غیبه النعمانی ۳۳۶-۳۳۷)

و در حدیث دیگر امام صادق (ع) میفرمایند همانگونه که پیامبر ادعای دین جدید کرد داعی ما نیز ادعای دین جدید میکند همانگونه که رسول خدا ادعای جدیدی داشت و ان برگشت به سنت ناب محمدی که با مرور زمان کاملاً از بین رفته و با ان سنت دعوت میکند ،

و امام علی (ع) می فرماید: زمانی می اید که از اسلامی بجز نامی و از قران بجز رسمی باقی نمانده و مساجد اباد ولی هدایتی در ان نیست ادعای ان را دارند ولی دورترین مردم از ان هستند و علمای ان زمان شرتترین علما در زیر آسمان هستند به خدا قسم انها را به فتنه ای مبتلا میکنیم که حلیم شان در ان حیران بماند (نهج البلاغه) و))

قال الإمام جعفر ابن محمد الصادق (ع) (يكون فترة لا يعرف المسلمون فيها إمامهم ... قال (ع) إذا كان ذلك فتمسكوا بالأمر الأول حتى يبين لكم الآخر ) غيبة النعماني ص ١٦١ .

وازامام صادق(ع) نقل شده كه: زماني بر مسلمانان ميرسد كه امام خود را نشناسند وبعد... امام گفت اگر اينگونه شديد به امر اول تمسك كنيد تا امر دوم براي شما روشن شود)

: قبل قيام القائم ( عج ) خمس علامات محتومات : (اليماني والسفياني والصيحة وقتل النفس الزكية والخسف بالبيداء الزام اناصب ج ٢ ص ١١٩)

وفرمود: قبل از قيام قائم پنج علامت حتمي است وان يماني وسفياني ونداي اسماني وفرو رفتن زمين در بيداء و قتل نفس زكيه

ونيز از اهل بيت نقل شده.. الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة ، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد جامع السعادات ج ٣ ص ٣١٤

رکن يماني دربي است كه از ان وارد بهشت ميشويم ودر ان نهری از بهشت است كه بندگان ما اعمالشان را در ان ميبنند

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال : (أقرب ما يكون العباد من الله عز وجل وأرضى ما يكون عنهم إذا افتقدوا حجة الله عز وجل ، فلم يظهر لهم ولم يعلموا بمكانه ، وهم في ذلك يعلمون أنه لم تبطل حجج الله (عنهم وبيناته) فعندها فتوقعوا الفرج صباحا ومساء ، وإن أشد ما يكون غضب الله تعالى على أعدائه إذا افتقدوا حجة الله فلم يظهر لهم ، وقد علم أن أولياءه لا يرتابون ، ولو علم أنهم يرتابون لما غيب عنهم حجته طرفة عين ، ولا يكون ذلك إلا على رأس شرار الناس) كمال الدين وتمام النعمة ص ٣٣٧ .

از امام صادق (ع) نقل شده نزدیکترین و خشنودترین بندگان به خدا کسانی هستند که حجة خدا از آنه امفقود شود و بر آنه اضاهر نشود و مکان او را نمیدانند و میدانند که خدا حجتش را باطل نمیکند و در آن وقت منتظر فرج در صبح و عصر باشید ، و شدیدترین غضب خدا بر دشمنانش وقتی است که حجت از آنها مفقود شود و بر آنها ظاهر نشود و خدا می داند که اولیاء او از این امر بر نمی گردند و اگر میدانست آنها از این امر بمانند او را غیب نمیکرد حتی به اندازه يك چشم به هم زدن و آن چیز نمی شود الا بر شرترین خلقش .

قال المفضل بن عمر : سمعت الصادق جعفر بن محمد (ع) يقول : (من مات منتظرا لهذا الامر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه ، لا بل كان كالضارب بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله بالسيف). كمال الدين وتمام النعمة ص ۳۳۸ .  
و نیز امام میفرمایند: هر کس بر این امر انتظار بمیرد انگار که با قائم ما بوده بلکه انگار بین دستان رسول شمشیر میزند ،

قال أبو عبد الله (ع) : (إذا أصبحت وأمسيت يوما لا ترى فيه إماما من آل محمد فأحبب من كنت تحب ، وأبغض من كنت تبغض ، ووال من كنت توالى وانتظر الفرج صباحا ومساء). كتاب الغيبة للنعماني ص ۱۵۸

و می فرماید : اگر روزی را دید که در صبح و شام امامی از آل محمد (ص) را در آن ندیدید هر که را میخواهید دوست بدارید و دشمن بدارید هر که دشمن آنها باشد و با کسی که از آنهاست بیعت کن ولی منتظر فرج باش انهم در صبح و شام ..

این همان سرگردانی امت مانند سرگردانی بنی اسرائیل است و تنها راه نجات تمسك به روایات اهل بیت (ع) است

بيامبر اکرم میفرماید أيها الناس إني قد خلفت فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدی كتاب الله و أهل بيتي ألا و إن اللطيف الخبير أخبرني أنهما لن يفترقا حتی یردا علی الحوض

رسول اکرم (ص) فرمود: ای مردم من دو چیز گرانبها را در بین شما به امانت گذاشتم که اگر به آنها تمسک کنید بعد از من هرگز نمی مانید و آنها از هم جدا نمی شوند تا قیامت و ان اهل بیتم و قران می باشد... اگر اهل بیت پیامبر و قران را بدرستی درک کنیم نه سراق فتنه میرویم و نه گمراه می شویم و آنها در همه عصر ما را تنها نمیگذارند و حال که عصر امتحان امت محمدی است با رجوع به کلام آنها حق را از باطل میتوان تشخیص داد

و در روایتی امام صادق (ع) به مفضل نشان میدهد که چگونه حق را از باطل تشخیص داد

عن المفضل بن عمر عن أبي عبد الله (ع) (... فقال لي يا أبا عبد الله إياكم و التنويه و الله ليغيبن سبتا من الدهر ... لترفعن اثنتا عشرة راية مشتبهة لا يعرف أي من أي قال المفضل فبكيت فقال لي ما يبكيك قلت جعلت فداك كيف لا أبكي و أنت تقول ترفع اثنتا عشرة راية مشتبهة لا يعرف أي من أي قال فنظر إلى كوة في البيت التي تطلع فيها الشمس في مجلسه فقال أ هذه الشمس مضيئة قلت نعم فقال و الله لأمرنا أضواؤها) الغيبة للنعماني ص ١٥٢ امام (ع) بعد از کلامی به مفضل میفرماید: أي مفضل دوازده پرچم و بیرق مشتبه قد علم میکنند و نمی توان حق را از باطل تشخیص داد ، مفضل . گفت من گریه کردم و امام گفت از چه گریه میکنی گفتم قربانت کردم فرمودید دوازده رایت مشتبه (بیرق 'برچم) خود را بالا میبرند که نمی توان حق را از باطل تشخیص داد در ان زمان چه کنیم امام به طرف پنجره که در ان پرده کشیده شده بود نگاه کرد و به مفضل دستور داد تا ان پرده را بالا بزنند،



نوری از آن وارد اطاق شد. امام فرمود این نور خورشید روشن است، گفتم بله فرمود: به خدا قسم نور ما از این نور روشنتر است.

اگر نور آنها اینقدر روشن است پس نباید ترسید و هرکس ادعای این امر را بکند باید از او دلیل و برهان خواست زیرا در قرآن آمده که هرکس خبری را برای شما نقل کرد از او بینه بخواهید و در کلام اهل بیت سخن از هدایت گرتین پرچمدار گفته شده که او با دو بیرق دیگر می آید و آنهم هفتاد و دو ماه قبل از ظهور امام (ع) ، که در کتاب عصر ظهور کورانی به آن اشاره شده و آن سه بیرق یمانی و سفیانی و خراسانی هستند. که از این سه بیرق یا در بعضی کتب بعنوان درفش یاد شده یکی کاملترین و هدایتگرتین پرچم امام زمان است

فعن الإمام الباقر (ع) ( ... ) و ليس في الرايات راية أهدي من راية اليماني ، هي راية هدى ، لأنه يدعو إلى صاحبكم ، فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكل مسلم ، وإذا خرج اليماني فانهض إليه فإن رايته راية هدى ، ولا يحل لمسلم أن يلتوي عليه ، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار ، لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم (الغيبة - النعماني ص ۲۶۴).

از امام باقر (ع) اینگونه از او یاد میکند در این رایت ها (پرچم) هیچ پرچمی مانند پرچم یمانی نیست زیرا او پرچمدار هدایت است چون شما را به صاحبتان هدایت میکند و اگر او خروج کرد فروختن اسلحه بر مسلمین و مردم حرام است و اگر یمانی خروج کرد بسوی او بشتابید و جایز نیست مسلمانی از او باز ماند و هر کس اینکار را کرد از اهل جهنم است زیرا او شما را به صراط مستقیم هدایت میکند ، اگر او ما را به صاحبمان و صراط مستقیم هدایت میکند و اگر از او پیروی نکنیم ما از اهل جهنم هستیم خیلی باید دقت کرد زیرا او هفتاد و دو ماه قبل از امام خروج میکند.

حتما امتحان شيعيان وکل مسلمين با او مي باشد چون سريچي از او جهنم را به دنبال دارد و هيچکس به غير از حجت خدا نميتواند مردم را از دين خارج کند الا معصوم ولي اهل بيت اين حق را به يماني داده اند ، براي شناخت يماني در بين دوازده رايت مشتبه. که امام علي (ع) درباره شبه ميفرمايند به اين علت به شبه شبه ميگويند چون شبهه حق است و نمي توان هرکس انرا تشخيص دهد (بايد دقت کنيم و در کلام اهل بيت (ع) آمده که دين ما با عقل ناقص قابل درك نيست بلکه با تسليم به امر ما است که ميتوان نجات پيدا کنيد براي تشخيص درفش حق (هدايتگر به امام) از باطل چند چيز را بايد شناخت اول مکان و زمان ظهورش و شخص آمده (يماني) دشمنان و ياران او

قبله و رکن يماني (حجر السود)

همانگونه که نماز و قبله و حج ، مکان و زماني دارد؛ امام (ع) براي ظهور نياز به مکان و زمانيست. زيرا او همان حج و قبله و نمازي است که نياز به مؤذن است يا قبله ي که به حجر السود يا همان صاحب درفشهاي سياه جهت شهادت است

عن داود بن كثير قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام : أنتم الصلاة في كتاب الله عزوجل وأنتم الزكاة وأنتم الحج ؟ فقال : يا داود نحن الصلاة في كتاب الله عزوجل ، ونحن الزكاة ونحن الصيام ونحن الحج ونحن الشهر الحرام ونحن البلد الحرام ونحن كعبة الله ونحن قبلة الله ونحن وجه الله قال الله تعالى : (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ) ونحن الآيات ونحن البيئات ... ، فسمانا في كتابه وكنى عن أسمائنا بأحسن الأسماء وأحبها إليه وسمى أصدقاءنا وأعداءنا في كتابه وكنى عن أسمائهم وضرب لهم الأمثال في كتابه في أبغض الأسماء إليه وإلى عباده المتقين)

. بحار الأنوار - العلامة المجلسي ج ٢٤ ص ٣٠٣

در این روایت وقتی از امام صادق(ع) سوال میشود آیا شما نماز و حج و زکات آمده در کتاب خدا هستید؟ امام به آن شخص میفرماید: ما نماز و حج و زکات و قبله و ماه حرام هستیم، و ما کعبه خدا و قبله خدا هستیم، و ما وجه الله و ایات او و بینات هستیم و خداوند ما را با بهترین نام ها در کتاب نام برده و دشمنانش را با بدترین نامها و بدترین مثل هادر کتاب یاد کرده است برای خود و اولیاءش.

- عن ابن عباس قال: قال رسول الله (ص) (لعلي) ع: (أنت بمنزلة الكعبة تؤتى ولا تأتي، أخرجه الديلمي عبيد الله الحنفي الأمرتستري - أرجح المطالب - رقم الصفحة: ( ٤٨٠ - ) طبعة لاهور

از ابن عباس: نقل از رسول اکرم (ص) که به علی (ع) می فرمود ای علی منزلت تو مانند منزلت کعبه است که مردم به سمت آن می روند نه آنکه کعبه به سمت مردم می رود.

اهل بیت(ع) قبله و کعبه دلها میباشند. جهت شناخت بهتر این حدیث که احادیث فراوانی مانند آن وجود دارد ابتدا باید حج را شناخت و با شناخت آن می شود کعبه دل را شناخت.

و به اختصار حج در اسلام حضور در وقت معین از سال و مکان معین است و آن بیت الله الحرام یا کعبه می باشد، لازم است که وصف وقت و زمان را از کلام اهل بیت(ع) دریابیم. کعبه تجلی و ظهور بیت معمور می باشد و بیت معمور تجلی ضراح که در آسمان ششم و یا بالاترین مکان ملکوتی است می باشد؛ و بعد از آن آسمان هفتم است؛ که آسمان کلی یا عقل کامل است، و ضراح را خداوند برای طلب استغفار ملائکه بعد از اعتراض بر سجده ادم خلق کرد، و به آنها فرمود بر گرد آن طواف کنید تا غفران گناه و قبول توبه شما بعد از اعتراض باشد، و تجلی این بیت در

اسمانهاي ديگر نيز بود، و در اسمان چهارم خداوند بيت المعمور را افرید تا به نسبت شأن و مقام ملائکه در هر اسمان جايي براي طواف و قبول توبه و غفران آنها مکاني براي طوافشان باشد؛ و تجلي اين بيت در زمين بيت الله الحرام يا کعبه است .

و وقتي خداوند ادم را به زمين فرستاد . تا جاي براي طواف او باشد . تا از خداوند طلب مغفرت و وعلو درجات را طلب کند .

اما زمان حج: و ان ماه ذولحجه است ؛ در اين ماه اتفاقات مهّي رخ داده، مانند انتخاب علي (ع) بعنوان (خلیفه) بعد از محمد (ص) است. و يا بالاترين چيز که در زمان ظهور در اين ماه اتفاق مي افتد ان خروج امام مهدي (ع) در مکه مي باشد. و او نفس زکيه را براي اهل مکه ارسال ميکند و انها او را بين رکن و مقام به قتل ميرسانند، و بعد از ان در دهم محرم امام (ع) قيام ميکند .

پس بيت الله در اسمان براي طلب استغفار ملائکه و طواف بر ان قرار گرفت انهم بعد از اعتراض بر امر خلافت خليفه خدا (ادم) (ع) بود .

و در زمين براي طواف ادم (ع) بعد از تعدي بر شجره علم ال محمد (ص) يا شجره ولايت و طلب استغفار او بر تحمل نکردن ولايت ال محمد (ص) و انها حجت خدا بر آدم بودند .

پس طواف بر بيت الله اعتراف خلق است به ولايت و خلفاي خدا ، و تسليم و طاعت امر انهاست، و علت حج استغفار از گناهان و قصور خلق به حق و امر حجتهاي خدا در تمام زمانهاست، و در زمان ما امام مهدي (ع) است .

از اهل بيت (ع) نقل شده که (إنما جعل الله الحج على الناس ليعرضوا علينا ولايتهم)

حج را به این علت خدا بر بندگانش واجب کرد تا ولایتشان را بر ما عرضه دارند؛  
کافی

و غرض از حج آن است که مردم در این مکان و زمان معین هر سال منتظر قیام  
مصلح و امام منتظر حضرت مهدی (ع) باشند، انهم برای جهاد بین دستان او زیرا  
او همان مؤذنی است که مردم را بسوی حق مطلق دعوت میکند، و در قرآن خداوند  
میفرماید که به طرف تو می آیند ای حجت من بر خلقم و نه بطرف من ،  
(وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ)  
(الحج: ۲۷)

و بین مردم در حج اذان بگو مردانی بسوی تو می آیند...

( ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ) (حج: ۲۹)

تا تفت (گناهانشان) همان گرفتن ناخن و موی سر در ظاهر است و نذوراتشان را  
اداء کنند و بر بیت عتیق طواف کنند . و قضاء و ادای گناهانشان برای تطهیر ، که به  
ظاهر گرفتن ناخن و موی سر است، ولی در باطن یعنی طهارت درون و موی سر  
یعنی انداختن افکار سر میباشد تا به لقائ دوست نایل شوند و تسلیم او گردیم  
و اسم بیت عتیق (قدیم) رابه این علت بران گذاشتن که ما گناهان گذشته را  
فراموش کنیم .

(ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ) (الحج: ۳۰) (ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ  
اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ) (الحج: ۳۲) شعائر خدا و حرمت خدا حجت های  
خداوند بر مردم هستند .

- کعبه ارتباط وثیق با ولایت (امامت) دارد، چون حج را خدا برای این قرار داد تا  
مسلمین ولایت خود را به حجت زمان عرضه دارند، و طلب استغفار از گناهان  
باشد.

کعبه قبله و جهت سجود برای خداست؛ و سجده بر آدم (ع) به علت نوری که در وجودش بود انجام گرفت، و آن نور ولایت امام علی (ع) است و اولین قبله که به سمت آن سجده کردن ولایت و نور علی (ع) است.

پس کعبه حقیقی سنگها یا گل ادم نیست، بلکه جوهره آبی که در وجود آن بود و آن نور وجود اهل بیت پیامبر (ص) است.

و برای آن حجر الاسود را شاهد قرار داد تا کتاب عهد و میثاق باشد، و میثاق را از مردم میگیرد. و هر کس به سمت کعبه سجود میکند مقهور امام علی (ع) میگردد،

۷ - مختصر بصائر الدرجات - الحسن بن سلیمان الحلبي ص ۲۲۶ .

سعید خدری می گوید در یکی از سالهای حکومت عمر به حج رفت. و وقتی عمل طواف را شروع کرد نزدیک حجر الاسود شد و آن را گرفت و بوسید و گفت من تو را بوسیدم و می دانم سنگی بیش نیستی و نفع و ضرری نداری ولی چون رسول اکرم این کار را می کرد و من آن را دیدم این کار را انجام دادم. و در میان حجاج امام علی (ع) بود و فرمود چرا به خدا قسم که نفع و ضرر دارد عمر گفت: این را از کجای کتاب می گوی؟ و شهادت می دهم که عالم به علم کتاب هستی؟ امام فرمود در این ایه - هنگامی که خداوند از بنی ادم از پشت، ذریه شان عهد گرفت و خودشان را بر آن شاهد قرار داد و گفت ایا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند بله شاهدیم - و به تو می گویم که وقتی خداوند ادم (ع) را خلق کرد بر پشت او دست کشید و ذریه او از صلبش (کمر) را خارج ساخت به شکل ذر و عقل را لازمه آنها کرد و از آنها اقرار گرفت که خود پروردگار و آنها بندهایش می باشند و آنها اقرار کردند که او پروردگارشان است و بر نفس خود به عبودیت اقرار کردن و خداوند می داند که آنها هر کدام مقامی دارد و اسامی بندهایش را بر نوشته ی قرار داد. و این حجر چشم و زبان و لبهای داشت و خداوند به او گفت دهانت را باز کن و او نیز چنین کرد و آن نوشته که اسماء بندگان خدا در آن بود را در درون او نهاد و به او فرمود تا قیامت شهادت بده بر هر که باتو وفا کرد و وقتی ادم (ع) پایین آمد آن حجر را با خود پایین آورد و آن را در جای مانند این مکان رکن قرار داد... و آن از احجار بهشت می باشد و وقتی پایین آمد مانند ذر سفید و صافی بود و نور یاقوت را داشت ولی دستان کفار آن را سیاه کرد و از مشرکین همین طور و عمر گفت در جای که ابالحسن نباشد زندگی نخواهم کرد...

چه کافر به ولایت او و چه راضی به ولایت او باشد، زیرا او مولود کعبه و جوهره ان است.

(وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا) (الرعد: ۱۵)

برای خدا سجده میکنند آنچه در زمین و آسمانها چه با اکراه و چه با رضایت .  
راضی آنکه به سمت مولود کعبه سجود میکنند و با او بیعت کرده و با اکراه انهایی که به سمت کعبه (سنگ) سجود میکنند ولی اطاعت امر مولود انرا قبول نمیکنند .  
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ  
وَالجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ  
فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) (الحج: ۱۸)

ایا میبینی که همه انهایی که در آسمان و زمین و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها  
درختان و دامها که بسمت خدا سجده میکنند و اکثر مردم عذاب بر آنها حق است  
و هرکس خدا را اهانت کند کرامتی برای او نیست و خدا هر آنچه بخواهد انجام  
میدهد)

و انهایی که بعد از سجود عذاب بر آنها حق است کسانی هستند که به ولایت خدا به  
امام علی (ع) و فرزندانش اعتراف نمیکنند، چه با زبان ولی اعمالشان مقهور امام  
علی هست و بخاطر ولادتش در بیت الله کعبه و خدا آنها را بعد از سجود مورد  
اهانت قرار می دهد.

زیرا سجود آنها مانند سجود ابلیس است که امر خدا را قبول نکرد، و اینها امر رسول  
را قبول نکردند و کلام رسول کلام خداست .

( و هرکس خدا را اهانت کند کرامتی برای او نیست ۱۸ )

قبله جاي براي توجه به سمت خدا و خدا را با ان مي توان شناخت و شناخت و معرفت خدا از طريق انسان كامل است كه انبياء و خلفاي او هستند، و توجه به آنها توجه به خداست .

خداوند به ملائكه فرمود بر آدم (ع) سجده كنند اين سجده اعترافي بود عملي بر برتري آدم نسبت به ملائكه و اين موجودات قدسي وي را مقدم داشتند و اين كار با شأن ايشان و عالمي كه در آنند (عالم عقل) مناسب داشت . اين سجده بر جسد آدم نبود بلكه بر روح و حقيقت او بود و در واقع سجده بر حقيقت محمديه و انسان كامل و حجاب اقرب بوده و اين خود ، متوجه شدن به سوي حي لا يموت مي باشد .

حضرت حق زماني فرمان سجده را صادر کرده که صورت مثالی را بر ماده آدم (ع) افاضه فرموده بود و از روح خود بر وی دمیده بود در حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند : « الله سبحانه و تعالی آدم را بر صورت خویش آفرید » . و صورت خدا در حدیث مجاز است مانند « ید الله » که در قرآن آمده و منظور از آن قدرت خداست . اینجا هم منظور اینست که آدم قابلیت تحصیل کمالات الهیه را تا بالاترین حدی که برای ممکنات (مخلوقات) امکان دارد دارا می باشد هر چند آدم (علیه السلام) به قاب قوسین او ادنی دست نیافت اما از فرزندان برگزیده اش ، محمد مصطفی (ص) بدان مقام راه یافت و انسان کامل بعد از محمد (ص) علی امیر مومنان است که او سید اوصیاء است که خدا ولادتش را در کعبه قرار داد تا به همه نشان دهد که او قبله کامل و انسان کامل جهت رساندن شما به معرفت کامل است .

حال کدام يك قبله باشد كعبه كه سنگ است يا مولود ان علي (ع)



و عیسی (ع) به علمای یهود میگوید: أنتم علماء السوء تقولون من حلف بالهيكل لا يلتزم بيمينه ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم بيمينه فأیما أعظم أيها الجهال العميان الذهب أم الهيكل الذي قدس الذهب

شما ای علمای بدکردار میگوید هرکس به طلائی هیکل قسم بخورد خدا یمین اش را قبول میکند و هرکس به هیکل قسم میخورد خدا یمین اش را قبول نمیکند کدام دیگری را قداست می دهد طلا هیکل را یا هیکل طلا را قداست میدهد.  
وایا علی (ع) کعبه را قداست می دهد و ما را به رسالت خدا می شناساند یا کعبه سنگی رسول خدا را به ما می شناساند .

بعد از تعریف مکان و جهت قبله و چه کسی لایق تعظیم و سجود است  
و امام علی (ع) میفرماید هرکس حرفی به یاد دهد مرا بنده خویش کرده . و تمام علوم ما از امام علی (ع) است زیرا او دروازه شهر علم پیامبر است، پس همه بنده گان علی (ع) هستیم انهم از رساندن ما به معرفت کامل که همان تسلیم امر است علی تجلی محمد (ص) است و تجلی (علی ع) امام محمد ابن الحسن (ع) میباشد او قبله زمان ماست و موذن او در این زمان کیست وایا زمان زمان اذان است یا خیر ؛

{ از امام صادق نقل شده هرکس شخصی را در معصیت اطاعت کند او را عبادت کرده است (کافی ج ۲ ص ۳۹۸) و هرکس خدا را معصیت کند به اندازه همان معصیت خدا را عابد و ساجد نیست . و اگر این گناه و معصیت متعلق به قبله ی است که به سمت ان سجود کند (یعنی قبله ی غیر از انکه به او گفته شده است را قبول کرده است؟) در این صورت هر عملش عاصی و گناه به امر خداوند سبحان می باشد و نه عابد و نه ساجد خداوند است (و سرعت سیر در این مسیر غیر از دوری چیزی نسبی نیست) و خداوند می فرماید (و هرکس بعد از روشن شدن

مسیر و راه حق بر او، با رسول خدا به مخالفت بر خیزد و راهی غیر از طریق اهل ایمان پیش گیرد وی را به همان طریق و راه ضلالت که بر گزیده و اگذاریم و عاقبت او را به جهنم در افکنیم که بد منزلگاهی است. النساء (۱۱۵)

و اینگونه انسان از ظلمت و شر و شیطان پیروی می کند و بر راهی که او را به هدف می رساند نیست بلکه پشت به قبله ی که او را به خدا می رساند کرده (و ادعای سجود و عبادت و طاعتش) سبب رساندنش به در کات جهنم می شود چون اعمال وی او را به قبله ی می رساند که خلاف امر خداوند است و خداوند او را از ان نهی کرده است و سجود و طاعت و عبادت او بر معصیت و گناه ساخته شده و گناه و معصیت خواهد بود. و نه نمازی خوانده و نه روزه ای گرفته بلکه گناهی است که انجام داده است (حق را تصدیق نکرد و نماز و طاعتش بجا نیاورد بلکه خدا را تکذیب کرد و از حکمش رو بر گرداند انگاه با تکبر و نخوت به سوی اهل خویش روی آورد و وای و صد وای بر مرگ تو و وای بر برزخ و محشر تو \* القیامه ۳۵) و حق اولاتر ان است که امر ولی خدا و حجت و خلیفه او را تصدیق بکنیم

(چه نبی و یا وصی او) و نماز با او ولایت امر خداست و ولایت او سجود برای ولی خداست و طاعت او طاعت خداوند است و خضوع و طاعت غیر ولی و خلیفه خدا نفعی به جز تظاهر ندارد. از فضیل نقل از امام صادق (ع) می فرمایند. اینگونه در جاهلیت طواف می کردند ولی امر شده اند که بعد از طواف به سمت ما متفرق شوند تا ولایت و نصرتشان و محبتشان را به ما نشان دهند سپس این ایه را خواند که... و تمنا و هوای قلبهای بعضی از انسانها را برای انها (اهل بیت) قرار

بده \* کافی ج ۱ ص ۳۹۲)

و کفار قریش (احناف منحرفین) قبل از اسلام حج خانه خدا برای آنها نفعی نداشت با وجود اینکه خدا را لیبیک (۸) می گفتند. چون لیبیک گفتن آنها چیزی جز تهلیل و سوت زدن نزد خداوند نبود و ملائکه ان را اینگونه می شنیدند (ونماز آنها در خانه کعبه جز صفیر (سوت) و کف زدن که خلق را از خانه خدا منع می کند چیز دیگری نیست پس بچشید طعم عذاب را به کیفر انکه به خدا کافر شدید \*  
(انفال ۳۵)

و اینگونه حال کسی که نماز بخواند و قبله خود را غیر از آنچه خدا برای او قرار داده است انتخاب کند. نمازش فقط دست زدن و سوت زدن است و حتی حج او نزد خداوند (در خانه خدا جز صفیر (سوت) و کف زدن چیزی نیست)

۸- در جاهلیت و قبل از اسلام لیبیک گفته قریش اینگونه بود لیبیک، اللهم، لیبیک! لیبیک لا شریک لک، تملکه، وما ملک. و کانت تلبیة کنانة: لیبیک اللهم لیبیک! الیوم یوم التعریف، یوم الدعاء والوقوف. و کانت تلبیة بنی أسد: لیبیک اللهم لیبیک! یا رب أقبلت بنو أسد أهل التواني والوفاء والجلد إلیک. و کانت تلبیة بنی تمیم: لیبیک اللهم لیبیک! لیبیک لیبیک عن تمیم قد تراها قد أخلقت أثوابها وأثواب من وراءها، وأخلصت لربها دعاءها. و کانت تلبیة قیس عیلان: لیبیک اللهم لیبیک! لیبیک أنت الرحمن، أتتک قیس عیلان راجلها والربکان. و کانت تلبیة ثقیف: لیبیک اللهم! ان ثقیفا قد أتوک وأخلفوا المال، وقد رجوک. و کانت تلبیة هذیل: لیبیک عن هذیل قد ادلجوا بلیل فی ابل وخیل. و کانت تلبیة ربیعة: لیبیک ربنا لیبیک لیبیک! إن قصدنا إلیک، وبعضهم یقول: لیبیک عن ربیعة، سامعة لربها مطیعة. و کانت حمیر وهمدان یقولون: لیبیک عن حمیر وهمدان، والحلیفین من حاشد وألهان. و کانت تلبیة الازد: لیبیک رب الارباب! تعلم فصل الخطاب، لملك كل مثاب. و کانت تلبیة مذحج: لیبیک رب الشعرى، ورب اللات والعزی و کانت تلبیة کنده و حضر موت: لیبیک لا شریک لک! تملکه، أو تهلکه، أنت حکیم فاترکه. و کانت تلبیة غسان: لیبیک رب غسان راجلها والفرسان. و کانت تلبیة بجیلة: لیبیک عن بجیلة فی بارق ومخیلة. و کانت تلبیة قضاة: لیبیک عن قضاة، لربها دفاة، سمعاه وطاعة. و کانت تلبیة جذام: لیبیک عن جذام ذی النهی والأحلام)

واگر بدانیم که خداوند از ابتدا خلقت به اجسام نگاه نکرد (۹) و این سجود اجسام مرشد و راهنما بر حقیقت ان است و این حقیقت همان طاعت است و نشان دادن قبول امر صادر از خداوند است. و اگر سجود برای اجسام قبله ی است و ان کعبه می باشد. لابد برای ارواح هم قبله ی باشد و ان قبله ارواح ولی خدا (حجت خدا بر خلق) است که با اطاعت او خدا را طاعت کرده و با معصیت او خدا را معصیت کرده ایم و برای همین امر سجود ملائکه (ارواح) بر ادم انسان کامل است.

و اسلام و سجود یکی است چون اسلام یعنی تسلیم و تسلیم یعنی طاعت مطلق و مسلمانی یعنی تسلیم خداوند سبحان شدن است و این تسلیم (سجود) باید برای ان قبله ی باشد. و قبله ان ولی خدا (حجت خدا بر خلق) است و مسلمانی که از قبله تسلیم که همان حجت و ولی خدا که ما را به طاعت او امر کرده سر باز زند مسلمان حقیقی نیست.

شیخ ابو جعفر طوسی با سند از فضل ابن شاذان از داود بن کثیر گفت از امام صادق (ع) پرسیدم. شما نماز و حج و زکات در کتاب خدا هستید؟ فرمود. ما نماز و حج و زکات و روزه و ماه حرام و شهر حرام در کتاب خدا هستیم و ما کعبه و قبله و وجه خداوند هستیم که خداوند فرموده (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ) هر کجا را روی او روی وجه (صورت) خداوند است. و ما آیات و روشنگری خداوند ایم.

بحار الانوار ج ۲۴ ص ۳۰۳ { نقل از کتاب روشنگری

قبله : خلیفه زمان حجت خدا ست و ان مکانی جهت رو کردن به ان می باشد زیرا که او وجه الله است و همانگونه که قبله مکان است و در این زمان امام مهدی (ع) است ایا علائمی که نشانه ظهورش در زمان ما باشد وجود دارد؟

علائم ظهور امام زمان (ع)

(إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا \* وَنَرَاهُ قَرِيبًا)

از امام صادق (ع) نقل شده نزدیکترین و خشنودترین بندگان به خدا کسانی هستند که حجة خدا از انها مفقود شود و بر انه اضاهر نشود و مکان او را نمیدانند و میدانند که خدا حجتش را باطل نمیکند و در ان وقت منتظر فرج در صبح و عصر باشید و شدیدترین غضب خدا بر دشمنانش وقتی است که حجت از انها مفقود شود و بر انها ظاهر نشود و خدا می داند که اولیاء او از این امر بر نمی گردند و اگر میدانست انها از این امر بمانند او را غیب نمیکرد حتی به اندازه يك چشم به هم زدن و ان چیز نمی شود الا بر شرتترین خلق الله . کمال الدین و تمام النعمة ص ۳۳۷ .

عن المفضل بن عمر قال : ( سألت سيدي الصادق (ع) هل للمأمول المنتظر المهدي (ع) من وقت موقت يعلمه الناس ؟ فقال : حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعتنا ، قلت : يا سيدي ولم ذاك ؟ قال : لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى : (ويستأونك عن الساعة أيان مرساها ....) بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱ از امام صادق (ع) پرسیده شد ایا برای امام منتظر وقتی معین برای ظهورش هست که مردم ان را بدانند؟ و امام جواب داد حاشا از اینکه خدا وقتش را برای شیعیانش معلوم گرداند گفتم به چه علت مولای من فرمود زیرا او همان علم ساعت است که در قران از ان یاد شده که وقت ان کی میباشد .

وقت ظهور امام را کسی نمیتواند مشخص کند ولی اهل بیت رسول (ص) برای ان علامات داده اند که نزدیکي ظهورش را با ان مشخص میکنند همانگونه که در انبیاء

گذشته چنین بوده مثلا در کتاب عصر ظهور کورانی ص ۲۳۲ از یمانی و سفیانی و خراسانی صحبت شده و خروج آنها قبل از امام زمان به مدت هفتاد و دو ماه سخن گفته شده ولی مدت حساب آن را اکس نمی دانند که از کی شروع میشود زیرا پیامبر و اهل بیت میخواستند به گونه ی صحبت کنند که امام را از دشمنانش محفوظ بدارند و او را برای دوستان و منتظرین حقیق نشان دهند و در عین کلام گاهی از او و صاحب بیعتش با نامهای متعدد یاد شده که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد.. در مورد علامات به کلام رسول (ص) به سلمان توجه کنید

عن رسول الله (ص) : إِي وَالذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ إِنَّ عِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَمْرَاءَ جَوْرَةٍ وَوُزَرَءَ فَسْقَةٍ وَعُرَفَاءَ ظَلْمَةٍ وَأَمْنَاءَ خَوْنَةٍ . . وَسَارِعَ سَلْمَانَ قَائِلًا : إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ . فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِي وَالذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ إِنَّ عِنْدَهَا يَكُونُ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفًا وَالْمَعْرُوفُ مُنْكَرًا وَيُؤْتَمَنُ الْخَائِنُ وَيَخُونُ الْأَمِينُ وَيُصَدَّقُ الْكَاذِبُ وَيُكْذَبُ الصَّادِقُ..... قوله : فقد جاء أشراطها مشارق انوار اليقين للبرسي ص ۱۱۱ / حياة الإمام المهدي عليه السلام - باقر شريف القرشي ص ۲۵۴-۲۵۸

نقل از رسول اکرم (ص) بنام آنکه جانم در دست اوست امراء اهل جور حکومت میکنند و وزیرانشان اهل فسوق و عرفای آنها اهل ظلمت و امین آنها خیانت کار ... و سلمان کلام رسول را با سرعت قطع می کند و به پیامبر میگوید ای پیامبر چنین چیزی ممکن است و پیامبر می فرماید بله بنام آنکه جانم در دست اوست در آن هنگام معروف منکر و منکر معروف میشود و خیانت کار مورد اطمینان میشود و امین خیانتکار به شمار میاید صادق را دروغگو میکنند و دروغگو را صادق میکنند. و باز سلمان میپرسد همچین چیزی اتفاق می افتد و رسول با قسم شروع میکند و میفرماید در آن هنگام حکومت به دست زنان مییاشد و با زنان خدمتکار

مشورت میکنند و خردسالان بر منابر مینشینند... و مرد بر پدرش جفا میکند و با دوستان وفا و ستاره دنباله دار خروج میکند و در آن هنگام زن با شوهرش در امر تجارت شریک میشود و باران در آن زمان با غیظ و اکراه میباشد و انسان فقیر را حقیر می دانند و در آن زمان بازارها نزدیک و یکی مگوید چیزی نفروختم و دیگری میگوید سودی نکردم و همه خدا را مقصر میدانند

سلمان باز با تعجب میگوید این امر اتفاق می افتد و پیامبر با قسم می فرماید کسانی حکم میکنند که اگر درباه آنها حرفی بزنند کشته میشوند و اگر ساکت مانند همه چیزشان را مباح میکنند و اموالشان را به یغما میبرند و خونشان را پایمال میکنند و قلبهایشان را از ترس پر میکنند و آنها را با حالت ترس و رعب فراوان میبینی... در آن هنگام چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می آید و اتم را در هم می پیچند پس وای بر ضعیفان اتم از آنها و وای بر آنها از خداوند زیر آنها نه به کودکان رحم میکنند و نه به وقار بزرگان و اخبار آنها مخفی است جثه آنها مانند ادمیزاد و قلوبشان فلب شیطان است، ای سلمان در آن هنگام مرد با مرد نزدیکی میکند و زن با زن و بر کودکان غیرت میکنند همانگونه که بر کنیزان در منزل غیرت میشود مردان خود را به صورت زن در می آورند و زنان خود را شبیه مرد و زنان را سوار بر زینها (موتورسیکلت و دوچرخه) میبینی که لعنت خدا بر آنها باد... و در آن هنگام مساجد مانند کلیسا و صومعه میشود و در آن پر از زیورات میگردد و قرآن را با زرق برق زیبا میکنند و منارات را بلند میکنند و صفوف نماز زیاد میشود ولی با قلبی پر از کینه... و مردان اتم با طلا خود را زیبا میکنند و لباسشان از حریر و جلد ببر میگردد

ای سلمان در آن هنگام ربا و رشوه ظاهر میشود و معاملات بصورت غیبی انجام میشود و مردم دین را باقی میگذارند و دنیا را شعار خود قرار میدهند در آن هنگام

طلاق زیاد میشود و حد خدا را بجا نمی آورند در آن هنگام اهل موسیقی زیاد میشوند و اشرار امت را در بر میگیرد ای سلمان در آن هنگام حج اغنیاء برای خوشگذرانی است و قشر متوسط برای تجارت به حج میروند و مستضعفین برای اسم و ریاء به حج میروند در آن زمان قرآن را برای غیر خدا یاد میگیرند و آن را با آلات موسیقی میخوانند و اقوامی فقه را برای غیر خدا یاد میگیرند و فرزندان زنا زیاد میشود و قرآن را با آواز میخوانند انهم برای تفاخر در دنیا...

سلمان این امر امکان پذیر است و پیامبر فرمود قسم بنام آنکه جانم در دست اوست انتهاك حرمت شود و گناهان را کسب گردانند و اشرار بر اختیار حکومت کنند و دروغ زیاد شود و لجاجت ظاهر گردد و در امر لباس پوشیدن همدیگر را نمی کنند و باران در غیر وقتش بیارد و مردم امر موسیقی را تحسین کنند و امر به معروف و نهی از منکر را ترك کنند و مومنین در آن زمان از يك امت ذلیل تر میشوند و در بین قاریان و عابدین ملامت پیدا شود و ناپاکان اهل رجس ادعای ملك در ملکوت اسمانها را بکنند و پولداران از چیزی به غیر از فقر نمی ترسند حتی اگر يك گدا از جمعه تا جمعه بعد در خواست چیزی نماید به او چیزی نمی دهند

این امر امکان دارد ای رسول اکرم و پیامبر با قسم به آنکه جانم در دست اوست به سلمان میفرمایند اگر رو بیضه سخن بگوید پرسیدن که آن چیز چیست فرمود سخن به امر عامه میکند انهم بعد از سکوت ( آنها علمای بی عمل فقهای آخر زمان بعد از تکذیب وصی امام زمان ) و در این هنگام زمین چنان در هم میپیچد که هر قوم فکر میکند که در منطقه آنها اتفاقی افتاده و آنها ماشاءاله ساکت میمانند سپس بعد از سکوتشان زمین تمام درونش را بیرون میکند فرمود یعنی طلا و نقره خود را برای سلاطینش ولی در آن زمان نفعی برایشان ندارد زیرا تحقیق معنی ایه اشراط ان آمده است می باشد....



وعن الصادق (ع) قال ... فإذا رأيت الحق قد مات وذهب ورأيت الخمر تشرب علانية ، ويجتمع عليها من لا يخاف الله عزو جل ورأيت أهل الباطل قد استعلوا على أهل الحق ، ورأيت الشر ظاهرا لا ينهى عنه ويعذر أصحابه ورأيت الفسق قد ظهر ، واكتفى الرجال بالرجال ، والنساء بالنساء ، ورأيت المؤمن صامتا لا يقبل قوله.....) الكافي ج ۸ ص ۳۷-۴۲

و از امام صادق (ع) نقل شده که میفرمایند در زمان ظهور ان حضرت امام زمان (ع) حق در ان زمان مرده و از بین رفته و شراب و خمر درعلن نوشیده شود و آنان که از خدا نمی ترسند بران جمع می شوند و اهل باطل بر اهل حق مستولی گردند و باطل و شر ظاهر شود و کسی ان را نمی کند و فسوق ظاهر شد و مردان به مردان اکتفا میکنند و زنان با زنان و دیدی مؤمن ساکت و حرفش را نپذیرند، و دیدید که فاسق تکذیب نمی شود و بر کذب و افترایش کسی او را نمی کند و دیدی که کوچکتر احترام بزرگتر را نمی گذارد و صله رحم قطع شد و از فسوق کسی با مدح صحبت شود دیگران به ان میخندند و کسی به ان چیزی نمی گوید و پسران جوان همانند زنان خود را در اختیار دیگران می گذارند و زنان با زنان ازدواج می کنند و همسایه همسایه خود را اذیت میکند و کسی او را باز نمی دارد و فاسق در امری که خدا نمی خواهد قوی شده، و دیدی مرد آنچه رابه زبان می آورد بعمل انجام نمی دهد و مردان تمنای انها مرد و زنان تمنای زن را بکنند و مرد خرجش را از دبرش در آورد و معیشت زن از فرجش باشد و زنان مجالسی بر پا میکنند همانگونه که مردان بر پا میکنند و دو جنسیت در فرزندان عباس ظاهر شد و رنگ کردن چهرها علنی شد و موهای خود را مانند زنان در حجله شانه کردند و به مردان برای استفاده از دبرشان پول داده شد و بر یکدیگر تنافس کردن، و صاحب مال از مؤمن عزیزتر شد و ربا ظاهر شود و زنا مورد مدح زنان قرار گرفت و زن مانند شوهرش در نکاح با

مردان شريك شود و ديدي بيشتر مردم و بهترين خانه ها خانه يست كه به فسوق زن ديگران كمك كند و ديدي مومن محزون و حقير و ذليل شده و نمي تواند باطل را انكار كند الا به قلبش و مردم مال فراوان را در غير رضاييت خدا اصراف كنند ، و ديدي وقتي به مرد ي شك شود او را مي كشند و زن مردش را مقهور ميكند و كاري ميكند كه شوهرش نمي خواهد و شراب و قمار ظاهر شود و كسي ممانعت نمي كند و مرد زن و كنيز خود را اجاره دهد و زنان خود را در اختيار اهل كفر بگذارند و جاهاي لهو و لعب ظاهر شود و كسي انها را منع نمي كند و كسي جرات اينكار را ندارد و مؤمن شريف از طرف شخصي كه از سلطان مي ترسد ذليل شود و صداي قران بر گوش مردم سنگين شد و شنيدن باطل بر مردم سبك شد و همسايه احترام همسايه را بخاطر ترس از زبانش احترام گذارد و حدود اسلام در شرايع تعطيل شد و به هواي وهوس اجرا شود و مساجد با زرق برق مزخرف شود ، و دروغگوترين مردم نزد انها راستگو ترين انهاست و شر ظاهر شد و غيبت نمك مجلس و بشارت انها بر همدیگر شد و هرج و مرج زياد شد و مرد با نشئت ميخواهد و مست بيدار ميشود و به مرده استهزاء شود و براي او حركتي نشود

و ديدي مرد ي روزش را بدون كسب گناهان كبيره و انجام فجور و دزد ي در ميزان و مكيال و سوز و كلك و خوردن شراب و مست بگذارند ان روز را با ناراحتي و حالي خسته كننده از عمرش تمام مي كند و شراب را براي درمان بيماري براي همدیگر تجويز ميكند . و قضاات به غير از رضاييت خدا حكم ميكند و واليان امانتدارانشان خيانتكاران شدند و ميراث را واليان بر اهل فسوق بذل كردن و مردم همتشان شكمشان و فروجشان است و براي شان فرقي نمي كند كه چه خوردن و چه نكاح كردن حلال باشد يا حرام و دنيا براي شان اقبال کرده و بر منبرها نهي و منكر مي كنند ولي خود به ان عمل نمي كنند پس بر حذر باش و از خداوند طلب حق و

نجات را بنما زیرا مهلتشان میدهد برای امری که خدا می خواهد و مراغب باش و عمل کن تا خدا تو را ببیند بر خلاف عمل آنها تا اگر عذاب بر آنها نازل شد عجله کنی بسمت رحمت خداوند و اگر تاخیر شد خداوند آنها را مبتلا میکند از عمل آنها خارج شو و به سمت خداوند رفته زیرا خداوند اجر محسنین را پایمال نمی کند و رحمت او بر محسنین نزدیک است.

تا اینجا دو حدیث تمام میشود که تمام انتهاکات و انهیاری اخلاق مردم را ذکر می کنند و جمیع مبادی انسانیت و قیمت ان از بین می رود و برگشت به زمان جاهلیت و شرور ان زمان را برایمان اشکار میکند و نیاز به راهبر را برای ما مبرم و الزامی می دارد و بعد از این علامتی نمانده به جز پنج علامت حتمی ،

قال رسول الله (ص) (یوشك أن تداعی علیکم الأمم من كل أفق ، كما تداعی الآكلة علی قصعتها ، قال قلنا : یا رسول الله ، أمن قلة بنا یومئذ ؟ قال : أنتم یومئذ کثیر ، ولكن تکونون غناء کغناء السیل ، ینتزع المهابة من قلوب عدوكم ، ویجعل فی قلوبکم الوهن قال قلنا : وما الوهن ؟ قال : حب الحیاة وکراهیة الموت) معجم  
أحادیث الإمام المهدي (ع) - الشیخ علی الکورانی ج ۱ ص ۷۸

از پیامبر اکرم (ص) نقل است که جمع امته را بر شما میبینم که یکدیگر جمع میکنند از هر سو همانگونه که درندگان بر قربانی خود جمع می شوند گفتیم ای رسول اکرم ان زمان ما عده کمی هستیم فرمود خیر ان زمان شما زیاد هستید ولی همچون کف کنار سیل هستید ترس از دل دشمنانتان خارج می شود و در دل شما وهن پدید میاید گفتیم وهن چیست؟ فرمود حب دنیا واکراه از مرگ...

بشارة الإسلام ص ۱۴۳. و در حدیثی از مفضل که قسمتی از ان را نقل میکنیم و مفضل به امام فرمود و زورا که بغداد است چگونه خواهد بود و امام فرمود محل نزول عذاب خدا و غضبش میباشد وای بر ان از رایات زرد (روم) و رایات که از

دور و نزدیک به سوي ان سیر میکند به خدا قسم عذابي بر انها نازل مي شو دکه بر هیچ امتي نازل نشده و اکثر کلام اهل بیت نزول عذاب را در عراق خبر مي دهند و حالا نیز تمام دولتهاهمدیگر را جمع کردن و بر سر عراق ریختند و دولتهای غرب ازیک طرف و ناصبین اهل بیت از طرف دیگر وایا در این ایت علامتی از ظهور مشاهده نمی شود

الملاحم والفتن - السيد بن طاووس الحسني ص ۱۳۴ .

واز امیر مومنان (ع) که می فرمایند ملک به زورا باز میگردد (شیعه عراق) و امرشان به شورا میرسد و هرکس بر امری غلبه کرد انجام می دهد در این هنگام سفیانی نه ماه حکمرانی میکند و به بدترین عذاب انها را عذاب می دهد و وای بر مصر و وای بر زورا و وای بر اهل کوفه و واسط را میبینم که مخبری از ان خبر نمی آورد و درانگام سفیانی خروج میکند که غذا کم و قحطی همه جا را می گیرد و باران کم و زمین چیزی از ان نمی روید و از آسمان چیزی نازل نمی شود و بعد از ان مهدي هادي مهدي خروج می کند تا پرچم خود را از عیسی ابن مریم بگیرد .

امروز حکم و ملک به اهل زورا یعنی شیعیان رسید و فقط انتظار سفیانی مانده برای جنگ ولی سوالی که پیش می آید که جواب ان را بعد خواهیم گفت که اگر عیسی بعد از امام مهدي (ع) در بیت المقدس بعد از فتح ان نازل میشود این مهدي هادي

مهدي کیست؟؟؟!!!

ومن خطبة لأمیر المؤمنین (ع) قال (... فکیف إذا رأیتم صاحب الشام ینشر بالمناشیر ، ویقطع بالمساطریر ، ثم لأذیقنه ألیم العقاب ، ألا فابشروا ، فإلی یرد أمر الخلق غدا بأمر ربی ، فلا یستعظم ما قلت ،... ) . مشارق أنوار الیقین - الحافظ رجب البرسی ص ۲۶۴ .

و در خطبه اي از امير مومنان (ع) فرموده كه چگونه خواهيد بود اگر شما را صاحب شام (سفياني) با اره اره مي كند و با ساطور شمارا قطعه قطعه ميكند و بعد از ان او را به بدترين عذاب عذاب مي دهم و بشارت باد شما را كه بعد از ان امر به من باز مي گردد به امر پروردگار پس چيزي را كه به شما مي گويم عظيم نميدانيد؛ و كاري كه نواصب در عراق انجام مي دهند كلام امير را تحقيق مي دهد و انهم قتل شيعيان با شمشير و سر بر يدن انها با وجود اين همه اسلحه پيشرفته و انها مصداقي از سفياني مي باشند و گفتن عذاب مي دهم مرددي از صلب او اين كار را مي كند ، بأبي من لا يأخذه في الله لومة لائم ، مصباح الدجى ، بأبى القائم بأمر الله ، قلت : ومتى خروجه ؟ قال : إذا رأيت العساكر بالانبار على شاطئ الفرات والضراء ، ودجلة وهدم قنطرة الكوفة ، وإحراق بعض بيوتات الكوفة فإذا رأيت ذلك فان الله يفعل ما يشاء ، لا غالب لامر الله ولا معقب لحكمه ( بحار الأنوار - العلامة المجلسي ج ۸۳ ص ۸۱ .

.... به خدا قسم كسي است كه كارش را خدا سرزنش نمي كند مصباحي روشن قائم به امر خدا ، گفتم كي خروج مي كند فرمود اگر عساكر در انبار در رود دجله و ضراء و فرو ريختن سدكوفه واطش گرفتن بعضي از منازل ان اگر ان را ديدي خداوند هر آنچه بخواهد انجام مي دهد و كسي نمي تواند بر امرش پيروز گردد

وعنه (ص) تكون في أمتي أربع فتن ، يصيب أمتي في آخرها فتن مترادفة ، فالأولى تصيبهم فيها بلاء حتى يقول المؤمن هذه مهلكتي ثم تنكشف . والثانية حتى يقول المؤمن هذه مهلكتي ثم تنكشف . والثالثة كلما قيل انقضت تمادت . والفتنة الرابعة تصيرون فيها إلى الكفر . إذا كانت الامعة<sup>۱</sup> مع هذا مرة ومع هذا

10 - الأمعة :كساني هستند كه مي گویند ما با دیگرانیم هر جا باشند!!!

مرة بلا إمام ولا جماعة ، ثم المسيح ، ثم طلوع الشمس من مغربها ، ودون الساعة اثنان وسبعون دجالا ، منهم من لا يتبعه إلا رجل واحد ) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) ج ۱ ص ۸۷ .

... در اتم چهار فتنه است فتنه اخر ان با هم مي باشد اولي در ان بلاست تا اينکه مومن مي گويد در اين هلاک مي شوم و خدا ان را باز مي گشايد و دوم نيز مي گويد هلاکم در اين است و حل مي شود وسوم هر آنچه بگويد حل مي شود و فتنه چهارم در ان کافر مي شويد و اگر لامعه ( ۸ ) باشيد گاهي در اين و گاهي در ان خواهيد بود و گاهي بدون امام وبدون جماعت هستيد بعد ازان مسيح و طلوع افتاب از مغرب و قبل از قيام ساعت هفتاد و دو دجال که برخي يك تبعيش ندارند...

ستكون فتنه لا يهدأ منها جانب إلا جاش منها جانب ، حتى ينادي مناد من السماء أميركم فلان) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) ج ۱ ص ۸۸ .

فتنه پيش مي ايد از هر سو خاموش شود از سوي ديگر سردر مي آورد تا اينکه از اسمان ندای مي ايد که امير شما فلاني است

ستكون فتن يصبغ الرجل فيها مؤمنا ويمسي كافرا ، إلا من أحياه الله بالعلم) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) ج ۱ ص ۹۹ )

فتنه هاي مي ايند در ان صبح مومن و در شام کافر ميشويد الا انکه خداوند با علم او را احيا کند

واز معلوم که احياي انسان فقط با علوم و کلام اهل بيت مي باشد . که خدا قلب و بصيرت انسان را باز مي کند و با تبعيت از کلام اهل بيت و سيره انهاست که از اين فتنه ها امان مي يابيم نه با راي و سخن غير اهل بيت همانگونه که ابنائ عامه (اهل سنت و امروزه علماي بي عمل با عقل و فلسفه و منطق روم باستان و کنار نهادن

روایات اهل بیت خود را عاقل می دانند) و اکثر شیعیان امروز کلام اهل بیت (ع) را بدون هیچ دلیل تکذیب می کنند .

و این علماء مردم را با فتوای ورائ و عقل ناقص که خود را شریک و مکمل ثقلین می دانند به گمراهی کشاندن و کلام خدا را که می فرماید *الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا*) (المائدة: ۳ امروز دین را با ولایت امام علی و تنسیب ان تمام کردم . و دین با تنسیب امام علی و ان هم به دست پیامبر اسلام و او حدود نجات را فقط به ثقلین مشخص کرده و انها تشریح دین را بعهدہ دارند...

و روایات متواتر ان را تایید می کنند و تشریح با دلیل عقلي مخالف سنت محمدي می باشد پس چگونه علمای اخر زمان ان را جایز کرده اند ... *إنا لله وإنا إليه راجعون*

من أشرط الساعة سوء الجوار ، وقطيعة الأرحام ، وتعطيل السيف من الجهاد وأن تختل الدنيا بالدين ) المفردات : تختل الدنيا : أي تطلب بالحيلة والتظاهر بالدين واز شرایط قیام ساعت قطع صله رحم و تعطیل الات جنگ (شمشیر) از جهاد واز دین برای رسیدن به دنیا استفاده می شود در مورد جهاد احادیثی فراوانی شده ودر تفسیر ایه *حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا*) دال بر این است که جنگ و جهاد تا قیامت یا نزول عیسی (ع) باقی است و کورانی در کتاب معجم احادیث امام المهدي (ع) (ص ۱۰۰ منظور از این که جهاد تعطیل می شود یعنی تعطیلی ان از احکام می باشد (وحتی در رساله عملی برخی مراجع ان بخش حذف شده) ولی قطع صله رحم در حال حاضر در همه جا علنی شده و تعطیلی جهاد در احکام دین کاملاً در عراق و کشورهای اسلامی اشکار شده و به جای اینکه مردم را برای جهاد آماده کنند انها رابه امر دنیا مشغول کرده اند سوالی که پیش می آید این است که آیا اگر امام علی

در این زمان بود ایا با امریکا به شور و مشورت می نشست و در شورایی آنها که مانند سقیفه بنی ساعده است با اهل سنت و اهل دینها و مذاهب و فرقه های وهابیت هستند مشورت می کرد بنظر شما و اعتقاد شما در این باره چیست؟

أبي عبد الله (ع) (... إذا هدم حائط مسجد الكوفة مؤخره مما يلي دار عبد الله بن مسعود فعند ذلك زوال ملك بني فلان أما إن هادمه لا بينه ) البحار ج ۵۲ ص ۲۱۰

و از امام صادق نقل شده اگر دیوار مسجد کوفه تخریب شد انهم از ناحیه پشت که خانه ابن مسعود می باشد در آن هنگام سقوط ملك بني عباس است وانکه آن را خراب کند آن را بنا نمی کند

عن جابر قال قلت لأبي جعفر (ع) : (... متى يكون هذا الأمر ؟ فقال (ع) : أنى يكون ذلك يا جابر ولم تكثر القتلى بين الحيرة والكوفة ...) بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۰۹

و در جای از امام صادق سوال شده که این امر کی می باشد و فرمود این امر نمی باشد الا بعد از قتل فروان بین حیره (منطقه نزدیک کوفه) و کوفه و این امر در عراق بهنگام حرکت بسوی کربلا اتفاق افتاد و نیروهای عراقی مردم بی گناه را در همان جا قتل و عام کردن .

. الفصول المهمة ج ۳ - الحر العاملي ص ۲۶۳

و از امام صادق (ع) نقل شده که و اهل شهري بنام سیجستان (سیستان کنونی) آنها شرترین دشمنان ما و اهل عداوت و شر خلق و خلیفه می باشند و بر آنها عذابی مانند هامان و قارون است و اهل شهري بنام ری آنها دشمن خدا و رسولش و اهل بیت هستند و جنگ با آنها را جهاد و مالشان را غنیمت و در آخرت عذاب بر آنها است و اهل موصل آنها شرترین مردم بر زمین اند و اهل زوراشهری که در آخر زمان



ساخته می شود خون ما دوی در د انهاست وبا بغض به ما به دشمن ما نزدیک میشوند و جنگ با ما و قتلمان را بر خود فریضه میدانند ای فرزندانها بر حذر باش زیراها تا دو نفر شدندویکی از شما را دیدن فوراً بفکر قتل او می افتند .

و اگر از خداوند در حدیث معراج سؤال کنید ، جواب را خواهید یافت . پس بدرستیکه رسول خدا (ص) در شب معراج از خداوند سبحان و بلند مرتبه پرسید : «... خداوندا پس آن چه وقت خواهد بود ( قیام قائم )؟ ، خداوند عزوجل وحی فرمود : آن ، زمانی خواهد بود که علم برداشته شود و جهل ظاهر شود و قراءت کنندگان (کتاب خدا و احادیث ) زیاد شوند و عمل کنندگان کم گردند و فقر زیاد شود و علمای هدایت کننده کم و فقهای گمراه کننده خیانت کار زیاد گردند .بحار الانوار ج ۵۲ )

علامات ظهور نخست محاصره کوفه با کمین کردن و پرتاب سنگ و ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه های ان تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و اهتزاز پرچمهای گرد اگرد ان کشنده و کشته شده هرد و در اتش (عصر ظهور کورانی ص ۷۶

... شورشیان روم بزودی روی آورده در رمله فرود می آیند ای جابر در ان سال از ناحیه غرب اختلاف فراوان وجود دارد ...عصر ظهور ص 56

..... نزدیک است امتها بر علیه شما همدیگر را فرا خوانند بسان فراخواندن خورندگان بر سره سفره هر چند شما در ان زمان از نظر عدد بسیار اما همچون خاشاک بر روی سیل می باشید خداوند هیبت شما را از دل دشمنانتان بر داشته به علت علاقمندی شما به دنیا و ترس از مرگ سستی و ضعف را وارد دلتان کرده .

ملاحم والفتن ص 129

انگاه با دیدن ضعف مسلمانان خداوند علامات ظهور ان پاک را می دهد که می فرمایند خداوند پرنده گانی را بر رومیان مسلط می گرداند که با بالهای خود بر گونه های آنان انچنان ضربه می زنند که چشمهایشان نابینا وزمین شکافته وانها را در خود می بلعد. ابن حماد ص 124

و در جای دیگر پیامبر می فرماید . وای بر شما از شری که نزدیک است وان شر بالهاست پرسیدن بالها چیست فرمود بادی که وزش ان نابود کننده است و بادی که وزش ان بر گیزاننده و بادی که سستی اور است وای بر انها از کشتار سریع و مرگ انی و گرسنگی دردناک و بلا و گرفتاری که بر سر انها فرو ریزد.... ابن حماد ص 53 و تمام این علامات را امروزه در عراق و کشورهای غربی کاملاً قابل مشاهده می باشد و در کتاب معجم احادیث امام مهدي ج ۳ ص ۲۷ آمده ...

امام علي (ع) .... که بعد از ان عجیتر اتشی در بصره که قومی بر قومی قوم دیگر غلبه میکند و بصره مضطرب میشود (شاید جنگ در بصره) ... و مردم خوزستان با سعید سوسی بیعت میکنند (در شبکه ان ن برنامه داشت و مردم را علیه حکومت خود می شوراند) در حالی که دو عمالقه کرد بیرق خود را بالا میبرند (حکومت طالبانی و برزانی) حرکت عساکر خراسان . و تمیمی از طالقان فرماندهی میکند در این حالت منتظر مکلم موسی از جانب کوه طور باشید و این علامتی است مکشوف ... و در این حالت امام علي ع گریست ...

در مورد مکلم موسی از طور انشاء الله کتابی جدا گانه خواهیم داشت و اما علامات واضحتر از ان .

عن أبي بصير ، قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : من يضمن لي موت عبد الله ، أضمن له القائم ، ثم قال : إذا مات عبد الله لم يجتمع الناس بعده على أحد ، ولم

یتناه هذا الأمر دون صاحبكم إن شاء الله ، ويذهب ملك السنين ، ويصير ملك الشهور والأيام . فقلت : يطول ذلك ؟ قال : كلا ( بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۱۰ )  
 از امام صادق (ع) نقل است هر کس بشارت مرگ عبدالله را به من دهد من ضمانت قائم را به او می دهم و اگر عبدالله فوت کند بعد از آن بر شخصی جمع نمی شوند و این امر انجام نمی شود الا با صاحبان انشاء الله و مملکت سالها تمام می شود و مملکت به ماه و روز می رسد گفتن این امر طول می کشد فرمود خیر (معجم احادیث کورانی غیبیه طوسی).

و مملکت ماه و سال را در عراق همه تجربه کرده اند و اکنون عبدالله در حجاز حکم می کند و رسول اکرم در باره او می فرمایند: عن مسند احمد عن النبي (ص) ((يحكم الحجاز رجل اسمه علي اسم حيوان إذا رايته حسبت في عينه الحول من البعيد وإذا اقتربت منه لا ترى في عينه شيء يخلفه له أخ اسمه عبد الله ويل لشيعةنا منه )) (أعادها ثلاثاً) (بشروني بموته أبشركم بظهور الحجة) . كتاب مائتان وخمسون علامة ص ۱۲۲ .

در حجاز شخصی حکومت می کند که نامش مانند نام حیوان است (فهد)، اگر از دور به او نگاه کنی در چشمش چپی (انحراف) مشاهده می کنی و اگر نزدیک شوی از آن چیزی نمی بینی و بعد از او حکومت به برادرش می رسد که نامش عبدالله است و ای بر شیعیان از عبدالله و رسول این کلام را سه بار تکرار می کند و سپس فرمود هر کس بشارت مرگش را به من بدهد بشارت ظهور حجت را به او می دهم .

و رسول خدا (ص) فرمودند : « زمانی بر امتم خواهد آمد که از قرآن باقی نمی ماند مگر نوشته هایش و از اسلام باقی نمی ماند مگر نامش ، مسلمان نامیده می شوند در حالیکه دورترین افراد نسبت به اسلام هستند مساجدشان زیبا و آراسته

است و لکن خبری از هدایت در آن نیست ، فقهای آن زمان شرترین فقهای هستند که آسمان بر ایشان سایه افکنده است فتنه از آنها خارج می شود و به خودشان نیز باز می گردد . (بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۹۰)

ایا علامتی از این واضحتر هست ایا وقت ان نشده که قبله خود امام زمان را بخواهیم ایا برای شناخت او در این زمان که همه علامات ان به وضح مشاهده شده است وقت ان نشده که کسی اذان دهد و این موذن کیست زمان زمان نماز و حج است بدنبال که رویم

در کتاب غیبه نعمانی ص ۲۶۴ و در کتاب بشارت الاسلام ص ۹۳ نقا از عصر ظهور کورانی ص ۱۵۸ آمده که یمانی و خراسانی و سفیانی در یک روز و یک ماه و یک سال خروج می کنند مانند نظام مهرهای پشت سرهم و سختی از هر سو پدید می آید و ای بر کسی که با انها مخالفت کند و در میان این درفشها هدایتگرترین درفش درفش یمانی است زیرا او درفش هدایت است چون شمارا به صاحبان هدایت میکند و اگر او خروج کرد فروختن اسلحه بر مسلمین و مردم حرام است و اگر یمانی خروج کرد بسوی او بشتابید و جایز نیست بر مسلمانی از او باز ماند و هر کس اینکار را کرد از اهل جهنم است زیرا او شما را به صراط مستقیم هدایت میکند.

در ادامه این مطلب اضافه می کند که او درفش یمانی از همه هدایت کننده تر است زیرا دعوت به حق می کند .

در فشه‌های سیاه از بنی عباس و پس از انها درفشهای دیگر از خراسان خروج می کنند که حاملان انها کلاه سیاه و لباس سفید بر تن دارند پیشاپیش انها مردی است که وی را شعیب ابن صالح می نامند از قبیله بنی تمیم آنان سفیانی را شکست داده و در بیت المقدس فرود می آیند تا مقدمه حکومت حضرت مهدی (ع) را فراهم آورند

تعداد سیصد تن از شام به او می پیوندند فاصله خروج تا تقدیم زمام امور به حضرت مهدی (ع) هفتادو ماه مییابد اگر سپاه امام با این مدت قبل از او خارج می شود و آنها سفیانی را شکست می دهند امتحان ما با یار او یعنی یمانی و فرمانده ان شعیب ابن صالح است و انهم هفتادو ماه قبل از آمدن امام.

بعد از اینکه مشخص شد که هدایتگر ترین درفش درفش یمانی است و او مقدمات ظهور و بر پاکننده دولت عدل امام (ع) است چگونه می توان این زمینه ساز را از دوازده درفش باطل دیگر تشخیص داد و این درفش همان درفش امام است و او درفش یمانی است که روایت اهل بیت بر ان تاکید فراوان کرده اند. و اهل بیت در یک زمان واحد دو حجت را در یک زمان معرفی نمی کنند و حجت باید از طرف خدا و خلیفه او در زمین شناخته شده باشد. و دلایل او مانند دلایل دیگر خلیفه ی خدا یکی می باشد (قانون معرفت حجت خدا)

هدایتگر ترن درفش (یا قبله دلها در این زمان)

روایات واحادیث اهل بیت (ع) ما را به سمت یک نفر سوق می دهند و این یک نفر قائم به امرشان می باشد. و این قائم به امر آنها نیز قائم می باشد.

از امام صادق (ع) درباره درفشهای سیاه که ان زمان از خراسان خارج شدند سوال شد و امام فرمود هرگاه دیدید که ما بر سر یک مرد جمع شدیم بسوی ما بشتابید انهم با سلاح غیبه نعمانی

از امام علی (ع) در حدیثی طولانی می فرماید: اگر قائم در خراسان قیام کند و بر سرزمین کوفان و ملتان و نیز بر جزیره بنی کاوان مسلط شد و از ما قائمی قیام کند در جیلان (گیلان) و با او دیلمان باشند سپس قائمی قیام کند که امیدها به اوست که او امام گمنام و مجهول که برای او شرف و فضلی است. او از نسل تو یا حسین (ع)....

همان مصدر

و بعضی از روایات نام این قائم به امرشان را برده و علامات ظهور او را می دهند، و بعضی علامات و ظهور قائم زمان امام مهدی محمد ابن الحسن عسکری (ع) را نشان می دهد و بین این دو همیشه زمان برای علماء و ناقلین حدیث شبهه بود جود آورده، و حتی در بعضی موارد برخی از روایات را به علت اینکه نتوانستن برایشان دلیل و فهمی درست داشته باشند آنها را بدون هیچ دلیل تکذیب کرده اند. چون با صفات امام و حرکت او تطبیق نمی کند مانند روایتی که در کتاب عصر ظهور ص 144 نقل از ابن حماد ص 89 آمده که سفیانی و همراهان وی ظاهر می شوند و او هیچ غم و اندیشه ای جز غلبه بر آل پیامبر و پیروان آنها ندارند و به کوفه دسته ای از یارانش را می فرستد... و از خراسان سپاهی روی می آورد تا وارد دجله گردند و مردی از عجم با پیروان خود خروج میکند و گرفتاری در نجف می شود و سفیانی گروهی را رهسپار مدینه می کند و آنها مردی را به قتل می رسانند و مهدی و منصور از انجا می گریزند.

و در روایتی دیگر حضرت مهدی (ع) در هنگام خروج سفیانی مخفی می شود و پس از آن خروج می کند... ص 191 نقل از بحار و غیبه طوسی و در همان کتاب ص 106 نقل از بحار ج 52 ص 253 آمده که..... در این هنگام فرزند هند جگر خوار سفیانی از بیابان خروج کرده و بر منبر دمشق قرار می گیرد در این بحبوحه در انتظار ظهور حضرت مهدی (ع) باشید....

: قبل قیام القائم (عج) خمس علامات محتومات : (الیمانی والسفیانی والصیحة و قتل النفس الزکیة والخسف بالیداء الزام اناصب ج 2 ص 119)  
 و از علامات حتمیه قبل از قیام قائم پنج علامت حتمی است و ان یمانی و سفیانی و ندای اسمانی و فرو رفتن زمین در بیداء و قتل نفس زکیه...

با توجه به این چند روایت که از این قبیل روایات واحادیث زیاد می باشد همیشه بین اهل تحقیق مشکل هست که کدام یک را قبول کنند. سفیانی قبل امام (ع) است یا بعد از ایشان ...

ولی از وقتی که سید احمد (ع) درعوت خود را درنجف اعلام کرد؛ تمام این شبه ها را برای اهل حق حل کرده انهم با اثبات وصیت رسول اکرم (ص) در شب وفات .... وان اینکه بعضی از این روایات را به امام زمان (ع) نسبت داده و بعضی دیگر را به فرزندش احمد که در وصیت پیامبر ذکر شده و از او بنام مهدی اول یاد شده است و منظور از مهدی اول همان یمانی است که در فصل بعد به ان اشاره خواهد شد ، چون همانگونه که اهل بیت (ع) ذکر کرده اند نمی توان دو حجت در یک زمان باشند )

وعن أبي عبد الله (ع) أنه قال : ( لا تجتمع الإمامة في أخوين بعد الحسن والحسين إنما هي في الأعقاب وأعقاب الأعقاب ) الكافي ۱ / ۳۱۶ .

امام صادق (ع) امامت بعد از حسن و حسین در دو برادر جمع نمی شود الا در پشت و پشت پشت.

منظور در ذریه بعد از انها در مهدین است احمد فرزند امام و وصی امام زمان (ع) و اولین مؤمنان قبل از او مردم (یاران امام) را برای گرفتن بیعت امام جمع می کند، و در هنگام خروج سفیانی مخفی میشود و در انتظار امام (ع) خواهد بود. اما این شخص را چگونه بشناسیم خود بحث خاص دارد ولی در کتاب منتخب الانوار المضيئه ص 311 و کمال الدین ص 654 آمده از امام صادق سوال می شود درباره ظهور قائم (ع) چگونه انرا درک کنیم و امام جواب می دهد در ان وقت شخصی از شما بیدار می شود و در زیر سرش نوشته ای می یابد که روی ان نوشته شده اطاعت کنید زیرا طاعتش معروف است.

واین نوشته همان روئیت (خواب صادق) است و ارتباط مستقیم با یکی از دلایل اثبات قائم (ع) دارد و در حدیث بعد کاملاً مشخص و واضح است .

الحدیث الوارد عن الحضرمي قال دخلت أنا وأبان على أبي عبد الله (ع) وذلك حين ظهرت الرايات السود بخراسان وقلنا ما ترى فقال اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا اجتمعنا على رجل فانهدوا إلينا بالسلاح ( غيبة النعماني ۱۹۷ .

از امام صادق (ع) درباره درفشهای سیاه که آن زمان از خراسان خارج شد اند سوال شد و امام فرمود هرگاه دیدید که ما بر سر یک نفر جمع شدیم بسوی ما بشتابید انهم با سلاح .

و جمع شد اهل بیت بر سر یک نفر در زمانی که همه آنها مسموم یا بقتل رسیده اند امکان ندارد الا از طریق روئیت (خواب صادق) یا از طریق روایات می باشد، و آنها یکی ایمان به غیب است ، و دیگری ایمان به سیاهی بر روی سفیدی است همانگونه که رسول (ص) فرموده .

و هر دوی اینها از ادله اثبات سید احمد یمانی اهل بیت (ع) می باشد و آن ادله اثبات تمام انبیاء و و اوصیاء (ع) بوده . ابتدا به دلیل اول که همان روایات است توجه کنید .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (الأحزاب: ۳۶)

خداوند می فرماید: و برای هر مومن و مومنه که خداوند و رسولش برایشان امری را صادر کند حق اعتراض ندارند و اگر این کار را بکنند در ضلالت خواهند ماند

\* احزاب ۳۶

و هر کس روی تسلیم و رضا بسوی خدا آرد و نیکوکار باشد چنین کسی به محکمترین رشته الهی چنگ زده و بدانید که پایان کارها بسوی خدا باز میگردد (



## لقمان (22)

ابتدا وصیت رسول اکرم در شب وفاتش وصیت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در شب و فاتش از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از پدرش زین العابدین (ع) از سید الشهداء امام حسین (ع) از پدرش امیرمؤمنان علی (ع) گفت: در شب که وفات به رسول خدا محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید رسول به امام علی فرمودند یا ابا الحسن یک ورق و دواتی حاضر کن و رسول اکرم وصیتش را به امام علی دیکته کرد تا به جایی رسید که گفت یا علی بعد از من دوازده امام خواهد بود و بعد از آنها دوازده مهدی می باشد، و شما ای علی اولین دوازده امام میباشی. خداوند متعال شما را در اسمانش علی المرتضی و امیرمؤمنان و الصدیق الاکبر و الفاروق الاعظم و المأمون و المهدی نامید. و این نام نهادن بر کسی جز شما جایز نیست ای علی شما بر اهل بیتم زنده یا مرده آنها و بر زنانم، هرکسی که از آنها پایداری کرد فردا با من روبرو میشود و انهایی که طلاق دادید من از آنها مبرا هستم و مرا نمیبینند و من آنها را نمیبینم در روز قیامت که من شما را بر آنها سفارش میکنم. و شما بعد از من خلیفه اتم هستی و اگر وفات به سراغت رسید خلافت را به فرزندم حسن واگذار کن و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندم حسین شهید کشته شده و پاک واگذار کند و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش زین العابدین و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش محمد باقر واگذار کند و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش موسی کاظم واگذار کند و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش علی الرضا واگذار کند و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش محمد تقی واگذار کند و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش حسن عسکری واگذار کند و اگر مرگ به سراغش رسید به

فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمد (ع) واگذار کند و او دوازدهمین امام است پس از او دوازده مهدی می‌باشد و اگر وفات به سراغش رسید به فرزندش نخستین نزدیکانش که سه نام دارد نامی مانند نام من و نام پدرم و ان عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی و او نخستین مومنان است تسلیم نماید.. (بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸ / ج ۳۶ ص ۲۶۰ ، و الغيبة للطوسي ص ۱۵۰ ، غاية المرام ج ۲ ص ۲۴۱ ، مختصر بصائر الدرجات- للحلي ص ۳۹ . مکاتیب الرسول : للمیانجی ج ۲ : ص ۹۶ .)

فقد جاء في الرواية عن أبي جعفر (ع) : (... وإنما سمي المهدي مهدياً لأنه يهدي إلى أمر خفي...) غيبة النعماني ص ۲۴۲-۲۴۳ .

امام صادق (ع): مهدی را برای این مهدی نام نهادند چون مارا به امر مخفی هدایت می کنی

(مهدی کسی که ما را به امر مخفی هدایت میکند) و این مهدی اول که پیامبر سه نام برای او نهاده که یکی عبدالله می باشد یعنی بنده خدا و دیگری مهدی که مارا به امر مخفی امام زمان هدایت می کند و نام سوم او احمد است و باید به دنبال او باشیم زیرا که پیامبر در باره او گفته او اولین مؤمنان است. و ان در حالی است که اولین مومنان به خداوند محمد (ص) و امام علی (ع) اولین مؤمنان به اسلام است ؛ ولی منظور از گفته رسول در وصیتش این است که او اولین شخص مؤمن به ظهور امام زمان (ع) در زمان ظهور مبارکشان می باشد.

او اولین سیصد و سینزده یار امام (ع) است و یاران را برای نصرت امام جمع می کند

وعن الصادق (ع) إنه قال : ( إن منّا بعد القائم (ع) إثنا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع) ) مختصر بصائر الدرجات ص ۴۹

و از امام صادق (ع) نقل شده بعد از قائم داو ازده مهدی از فرزندان حسین می باشد  
 و اولین یار از یاران امام از بصره می باشد همنطوری که امام علی (ع) فرموده و امام  
 صادق (ع) اشاره کرده است و رسول (ص) نامش را جهت بیعت گرفتن یاد کرده  
 است (...ألا وان أولهم من البصرة وآخرهم من الأبدال ... ومن البصرة ...  
 احمد...)) بشارة الإسلام ص ۱۸۱ ، و بشارت الاسلام ص ۱۴۸

اولین یار امام از بصره ..... وانکه بصره است نامش احمد است  
 عن حذيفة بن اليمان قال : سمعت رسول الله (ص) يقول - وذكر المهدي - : ( إنه  
 يبائع بين الركن والمقام اسمه أحمد وعبد الله والمهدي فهذه أسماءه ثلاثتها ) غيبة  
 الطوسي ص ۳۰۵

و رسول اکرم (ص) میفرمایند: بین رکن و مقام با مردم بیعت میکند نامش احمد  
 و عبدالله و مهدی است و این سه نام اوست  
 الشيخ المفيد (رحمه الله) في الإرشاد عن الرضا (ع) : قال: ( كأني برايات من مصر  
 مقبلات خضر مصبغات حتى تأتي الشامات فتهدى إلى ابن صاحب الوصيات )  
 الأرشاد ص ۲۵۰ .

شيخ مفيد در ارشاد نقل از امام رضا (ع) و بیرقهای که رو کرده اند و رنگ سبز در  
 انها است می آیند تا به فرزند صاحب وصایا داده شوند را می بینم .  
 و صاحب وصایا در این زمان امام مهدی (ع) است و فرزندش مسئول دریافت  
 درفشهاست .

در کتاب غیبه نعمانی ترجمه شده ص ۲۵۴ از امام باقر (ع) خواسته شد که حصین  
 تغلبی را نصیحتی در باره فرج بدهد، امام فرمود: ان با شخص اواره رانده شده  
 یکه و تنها و جدا از خانواده که خون پدرش خواسته و ستانده نشده (حسین ع) و کنیه  
 عموی خویش را دار است (ابو الفضل ع) او صاحب پرچمهاست و نامش نام

پیامبری است ... و این شخص او را و رانده شده امام (ع) نیست بلکه یمانی مهدي اول است که بعد از اعلام حرکت فتوای قتلش را دادند.

عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر ، عن أبيه ، عن جده عليهم السلام قال : قال أمير المؤمنين (ع) - وهو علي المنبر - : يخرج رجل من ولدي في آخر الزمان أبيض اللون ، مشرب بالحمرة ، مبدح البطن عريض الفخذين ، عظيم مشاش المنكبين بظهره شامتان : شامة علي لون جلده وشامة علي شبه شامة النبي صلى الله عليه وآله ، له اسمان : اسم يخفي واسم يعلن ، فأما الذي يخفي فأحمد وأما الذي يعلن فمحمد (...). كمال الدين وتمام النعمة - الشيخ الصدوق ص ۶۵۳

امام علي (ع) می فرمایند مردی در آخر زمان خارج می شود با صورتی سفید گندم گون باشکمی فراخ و با پاهای (ران) بزرگ ... و دو خال بر بدنش می باشد یکی به رنگ بدنش و دیگری شبیه خال پیامبر اکرم و دو نام دارد نامی مخفی و نامی اشکار و آنکه مخفی است احمد و آنکه اشکار محمد (ع) ...

در این چند حدیث اهل بیت (ع) که ذکر شد نام احمد را به وضوح نام برده اند و در حدیث بعد آن را با مشخصات و صفات امام زمان آورده اند و بصورت مخفی و آنها دلایلی داشته اند، و این که يك مي خواستند او را از دشمنان زمانش مخفی دارند. انهم مخفي داشتن شخص او نه نامش و دیگر اینکه حقیقت احمد را به غیر از خود امام کسی نمی شناخت و او سر اهل بیت و سر فاطمه (ع) بود. همانگونه که فرموده اند: امرنا سر مستسر و سر لا یفیده الا سر و سر علی سر و سر مقنع بسر امرنا سر است که مستور و سری است که سری لازم دارد و سری بروی سر است و در سر دیگر پوشانده شده است ..

إن امرنا الحق وحق الحق ، وهو الظاهر وباطن الظاهر وباطن الباطن ، وهو السر و سر السر و سر المستسر و سر مقنع بالسر

واین سر که ان را فقط سر است، که ما را به ان می رساند وحق است که فقط با حق می شود شناخت... همان سر فاطمه (ع) است که در کلام اهل بیت آمده ودر ادعیه از ان نام برده میشود که می گویم خدایا به حق فاطمه و پدر و شوهر و فرزندش و سر... و ان سر فرزند امام است که به امر انها قیام می کند و خون حسین (ع) وحق اهل بیت را برای همه روشن می کند. خداوند هرچه را که بخواهد محو و هر چه را که بخواهد اثبات می کند و لوح محفوظ در نزد اوست)<sup>۱۱</sup>

امام صادق (ع) می فرمایند: خداوند به ال عمران وحی کرد که من به شما بشارت کسی را می دهم که به اذن من مرده را زنده و مریض را شفا می دهد و ان را رسول بنی اسرائیل می گردانم، و عمران ان خبر را به مادر مریم گفت و وقتی حامل شد فکر می کرد فرزند او پسر خواهد بود. ولی وقتی که وضع حمل کرد فرزندش دختر بود، و او به خداوند گفت خدایا این که دختر است... و دختر مانند پسر نمی شود- یعنی او رسول نمی شود و -خداوند فرمود من می دانم به آنچه وضع حمل کردی و وقتی مریم عیسی را دنیا آورد او همان بشارت ال عمران و وعده خدا بود- امام فرمود: پس اگر به شما گفتیم که در مردی از ما امری است و در فرزند یا فرزند فرزندش انجام گرفت ان را انکار نکنید. بحار الأنوار ج ۵۲ / ۱۲۰ / الکافی ج ۱ ص و کافی

کلام اهل بیت مانند کلام خداوند متشابه و ناسخ منسوخ دارد و انها بر هفت وجه می توانند حکم کنند واین را در کلامشان به وضوح ذکر کرده اند مانند روایت فوق و در امر قائم انها این امر کاملاً مخفی و با سر سخن گفته اند تا ان را از دشمنانش محفوظ دارند و نیز برای منتظران او مشخص و با بیان واضح و آشکار باشد و در روایاتی او را با نام کسی که از مشرق یا از خراسان خروج می کند نام برده شده، و

رسول و اهل بیت اغلب کلامشان از عربستان یا کوفه می باشد. وقتی سخن از مشرق عربستان و عراق باشد؛ منظور ایران می باشد. تا با این گونه روایات صاحب امرشان را کاملاً مخفی دارند، برای همین است که می گویند قائم با امر جدید می آید یا انصارش کسانی هستند که در عالم ذر از آنها بیعت گرفته شده .

وامام علی(ع) می فرماید: (از راه راست به خاطر کمی راهروانش وحشت نکنید یا فرموده اند: اسلام در آغاز غریب بود و همانند آغازش غریب باز خواهد گشت، پس سعادت و خوشبختی برای غریبان است)

و نیز فرموده اند: ( إذا رأیتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان فأتوها ولو حبوا علی الثلج فإن فیها خلیفة المهدی ) . الملاحم والفتن - السید بن طاووس الحسني ص ۵۲ .

:- اگر در فشهای سیاه را از سمت خراسان دیدی به سمت آنها حرکت کن گرچه برویبرف زیرا خلیفه مهدی در آن است

قال رسول الله (ص) ( یقتل عند کنزکم ثلاثة کلهم ابن خلیفة ثم لا تصیر إلی واحد منهم ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق فیقاتلوهم قتالا لا یقاتله قوم ثم ذکر شبابا فقال إذا رأیتموه فبایعوه فانه خلیفة المهدی ) بشارة الإسلام ص ۳۰

رسول اکرم(ص) می فرمایند سه فرزند خلیفه کشته می شوند و خلافت به هیچکس نمی رسد سپس در فشهای سیاه از طرف مشرق در می آیند و با آنها جنگی سخت در می افتد و در آن هنگام جوانی را یاد کرد و فرمود اگر او را دیدید با او بیعت کنید

و در این جا مشخص می شود که صاحب بیعت امام جوان می باشد و انهم از مشرق. و امام صادق می فرماید: انصار امام همه جوان هستند و کهنسالان در آنها مانند نمک در غذا می باشند 0 عصر ظهور ص 305

قال رسول الله (ص) : (يقتل عند كنزكم ثلاثة كلهم ابن خليفة ثم لا تصير إلى واحد منهم ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق ... فإذا رأيتهم فبايعوه ولو حبوا على الثلج فإنه خليفة الله المهدي) غاية المرام ج - السيد هاشم البحراني ص ۱۰۸

در این هنگام سه فرزند خلیفه کشته و یا بقتل می رسند و حکومت به هیچکس نمی رسد سبب درفشهای سیاه از مشرق بیرون می آیند... اگر امیر آنها را دیدی با او بیعت کنی اگر بر روی برف و بوران به صورت سینه خیز به سمت او بروی زیرا او خلیفه مهدی می باشد

در این روایت صاحب درفشهای سیاه از مشرق و امیر آنها همان مهدی صاحب بیعت (عبدالله احمد و مهدی) است زیرا که امام در مکه ظهور می کند نه در مشرق همانگونه که در روایات متواتر آمده است

قال رسول الله (ص) : (تجيء الرايات السود من قبل المشرق كأن قلوبهم زبر الحديد فمن سمع بهم فليأتهم فبايعهم ولو حبوا على الثلج) بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۸۴.

درفشهای سیاه از مشرق حرکت می کنند که قلبهای آنها مانند آهن گداخته می باشد اگر آنها را دیدی حتی اگر بصورت سینه خیز بر روی برف با آنها بیعت کن (قال رسول الله (ص) : لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم الحق ، وذلك حين يأذن الله (عز وجل) له ، فمن تبعه نجا ، ومن تخلف عنه هلك ، الله ، الله ، عباد الله ، فأتوه ولو حبوا على الثلج ، فإنه خليفة الله (عز وجل) وخليفتي) دلائل الإمامة الطبري ص ۴۵۲ / بحار الأنوار ج ۵۱ ص ۶۵) رسول اکرم (ص) می فرماید قیام ساعت برپا نمی شود تا زمانی که قائم قیام کند و آن زمان که خدا به او اجازه دهد هر کس از

او تبعیت کرد نجات یافت و هرکس تخلف کند هلاک می شود و بطرفش بروید حتی اگر سینه خیز بروی برف زیرا او خلیفه خدا و خلیفه من می باشد.

خوانندگان خوب به این روایت و روایات قبل توجه داشته باشید که مراد از قائم در این روایت امام مهدی (ع) نمی باشد بلکه قائم به امرشان و امر رسول اکرم؛ مهدی اول همان احمد و عبدالله است زیرا در روایت اهل بیت (ع) منظور از قیام ساعت امام مهدی (ع) است و او قبل از امام قیام می کند تا زمینه ساز ظهور قائم اهل بیت امام زمان (ع) باشد به این روایت توجه کنید عن المفضل بن عمر قال : سألت سيدي الصادق عليه السلام هل للمأمول المنتظر المهدي عليه السلام من وقت موقت يعلمه الناس ؟ فقال : حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا ، قلت : يا سيدي ولم ذاك ؟ قال : لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى : " (يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ) (الأعراف: ١٨٧) ، وهو الساعة التي قال الله تعالى (يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا) (النازعات: ٤٢) وقال (عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ) ولم يقل إنها عند أحد وقال (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ) (محمد: ١٨)

وقال (اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ) (القمر: ١) ، وقال (وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا) (الأحزاب: ٦٣) (يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ) (الشورى: ١٨) (بحار الأنوار - العلامة المجلسي ج ٥٣ ص ١ ،

از امام صادق (ع) پرسیدم که آیا برای امام منتظر وقتی معلوم می باشد و امام فرمود خیر خدا وقت ظهور را برای شیعیانش مشخص نمی کند زیرا او همان ساعت



است که خداوند در باره ان می فرمایند از تو در باره قیام ساعت سوال می شود بگو که علمش نزد خداوند است و فقط وقتش ان را جلا میدهد وان بر اسمانها وزمین سنگینی میکند و در یک لحظه پدیدار می شود (واز تو سوال می شود تو از ان خبر داری بگو علمش نزد خداوند است و بیشتر مردم از ان بی خبر هستند) (واو همان ساعت است که از در کلام خدا آمده است و نیز می گوید علم ساعت دست من است و نگفت دست کسی غیر از من می باشد ایا نگاه نمی کنید که امر ساعت انی و در لحظه ای می آید و اشراط ان (او مر ان) آمده اند و نیز می فرماید که قیام ساعت نزدیک است و ماه دو نیم شد ...

: لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم الحق - ساعت (قیام ان امام مهدی (ع) است) قیام با شمشیر را انجام نمی دهد تا قبل از او قائم به حقش قیام کند ، و یاران امام را جمع نماید زیرا او اولین انصار امام است که از اهل بصره حرکتش را از نجف شروع می کند و یارانش در ایران جمع میکند (درفشهای سیاه و گنج های طالقان) تا زمینه نبرد امام زمان (ع) علیه کفر و سفیانی را محیا کند....

اما فرموده : فانه خليفة الله (عز وجل) وخليفتي - یعنی او اولین مومنان به ظهور امام و جانشین و خلیفه او می باشد او نیز همانند امام علی (ع) که اولین مومنان به رسول اکرم و فرمانده و جانشین و خلیفه رسول اکرم بود؛ و حضرت مهدی (ع) تجلی خورشید یا محمد (ص) در زمان ما میباشد و احمد تجلی امام علی (ع) یا وصی و ماه زمان ما است و این شخص از اهل بیت رسول اکرم است که خدا در مورد انها می فرماید (اذهب عنکم الرجس اهل البیت و طهرکم تطهیرا) و او نیز از فرزندان و ذریه امام حسین (ع) می باشد

ذَرِيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - انها را فرزندان از فرزندان دیگرند -

امام صادق(ع) فرمود: از نسل ما بعد از قائم(ع) دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) می باشند. (بحار، ج ۵۳، ص ۱۴۸، برهان ج ۳، ص ۳۱۰، غیبه شیخ طوسی ص ۳۸۵).

عن الهیثم بن عبد الرحمن حدثني من سمع عليا (ع) يقول (...ويخرج قبله رجل من أهل بيته بأهل الشرق ويحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر ...) الملاحم والفتن - السيد بن طاووس ص ۶۶ واز امام علی (ع) نقل شده: مردی قبل از او از اهل بیت اش با اهل مشرق خروج می کند و شمشیر بدست هشت ماه قبل از او قیام می کند

وفي مخطوطة ابن حماد (يدخل السفیاني الكوفة فيسببها ثلاثة أيام، ويقتل من أهلها ستين ألفا، ثم يمكث فيها ثمانية عشرة ليلة. وتقبل الرايات السود حتى تنزل على الماء، فيبلغ من بالكوفة من أصحاب السفیاني نزولهم فيهربون. ويخرج قوم من سواد الكوفة ليس معهم سلاح إلا قليل منهم، ومنهم نفر من أهل البصرة. فيدركون أصحاب السفیاني فيستنقذون ما في أيديهم من سبي الكوفة. وتبعث الرايات السود بالبيعة إلى المهدي) عصر الظهور - الشيخ الكوراني ص ۱۲۵.

سپس سفیانی وارد کوفه می شود و سه روز در انجا به غارت می پردازد و هیجده روز در ان باقی می ماند در این هنگام در فشهای سیاه رو کرده تا وارد اب شوند؛ و اهل کوفه خبردار می شوند و سفیانی با یارانش فرار می کنند، و قومی از سیاهی لشکرها که با انها سلاحی نیست و یک نفر از اهل بصره با انهاست به کمک اهل کوفه می شتابند و انهای که از سپاه سفیانی مانده اند را فراری می دهند و درفشهای سیاه برای گرفتن بیعت از امام حرکت می کند.

عن جابر عن أبي جعفر (ع) قال: ( تنزل الرايات السود التي تقبل من خراسان الكوفة فإذا ظهر المهدي بمكة بعث بالبيعة إلى المهدي) كتاب الفتن - نعيم بن حماد المروزي ص ۱۹۸.

واز ابی جعفر (ع) درفشهای سیاه که از خراسان آمده اند وقتی در کوفه پیاده شده اند اگر مهدی در مکه ظهور کرد جهت گرفتن بیعت بسمت مهدی می فرستد.

عن أبي جعفر (ع) قال (... ثم يخرج من مكة هو ومن معه الثلاثمائة وبضعة عشر يباعدونه بين الركن والمقام ، معه عهد نبي الله (ص) ورايته ، وسلاحه) البحار ج ۵۲ ص (۲۲۳)

از امام صادق (ع) نقل شده که سپس از مکه خروج می کند او و یارانش که سیصد و سیزده نفر هستند با او بیعت می کنند و او پرچم و سلاح و عهد رسول اکرم را دارد.

وسلاح و عهد رسول\_ همان قانون معرفت است که احمد الحسن (ع) فرموده و هر سه را دارد یعنی علم که همان سلاح رسول اکرم است دوم عهد که وصیت رسول اکرم است و پرچم لا اله الا الله یا حاکمیت خلیفه خدا بر زمین است و هر سه را سید احمد یما نی داراست و کسی که بین رکن و مقام بیعت می کند سه نام دارد (احمد عبدالله و مهدی).

عن أمير المؤمنين (ع) (يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث بن حراث علي مقدمته رجل يقال له المنصور ، يوطن أو يمكن لآل محمد كما مكنت قریش لرسول الله صلى الله عليه وسلم ، وجب على كل مؤمن نصره ، أو قال إجابته) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) - الكوراني ج ۱ ص ۳۹۴.

وامام علي (ع) نقل کرده مردی از پشت نهر (ما وراء نهر دجلة والفرات) خارج می شود که به او حارث بن حرث می گویند و در مقدمه او مردی است که به او منصور

می گویند برای اهل بیت رسول تمکین می کند همانگونه که قریش برای رسول تمکین داد و واجب است بر کل مؤمنان به او کمک کنند یا اجابتش کنند. و این امر کاملاً بر کلیه مسلمانان واضح است زیرا که رسول اکرم ان را بر همه واجب کرده گرچه سینه خیز در برف و بوران و این کلام از رسول (ص) بصورت صیغه امر است.

عن أبي جعفر (ع) قال قال لي يا أبا الجارود إذا دار الفلك<sup>۱۲</sup> و قالوا مات أو هلك و بأي واد سلك و قال الطالب له أنى يكون ذلك و قد بليت عظامه فعند ذلك فارتجوه و إذا سمعتم به فأتوه و لو حبوا على الثلج (غیبة النعمانی ص ۱۵۴)

اگر کشتی برگشت و و اختلاف بین شیعیان بالا گرفت و گفتن مرده یا به هلاکت رسیده و یا چیزی از استخوانهایش نمانده او را طلب کنید و اگر ازان شنیده اید به طرفش بروید حتی اگر بروی برف باشد...

یمانی دست راست امام زمان (ع)

همانگونه که معلوم شده و آنکه اهل بیت (ع) ما را به سمت یک راه و هدف مشترک و فرمانده ای یک درفش انهم یمانی که از مشرق زمین یا خراسان ایران حرکت میکند هدایت می کنند و این شخص یمانی و زیر و دست راست امام مهدي (ع) می باشد. مانند روایت ذیل:

أتاح الله لأمة محمد برجل منا أهل البيت يشير (يسير) بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشا . والله إني لاعرفه باسمه واسم أبيه ثم يأتينا الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين القائد العادل الحافظ لما استودع يملأها عدلاً وقسطاً كما ملأها الفجار جوراً وظلماً) بحار الأنوار ج ۲۵ ص ۲۶۹.

۱۲ - اختلاف شیعه بین هم را در کلام رسول برگشت کشتی (سفینه نجات) می داند .

امام صادق (ع) فرمود: خداوند انرا به مردی از اهل بیت ارزانی می دارد که روش او بر اساس تقوا و عمل وی هدایتگری مردم است در مقام حکم بر مردم اهل رشوه نیست بخدا قسم من او و نام پدرش را می دانم (یمانی از اهل بیت) ... انگاه ان مرد تنومند متعادل در اندام که دارای دو خال بر صورتش است می اید او پیشوای عادل که حافظ و نگهبان آنچه که نزد او ودیعه گذاشته شده است می باشد دنیا را پر از عدل و داد میکند همانگونه که پراز ظلم و جور شده است

قال أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة : ( لا بد من وجود رحى تطحن فإذا قامت على قطبها وثبتت على ساقها بعث الله عليها عبداً عنيفاً خاملاً أصله يكون النصر معه أصحابه الطويلة شعورهم أصحاب السبال سود ثيابهم أصحاب رايات سود ويل لمن ناوهم يقتلونهم هرجاً والله لكأني أنظر إليهم وإلى أفعالهم ومايلقى الفجار منهم والأعراب الجفافة يسلطهم الله عليهم بلا رحمة فيقتلونهم هرجاً على مدينتهم بشاطئ الفرات البرية والبحرية جزاء بما عملوا وماربك بظلام للعبيد ) غيبة النعماني ص ۲۶۵ .

امام علي مي فرماید: باید اسبابی به گردش در اید و خرد کند و چون بر محور و پایه استوار شد خداوند بنده ای بی گذشت و سنگدل (نسبت به کفار) که اصل و نسب او مشخص و معلوم نیست<sup>۱۳</sup> را بر انگیزد که پیروزی با اوست و یارانش

۱۳ - در کتاب روشنگریهای از داستان حضرت یوسف (ع) می بینیم که چگونه یوسف (ع) بعد از اینکه او را از چاه بیرون می آورند و بعنوان برده وارد مصر شد و به او اتهام فحشا زده شد و به زندان رفت از داخل زندان بدون اینکه او را بشناسند؛ خود را از سلاله اطهار انبیاء ، اسحاق و یعقوب و اسماعیل و ابراهیم (ع) معرفی می کند... این سنت امروز با قائم به امر اهل بیت (ع) یوسف زمان یمانی انها باز گشته. و او نیز فعلاً کسی اصل و نسب اش را نمی شناسند و با شبه ظاهر می شود تا اشکار گردد... خود را از اهل بیت معرفی کرد و برای پدرش امام مهدی (ع) تمکین را می خواهد انهم با جمع اوری یارانش همانگونه که مسلم ابن عقیل یاران امام حسین (ع) را جهت بیعت جمع می کرد...

دارای موهای بلند و جامه های آنها سیاه وای بر کسی که با آنها دشمن باشد او را بی درنگ خواهند کشت به خدا قسم او را می بینم چگونه بد کاران و ستمگران و اعراب را که چه بلای از او می بینند و آنها را در شهر های خود بر کنار فرات در ساحل و بیابان با بی رحمی می کشند و پروردگار با بندگانش ستمکار نیست.

عن أبي عبد الله (ع) في قول الله تعالى : (وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ) قال : قتل علي بن أبي طالب (ع) وطعن الحسن (ع) (وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا) قال : قتل الحسين (ع) (فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا) فإذا جاء نصر دم الحسين (ع) (بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ) قوم يبعثهم الله قبل خروج القائم (ع) فلا يدعون وتراً لآل محمد إلا قتلوه (وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا) خروج القائم (ع) ... - الحديث -) الكافي ۸۲۵۰.

امام صادق (ع) و بر بني اسرائيل حکم کردیم که در زمین دو بار فساد می کنید امام فرمود قتل امام علی (ع) و مسموم کردن حسن (ع) - (و لتعلون کبیرا) - فرمود : قتل حسین (ع) - و اگر وعده امر اول ما آمد - فرمود : - همان نصرت خون حسین آمد - (بندگان با قدرت فراوان و قوی در سرزمینها برای آنها می فرستیم) - فرمود قومی قبل از قیام قائم هستند که هر دشمنی از آل رسول را دیدن او را می کشند (وان وعده حتمی است) - فرمود : خروج قائم می باشد

وعن أمير المؤمنين (ع) قال : (المهدي أقبل جعد بخره حال يكون مبدؤه من قبل المشرق وإذا كان ذلك خرج السفیاني ...) غيبة النعماني ص ۳۱۶  
امام علي (ع) فرمود: مهدی رو می کند و در گونه او خالی است و آغاز حرکتش از مشرق می باشد.

وقول أمير المؤمنين (ع) : (...إنکم ان أتبعتم طالع المشرق سلك بکم مناهج الرسول (ص)

و فرمود: اگر شما کسی را که از مشرق اید دنبال کنید؛ شما را به روشنائی راه رسول اکرم هدایت می کند

وعن كعب الأحبار قال : ( ... وأقبل رجل من المشرق برايات سود صغار قتل صاحب الشام فهو الذي يؤدي الطاعة إلى المهدي (ع) ) المهدي الموعود المنتظر باب ۳۰ ص ۳۲۸ .

... مردی از مشرق با درفشهای سیاه کوچک صاحب شام (سفیانی) را به قتل می رساند او همان کسی است که طاعت امر امام مهدی را دارد

يخرج رجل من ولد الحسين من قبل المشرق لو استقبلته الجبال لهداها واتخذها طرقاً ( الملاحم والفتن باب ۷۵

و نیز: مردی از فرزندان حسین از سمت مشرق خواهد آمد اگر کوه ها در برابرش باشد انها را هموار خواهد ساخت و بعنوان مسیر استفاده می نماید

فأخذ النبي (ص) بيد العباس وبيد علي فقال: سيخرج من صلب هذا فتى يملأ الأرض جوراً وظلماً وسيخرج من هذا (أي علي - ع-) فتى يملأ الأرض قسطاً وعدلاً فإذا رأيتم ذلك فعليكم بالفتى اليمني فإنه يقبل من المشرق وهو صاحب راية المهدي) المهدي المنتظر الموعود باب ۲ ص ۱۰۷، رسول اکرم (ص) دست عباس و علي (ع) را گرفت و فرمود مردی از این (عباس) زمین را پر از ظلم و جور می کند و از فرزند این یعنی علی (ع) زمین را پر از عدل و داد می کند اگر چنین شد شما به سمت جوان یمنی (یمانی) که از سمت مشرق می اید و صاحب درفش مهدی است بروید.

در این حدیث رسول اکرم برای ما روشن می کند که یمانی از مشرق زمین که همان ایران و مرکز حرکت درفشهای سیاه است هدایت می کند و امر بر طاعت او می کند زیرا او صاحب درفشها و وزیر امام و دست راست اوست و خداوند می فرماید:

(لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا) (و اگر خدای دیگر در آن بود فاسد می شد) همانگونه که در کل زمان و مکان خلیفه و حجت خدا یکی است و رسول در هر زمان یکی است و حتی امامان ما با وجود دو امام در مکانی واحد یکی حجت بر دگر بود؛ و امر امامت از فرزند به فرزند بعد از او خواهد رسید. حتی امام زمان (ع) نواب خود را یکی بعد از یکی ارسال می کرد با وجود اینکه شیعیان او در سرزمینهای مختلف بودند مانند عثمان بن سعید ابن روح با داشتن و کلاء در شهرهای مختلف بعد از خود فرزندش را به دستور امام جانشین خود کرد... ولی در زمان ما هر شهر و کشوری برای خود امامی منصب کرده و از سنت اهل بیت دور شدند و هر یک امام منصب خود را نایب امام زمان می داند و آنها شیعه را به فرقه های کوچک تقسیم کردند و هر یک خود را از دیگری بهتر می داند و کار بدان جا رسید که هر قوم خود را بر دیگری برتر می داند و به تکذیب و قتل همدیگر حکم دادند... و آن را در عراق دیدیم و اگر آنها واقعا از امام زمان پیروی می کردند اینگونه حال و روزشان بود.

و ایا اهل بیت (ع) ما را به پیروی از چند رایت و درفش کرده اند و اگر درفش و پرچمدار یکی است پس اینهمه تنافس بین همدیگر برای منصب و قدرت چیست و این همه خلاف یک دیگر رای دادن آنها برای چه و امیر مومنان (ع) در حدیثی از کتاب بحار ج 10 ص 89 می فرمایند که برای ما یک درفش و پرچم است هرکس از آن بماند هلاک شد و هرکس به سمت آن حرکت کرد پیروز شد و هرکس به آن تمسک جست نجات یافت

و رسول اکرم در کتاب دلائل امامه طبری ص 445 فرموده:-



خداوند برای ما پرچمی یا درفشی از مشرق می فرستد هرکس به آن کمک کند خدا کمکش می کند و هر کس با او شقاوت کند شقی می ماند سپس مردی به سمت آن می آید که نامش مانند نام من و اخلاقش مانند اخلاق من می باشد تا زمانی که اهل بیت ما را به پیروی از یک رایت میکنند آیا می شود آن را برای ما با وضوح کامل معرفی نکنند!!! با کمی دقت در روایات اهل بیت می بینیم که او را با نام ومسکن ومسیر حرکت آن و اینکه از کجا و به کجا و حتی با نام بردن اسم انصارش و دشمنانش؛ کاملاً امرش را برای همه روشن کرده اند.

و در این روایت آمده حتی شعار آنها ی که از مشرق و خراسان می آیند گفته شده است که آنها به دنبال فرمانده و وزیر امام (ع) هستند: از امام صادق (ع) در کتاب بحار ج 53 ص 15) که میفرمایند - بعد از آن جوان حسنی از سمت کوه های دیلم خارج می شود و با صدای رسا می گوید ای ال احمد (انصار احمد) به کمک شخصی که در ضریح دعای کمک می خواهد را جواب دهید که گنجهای طالقان و چه گنجهای طلا و نقره نیستند بلکه مردانی با دلهای آهنین به سمتش حرکت می کنند .

و در روایتی که از امام باقر نقل شده: که برای خدای تعالی گنجی در طالقان است نه طلاست و نه نقره بلکه دوازده هزار نفر در خراسان اند که شعارشان «أحمد ..أحمد» است. و رهبر آنها جوانی از بنی هاشم سوار بر قاطری سپید رنگ است و پیشانی بندی قرمز رنگ بر پیشانی بسته است، گویی به او می نگرم که از رود فرات هم می گذرد اگر دعوت او را شنیدید بسوی او بشتابید حتی اگر مجبور باشید سینه خیز بر روی یخها حرکت کنید. (منتخب الانوار المصیئه، ص ۳۴۳)

احمد نام یمانی و مهدی اول یا دست راست امام مهدی است، و حتی صیحه اسمانی بنام یمانی و احمد بن عبدالله می باشد. در کتاب ملاحم و فتن، تألیف

سید بن طاووس حسنی ص ۲۷ آمده است: امیر غضب نه از این و نه از آن است بلکه آنها صدائی می شنوند که نه انسانی آنرا گفته و نه جن: که بیعت کنید فلان را] و او را به نامش می خواند [نه از این است نه از آن بلکه او خلیفه ای یمانی است].  
و در همین کتاب شریف ص ۸۰ آمده: نه از این و نه از آن بلکه او خلیفه ای یمانی است.

ألا أيها الناس إن الله اقطع عنكم مدة الجبارين والمنافقين وأشياعهم ووليكم خير أمة محمد (ص) فالحقوا بمكة فانه المهدي واسمه أحمد بن عبد الله ودر ملاحم والفتن ص ۱۴۱

ندا سر می زند... ای مردم خداوند مدت حکومت جبارین و منافقین و اتباع آنها را قطع کرده است و ولی شما بهترین امت محمد (ص) است به او در مکه ملحق شوید او مهدی است و نامش احمد ابن عبدالله.

شخصیت احمد (ع) که از ذریه امام (ع) می باشد و حرکت او مانند ابتدا حرکت رسول اکرم (ص) می باشد. آغاز حرکتش مانند سنت رسول اکرم با غربت است او نیز بصورت مخفی دعوتش را آغاز کرد و تا اکنون نیز بصورت مخفی است زیرا اکثر علماء و حکام عراق دعوتش را تکذیب کردن و با وجود داشتن ادله فراوان که همان ادله است که اهل بیت را با ان ثابت می کنیم احمد (ع) را ثابت می کند؛ همه او را تکذیب کرده اند بدون هیچ دلیل بلکه همان چیزهای را که به رسول اکرم (ص) نسبت داده اند به سید یمانی نسبت داده اند. و ان کاذب درغگو ساحر و این همان کلامی است که به پیامبران قبل گفته شده.

شخصیت احمد (ع) را سلمان فارسی (رح) به هنگام عبور از کوفه اینگونه یاد می کند که بعد از شمردن بلاها و اتفاقاتی که در عراق و کوفه می افتد و می گوید ... از حکومت بنی امیه یاد می کند سپس گفت هر گاه اینگونه شد بروی گلیم خانه هایتان

بنشینید تا ان پاک فرزند پاک و پاکیزه مطهر صاحب غیبت و فراری بیاید (غیبه طوسی ص 163)

فراری متواری احمد است که فرزندان پاک و پاکیزه امام مهدی (ع) است و اکنون در عراق تمام دولت عراق و علماء بی عمل و امریکا و یهود به دنبالش هستند ، ولی خدا او را مانند حضرت موسی (ع) حفظ خواهد کرد.

ولی در مورد اینکه غیبتی دارد امام علی (ع) به هنگام فکر کردن به شخصیت او و اینکه چگونه بخواهد در آن زمان حقیقتش را برای مردم زمانش آشکار کند . به فکر رفته و ابن نباته به او می گوید شما را چه شده ایا در مورد دنیا مشغول اید و امام بعد از قسم خوردن به خداوند متعال به او می گوید خیر هرگز به دنیا فکر نکردم ولی فکر مشغول فرزندی از ذریه فرزند یازدهم من می باشد او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند (به امر پدرش ) بعد از اینکه پر از ظلم و جور شود و برای او غیبت و حیرتی است که در آن قومی هدایت می شوند و قومی گمراه . پرسیدم که این غیبت و حیرت چقدر طول می کشد فرمود شش روز و ، یا شش ماه ، یا شش سال ، می باشد.

امام مهدی (ع) فرزند یازدهم امام علی (ع) می باشد که امام دوازدهم است ولی امام علی (ع) مشغول فکر کردن به فرزندی از ذریه یازدهمین فرزندم (امام مهدی) ... و او فرزند امام زمان می باشد و او قبل از امام میاید و او همان احمد مذکور در وصیت رسول اکرم است و نیز داری غیبتی می باشد ولی غیبت او یک دوره است و ان را امام علی (ع) ذکر میکند، و امام زمان (ع) دو غیبت دارد ... واصل این روایت در کتب معتبر موجود می باشد .

(غیبه طوسی ص 1159) الأصبغ بن نباته قال : (أتیت أمير المؤمنين (ع) فوجدته ينكت في الأرض فقلت له يا أمير المؤمنين مالي أراك مفكراً تنكت في الأرض أرغبة

منك فيها قال : لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا قط ولكنني تفكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي هو المهدي الذي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً يكون له حيرة وغيبة تضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون قلت : يامولاي فكم تكون الحيرة والغيبة قال : ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين فقلت : وإن هذا الأمر لكائن فقال : نعم كما أنه مخلوق وأنى لك بهذا الأمر يا أصبغ أولئك خيار هذه الأمة مع أبرار هذه العترة قال : قلت : ثم ما يكون بعد ذلك قال يفعل الله ما يشاء فإن له بداءآت وإرادات وغايات ونهايات) غيبة الطوسي ص ۱۱۵ -

۱۱۶

واين حقيقت احمد را كسى جز امام زمان(ع) نمى داند زيرا كه و او همان سر فاطمه(ع) است كه در تمام كتب واديان الهى از او ياد شده  
سر فاطمه (ع) يا (عدد 13)

در كتاب غيبه طوسى ص 139 آمده: نقل از امام باقر(ع) از جابر بن عبدالله انصارى كه

قَالَ دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ (ع) وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عِ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ كَافِي ج 1 ص 533

جابر ابن عبدالله انصارى گفت وارد شدم بر فاطمه (ع) و در دست او لوحى بود كه در ان اسم اوصياء از فرزندان در ان نوشته شده بود و انها را شمردم كه دوازده اسم بودند؛ سه تا از انها محمد و سه تا على ، اخر انها قائم (ع) نوشته شده بود.

با توجه به اين كه اسم فرزندان فاطمه در اين لوح است ، على (ع) از فرزندان او نيست و سه نام على ياد شده - يعنى على سجاد و على رضا و على نقى (ع) و سه نام محمد كه محمد باقر محمد تقى محمد ابن الحسن عسكري(ع) است - كه با ديگر ائمه اگر بشماريم تا امام محمد ابن حسن(ع) يازده وصى از فرزندان

فاطمه (ع) می شوند، و وصی دوازدهم همان احمد مذکور در وصیت رسول (ص) است که قائم به امر اهل بیت (ع) است

در روایت بعدی نیز به همین نحو آمده که

علي (ع) إن لهذه الأمة اثني عشر إمام هدى من ذرية نبيها ، وهم مني غيبة طوسی

154

از امام علی (ع) آمده که برای این امت دوازده امام هادی از ذریه رسول اکرم (ص) است و آنها از من می باشند . دوازده امام از امام علی (ع) می باشند

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) : يَقُولُ الْإِثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلِّهِمْ مُحَدَّثٌ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ وُلْدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَرَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيٌّ (ع) هُمَا الْوَالِدَانِ كَافِي ج 1 ص 534

(واز امام باقر (ع) نقل شده دوازده امام از آل محمد همه محدث هستند از فرزندان رسول اکرم و فرزندان امام علی ابن ابیطالب (ع) و رسول اکرم و علی هردو پدران این امامان هستند

عن أبي جعفر (ع) قال : (قال رسول الله (ص) إني واثني عشر من وُلدي و أنت يا عليُّ زُرُّ الأَرْضِ يَعْنِي أَوْتَادَهَا وَجِبَالَهَا بِنَا أَوْتَدَ اللَّهُ الأَرْضَ أَنْ تَسِيخَ بِأَهْلِهَا ، فَإِذَا ذَهَبَ الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ وُلْدِي سَاخَتِ الأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يُنْظَرْ وَ كَافِي ج 1 ص 535 و

رسول اکرم (ص) فرمود: من و دوازده فرزندم و تو ای علی عمود و ثبات کننده زمین و کوه ها هستیم و با ما خداوند زمین را ثابت کرد تا اهلش را از بین نبرد و اگر دوازدهمین از فرزندم از بین برود زمین نیز از بین خواهد رفت

و عن أبي جعفر (ع) قال : (إن الله أرسل محمدا (ص) إلى الجن والإنس وجعل من بعده اثني عشر وصيا ، منهم من سبق ومنهم من بقي وكل وصي جرت به سنة ، والأوصياء الذين من بعد محمد (ص) على سنة أوصياء عيسى ، وكانوا اثني عشر ،

وكان أمير المؤمنين (ع) على سنة المسيح كافي ج 1 ص 534 وعن أبي جعفر (ع) واز امام صادق نقل شده : که

از امام صادق (ع) خداوند رسول اکرم (ص) را برای جن وانسانها فرستاد و بعد از او دوازده وصی قرار داد از آنها کسی است که رفته (شهید شده یا به قتل رسیده) و کسی از آنها که هنوز نیامده و هر وصی سنتی دارد. و اوصیاء بعد از محمد مانند سنت اوصیای عیسی که (دوازده حواریون) می باشد هستند و وامیر المومنین سنتش مانند سنت مسیح است.

( قال رسول الله (ص) : من ولدي اثنا عشر نقيبا ، نجباء ، محدثون ، مفهمون ، آخرهم القائم بالحق يملأها عدلا كما ملئت جورا ج 1 ص 534

رسول اکرم (ص) فرمود از فرزندانم دوازده نقیب و نجیب محدث و عالم می باشد اخر آنها قائم به حق است که زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده ، و رسول می فرمایند فرزندانم درحالی که علی فرزند او نیست و در کتاب غیبه طوسی ص 53 از امام صادق (ع) نقل شده که فرج از هفتمی از فرزندانم می باشد و امام صادق امام ششم می باشد که با هفت امام دیگر می شود سیزده وصی و در ادامه همین بحث شیخ طوسی ادامه می دهد که منظور از این روایت از خود امام است و ما نیز این را می گویم اگر احتمال را وارد کنیم باید این روایت را ساقط کنیم ...

از امام موسی کاظم (ع) در همان کتاب غیبه ص 166 نقل کرده که اگر پنجمین امام از فرزند هفتم غایب شد شما را به دیتان متوجه می کنم زیرا لابد برای او غیبتی است تا از این امر بیرون شود هرکه ادعای ان را می کند ای فرزند این امتحانی است از طرف خدا تا خلق را با ان امتحان کند و اگر پدرانان دینی از این بهتر را می دانستن دنبال می کردن گفتند این پنجمی از فرزند هفتم کیست فرمود

ای فرزند عقل شما در آن کوچک می شود و خوابهایتان اشفته می شود از حمل آن ولی اگر در آن زمان مانند آن را درک خواهید کرد...

اگر توجه کنید از فرزند هفتمی امام رضا(ع) یعنی امام هشتم و پنجمی از او می شود سینزده که همان احمد است و یکی از ادله اثبات حقانیتش خوابهای صادقه می باشد و امام رضا(ع) ضامن قضیه اوست زیرا انصارش از خراسان هستند

و در کتاب غیبه طوسی ص 164 و غیبه نعمانی نسخه ترجمه شده ص 267 از امام صادق(ع) تفسیر ایه فاذا نقر فی الناقور سور مدثر سوال شد و فرمود که هنگامی که در صور دمیده شد . همانا از ما اهل بیت امامی پوشیده خواهد بود و هنگامی که خداوند عز ذکرة اراده نماید امر او را اشکار نماید به دل او نکته و پدیده ای می اندازد پس اشکار گشته و به امر خدای عز وجل به پا خواهد خاست .

در محاجه ای که بین علمای یهود با امام علی(ع) شد به او گفته اند که شما بعد از وفات پیامبر به چندین فرقه تقسیم شدید ؟ و امام اینگونه جوابش را می دهد که علاقه خاصی به وصی سینزده که اسمش در وصیت آمده شده است و آن روایت به این نحو است

عن أمير المؤمنين ( صلوات الله عليه ) يقول لرأس اليهود : علي كم افترقتم ؟ فقال : علي كذا وكذا فرقة . فقال علي (ع) . كذبت يا أبا اليهود : ثم أقبل على الناس فقال : والله لو ثبت لي الوسادة لقضيت بين أهل التوراة بتوراتهم ، وبين أهل الإنجيل بإنجيلهم ، وبين أهل الزبور بزبورهم ، وبين أهل القرآن بقرآنهم . أيها الناس ، افترقت اليهود على إحدى وسبعين فرقة ، سبعون منها في النار ، وواحدة ناجية في الجنة ، وهي التي اتبعت يوشع بن نون وصي موسى (ع) ! وافتترقت النصارى على اثنتين وسبعين فرقة ، إحدى وسبعين في النار ، وواحدة في الجنة ، وهي التي اتبعت شمعون وصي عيسى (ع) ، وستفترق هذه الأمة على ثلاث

وسبعين فرقة، اثنتان وسبعون فرقة في النار، وفرقة في الجنة، وهي التي اتبعت وصي محمد(ص) وضرب بيده على صدره، ثم قال ثلاث عشرة فرقة من الثلاث والسبعين كلها تتحل مودتي وحببي، واحدة منها في الجنة وهم النمط الأوسط، واثنان عشرة في النار) الأماي - الشيخ الطوسي ص ۵۲۴ .

و امام(ع) به رئيس يهوديان می گوید شما به چند فرقه تقسیم شدید؟ گفت به اینقدر یا اینقدر . و امام به او گفت دروغ می گوی سپس به مردم رو کرد و فرمود به خدا قسم اگر می خواستم و امر در دستم بود با اهل تورات با توراتشان و اهل انجیل با انجیلشان و اهل زبور با زبورشان حکم می کردم، و بین اهل قران با قران شان ای مردم ، یهود به هفتادویک فرقه تقسیم شد هفتاد فرقه در آتش و یک فرقه نجات یافت و از اهل بهشت است و آن فرقه ای است که از وصی او یوشع بن نون پیروی کرد و نصارا به هفتاد و دو فرقه تقسیم شد هفتاد و یک فرقه در آتش و یک فرقه نجات یافت و وارد بهشت می شود انهم فرقه ای که از وصی عیسی (ع) شمعون پیروی کرد و امت محمد(ص) به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شود هفتاد و دو فرقه وارد جهنم می شوند و یک فرقه وارد بهشت می شود و آن فرقه ای است که از وصی محمد(ص) پیروی کند سپس با دستش بر سینه خود زد و فرمود سینزده فرقه از هفتاد و دو فرقه مودت و محبت من را دارند یکی از آنها وارد بهشت می شود و آنها امت وسط می باشند و بقیه به جهنم می روند....

از این روایت می بینیم که همیشه حق با اهل وصیت است و آنها پیروز هستند ولی در این روایت تقسیم فرقه ها بصورت تدریجی از ۷۱ فرقه به ۷۲ فرقه و در اسلام ۷۳ فرقه تقسیم شده اند علت آن چیست؟ می بینیم که در این فرقه ها هر وصی که بیاید عده ای با وصی قبل می مانند و تا در امتحان وصی بعد از او باقی بمانند تا امر به وصی دوازدهم می رسد دیگر افراد نیز در این امتحان شرکت می کنند و شاید



با او بمانند. ولی در دین مذهب شیعه چرا امام گفت سینزده فرقه محبت من را دارند یک فرقه نجات پیدا می کند و انهم امت وسط می باشد و انها بعد از امام می آیند برای حل این روایت به تقسیم فرقه های قبل از ان می پردازیم

بعد از هر پیامبر 60 فرقه وصی اول را تکذیب می کنند و مثلاً در زمان موسی (ع) اوصیاء او دوازده نفر بودن ولی هارون وصی اول او قبل از موسی فوت کرد و فرقه های بعد از او با هر وصی دیگر به 11 فرقه تقسیم شدند که با 60 فرقه اول می شوند 71 فرقه یعنی موسی بعد از فوتش 11 وصی داشت که 70 فرقه در آتش و یک فرقه پیروز شد انهم فرقه ای که از آخرین وصی او یوشع تبعیت کرد و انها نجات یافتگان هستند

اما عیسی (ع) 12 وصی داشت که 60 تا فرقه بعد از عیسی (ع) وصی او را تکذیب کردن و بعد از او 12 وصی او با هر وصی قبلی عده ای می مانند و فقط یک فرقه نجات یافت و 71 فرقه در آتش اند و یک فرقه پیروز شد و انها کسانی بودند که از آخرین وصیش شمعون پیروی کردند

ولی در اسلام بعد از فوت رسول (ص) بعد از 60 فرقه تکذیب کننده امام علی (ع) 13 فرقه ماندن که 12 تای انها محبت و مودت امیر المومنین را داشتن ولی فرقه 13 پیروز است انهم بعلت پیروی از آخرین وصی و یا سینزدهمین انها، همان احمد یمانی و صاحب امت وسط می باشد زیرا که احمد بین مهدین و امامان می باشد و بعضی روایات همانگونه که ذکر شد او را از ائمه می خوانند و بعضی هم او را از مهدین. و امت او امت وسط می باشد.

اما در مورد اینکه امتها به چند فرقه بعد از وفات رسول و نبی در هر زمان بعد از تکذیب وصی اول به این روایت توجه کنید

ورد عن النبي (ص) انه قال: (ستفترق هذه الأمة على ثلاث و سبعين فرقة كلها هالكة إلا واحدة و تفرق الواحدة إلى اثني عشرة فرقة كلها هالكة إلا واحدة) الصراط المستقيم ج ۲ ص ۱۰۱ .

از رسول اکرم (ص) نقل است که این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شود همه در جهنم می باشند الا یکی و آن فرقه بر سینزده فرقه تقسیم می شود همه در جهنم هستند الا یکی .

ومنها ما ورد عن عليّ (ع) انه قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ( سَتَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَالْبَاقُونَ هَالِكُونَ وَالنَّاجُونَ الَّذِينَ يَتَمَسَّكُونَ بِوَلَايَتِكُمْ وَيَقْتَبِسُونَ مِنْ عِلْمِكُمْ وَ لَا يَعْمَلُونَ بِرَأْيِهِمْ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ) وسائل الشيعة ج ۶ ص ۴۹ باب عدم جواز القضاء و الحكم بالرأي

و از امیر المومنین (ع) نقل شده که پیامبر فرموده اند که امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شود یک فرقه نجات می یابد و بقیه در جهنم میباشند و نجات یافتگان کسانی هستند که به ولایت تمسک کرده و با رای خود عمل نکنند .

ابان گفت: سلیم گفت: شنیدم علی بن ابی طالب (ع) می گوید: اینکه این امت به هفتاد و سه فرقه متفرق می شوند که هفتاد و دو فرقه در آتش و یک فرقه در بهشت هستند . که سیزده فرقه از هفتاد و سه فرقه مدعی محبین ما اهل بیت هستند که یکی از آنها در بهشت و دوازده تا دیگر در آتش یا جهنم خواهند بود و اما فرقه یا گروه نجات یافته همان گروه مهديه ، مؤمله ، مؤمنه ، مسلمه که موافق و مرشد است و آن ایمان آورده به من و تسلیم من بوده و مطیع من و مبرا از دشمن من هستند محبت آنها برای من و کینه آنها برای دشمن من است همانی که حق و امامت مرا شناخت و طاعت من از کتاب خدا و سنت پیامبر او را فرض قرار داد هرگز برگردانده نمی شد و از زمانی که خداوند قلبهای آنها را از معرفت حق ما نورانی

کرد و آنها را با فضل ما آشنا نمود و به آنها الهام کرد و آنها را از شیعه ما قرار داد تا اینکه قلبهای آنها مطمئن شد و یقین پیدا کردند که شک در آن قاطی یا مخلوط نمی

شود) کتاب سلیم بن قیس - تحقیق محمد باقر انصاری : ص ۱۶۹

وصیت رسول اکرم (ص) در شب وفاتش از امام صادق (ع)

نقل است که در شب وفات رسول اکرم ص به امام علی فرمود یا ابالحسن کاغذ و دواتی حاضر کن تا وصیت خود را بنویسم و پیامبر خداص) وصیتش را فرمود تا بدین جا رسید که ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود و تو نخستین امامان میباشی و شروع به شمردن اسماء ائمه بعد از ان شد تا به امام حسن عسکری رسید سپس فرمود هرگاه به درجه شهادت رسید امامت را به فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمدص تسلیم کند و ایشان دوازده امام میباشند و بعد از آنها دوازده مهدی می آیند و اگر امام دوازدهم وفات کرد ولایت را به فرزندش اول مهدین تسلیم خواهد کرد که سه نام دارد نامی مانند نام من و نام پدرم و ان عبدالله و احمد و نام سومش مهدی او اولین مومنان است .

(بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۴۸ / ج ۳۶ ص ۲۶۰ ، و الغیة للطوسی ص ۱۵۰ ، غایة المرام ج ۲ ص ۲۴۱ ، مختصر بصائر الدرجات - للحلی ص ۳۹ . مکاتیب الرسول : للمیانجی ج ۲ : ص ۹۶ .)

و رسول اکرم (ص) فقط وصی سیزدهم را نام می برد تا او نیز مانند امام علی (ع) باشد و سنت امام علی (ع) در آخر زمان تکرار شود ولی در زمان رسول اکرم (ص) اهل سنت وصی رسول اکرم امام علی (ع) را تکذیب کردند ؛ و در این زمان شیعه وصی محمد ابن الحسن را تکذیب می کنند. و این امتحان همیشه بوده و خواهد ماند . زمانی که یهود و احناف منتظر احمد بودند خداوند محمد (ص) را برایشان فرستاد و حال که امت منتظر محمد (ع) هستند خداوند احمد را برایشان فرستاده و

او همان دابه الارض زمان ما می باشد فقط کسانی او را می شناسند که در عالم ذر با او بیعت کرده اند همانگونه که در کتب اهل بیت آمده

أبي عبدالله (ع) إنه قال: (لو قد قام القائم لأنكره الناس، لأنه يرجع إليهم شاباً موفقاً، لا يثبت عليه إلا من قد أخذ الله ميثاقه في الذر الأول) (نفسه: ۱۹۴).

اگر قائم قیام کند همه او را انکار می کنند زیرا بصورت جوان موفق بر آنها بر می گردد و کسی بر امرش ثابت نمی ماند الا کسانی که در عالم ذر با او بیعت کرده باشند)

و یا به غیب ایمان دارند که همان خوابهای صادقه می باشد که در فصل بعد به ان اشاره خواهیم کرد؛ و این خوابهای صادقه یادآوری است برای ما از غفلتی که از عالم ذر داشته ایم. انهم بعد از اینکه به این عالم جسمانی امیدیم و عالم قبل را فراموش کردیم که چه مقامی داشته ایم<sup>۱۴</sup>.

---

۱۴ - بیاد ار هنگامی که خدای تو از پشت فرزند ادم ذریه آنها را گرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما به خدایی تو گواهی می دهیم که دیگر در روز قیامت نگوئید ما از ان غافل بودیم یا انکه بگوئید که چون منحصرًا" پدران ما بدین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم پس پیروی پدران خود کردیم آیا به عمل زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رساند؟ در ایه اول ثابت می کند همه ما امتحان شدیم و هرکس مقام خود را گرفت و در ایه دوم نشان می دهد که آنها ملزم به پیروی از گمراهی پدرانشان نیستند حتی اگر در جای زندگی می کنند که در انجا پیامبری نازل نشده است و از حق خبری ندارند زیرا که خداوند فرموده است من در عالم ذر همه شما را امتحان کرده ام و حالتان را دانستم بس نگوئید (پدران ما بدین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم پس پیروی پدران خود کردیم آیا به عمل زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رساند) و این امتحانات بعد از آمدن به این عالم را فراموش کرده همانگونه که انبیاء ان را فراموش کردند تا عدالت خداوند برای همه اجرا گردد..... و نیز کلام خداوند در اول سوره یوسف که برای پیامبر است و او بهترین خلق خداست. (ما بهترین حکایات را

. عن أبي بصير قال نقل از<sup>۱۵</sup> امام صادق (ع) می فرمایند: که ای ابا محمد به خدا قسم ما سری داریم از اسرار خداوند و علمی از علم او به خدا قسم ان را نه ملک مقرب و نه نبی مرسل و نه حتی مؤمن که خدا قلبش را برای ایمان امتحان کرده نمی تواند ان را تحمل کند بخدا قسم خدا کسی را بجز ما مکلف بر این امر نکرده و با این علم کسی به غیر از ما خدا را عبادت نکرده؛ و نزد ما سری از اسرار و علمی از علوم خداست که به ما امر تبلیغ ان را داد و تبلیغ کردیم آنچه را که خدا دستور تبلیغ ان را داد، و برای ان نه مکانی و نه کسی را پیدا کردیم که تحمل ان را داشته باشد . تا اینکه خداوند برای ان قومی را افرید؛ که انها را از طینت و سرشتی که محمد وال محمد و ذریه انها را خلق کرده ان قوم را افرید، و خلقت محمد وال محمد و ذریه انها از نور خداوند و با رحمت او خلق شده اند، و خداوند به ما امر کرد که انها را تبلیغ کنیم و انها قبول کردند و تحمل ان را داشتند و تبلیغ ذکر امرمان را کردیم و دلهایشان انها را برای معرفت ما و حدیث مان سوق داد و اگر انها را از این نیافریده بودند اینچنین نمی شدند به خدا قسم نمی توانستند تحمل داشته باشند. بعد از ان فرمود خداوند اقوامی را برای آتش و جهنم افرید خداوند امر به تبلیغ انها نمود و

---

به وحی این قران بر تو می گویم و هر چند بیش از این وحی از ان غافل بودی (یوسف ۳) یعنی تو ای محمد ص به این عالم جسمانی امدی و از حقیقت خود محجوب شدی و خداوند تو را امتحان کرد در این امتحان دوم در این دنیا و این عالم و در سباق اول شدی بعد از اینکه در عالم اول (عالم ذر) اول بودی و خداوند می فرماید (و این گونه ما روح خود را به فرمان خویش برای وحی به تو فرستادیم و از ان پیش که وحی بر تو رسد نه دانستی کتاب خدا چیست و نه فهم کردی که راه ایمان و شروع کدام است ولیکن ما ان کتاب و شرع را نور گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به ان هدایت می کنیم و اینک تو خلق را هدایت خواهی کرد به راه راست \*شورا ۵۲) کتاب روشنگری...

انها را تبليغشان كرديم همانگونه كه ديگران را تبليغ كرديم ولي نپذيرفتن وان را به ما بر گداندن و تحمل ان را نداشتن و انرا تكذيب كردن و گفتند ساحريد و خداوند ان را بر قلبهايشان ثابت كرد و انرا فراموش كردند و سپس خداوند كاري كرد كه با زبان حق را بگويند؛ انها از حق مي گويند ولي قلبشان ان را انكار کرده است تا با ان خداوند از اوليا ءواهل عبادتش محافظت كند و اگر اين نبود كسي نمي توانست خدا را در زمينش عبادت كند و ما را امر كرد كه از انها ساكت و انها را مستور گردانيم پس شما نيز كسي را كه خدا ان را مخفي و مستور داشته مخي نگه داريد، سپس امام دستانش را بالا برد و با گريه فرمود - خداوندا اين قوم خيلي كم هستند پس حياي ما را حيات انها قرار ده و مردن ما را مردن انها و كسي از دشمنانت را بر انها مسلط مكن كه باعث شود درسرزمينت كسي شما را عبادت نكند و صلي الله علي محمد و آله و سلم تسليم -

اينها همان سيصد و سينزده يار امام هستند كه مي توانند تحمل روايات اخر زمان را داشته باشند و وصيت حضرت محمد در شب وفاتش را قبول كردند در صورتي كه تمام علماي بي عمل امروزه ان را تكذيب کرده اند و سدي شدند براي اولياي امام زمان و اين انصار امام افراي مستضعف هستند كه امام صادق اينگونه انها را در كتاب غيبه نعماني ص 290 ياد مي كند

شخصي از ياران امام به نزد او مي رود و به ايشان مي گويد به خدا قسم من شما و شييعيان شما را دوست مي دارم شييعيان شما خيلي زياد هستند و امام به او مي گويد مي تواني بگوي انها چقدر هستند مي گويد خير امام مي گويد مي تواني انها را بشماري عرض كرد تعدادشان خيلي مي باشد و امام به او مي گويد به خدا قسم اگر ان عده موصوفه كه تعدادشان سيصد و ده نفر و اندي جمع شوند آنچه كه منتظرش هستيد خواهيد شد (قيام قائم) لکن شيعه ما كسي است صدائش از گوش او بالاتر

نرود (یعنی به کلام ما عمل می کند و با رای خود چیزی نمی گوید) و ناراحتی او از پیکرش بیرون نمی رود و با عیب جویان ما نمی نشیند و با دوستان ما دشمن نمی شود عرض کرد با این افراد که خود را شیعه می دانند چه کنم؟ فرمود که اینها امتحان می شوند و گرفتار جدای می شوند و جابجای در میانشان رخ می دهد و قحطی و کمبود که آنها را نابود می کند همانا شیعه ما کسی است که همچون سگان پارس نمی کند و نزد مردم گدای نمی کند حتی اگر از گرسنگی بمیرد عرض کرد چنین افرادی با این اوصاف را در کجا پیدا کنم فرمود در گوشه و کنار زمین (در روستاها) انها کسانی هستند که زندگی سبک دارند و خانه به دوش هستند (اجاره نشین) اگر در مجلسی حاضر شوند شناخته نمی شوند و اگر از نظره ها پنهان شوند کسی سراغ آنها را نمی گیرد و اگر بیمار شوند کسی به عیادتشان نمی رود اگر خواستگاری کنند به آنها زن داده نمی شود اگر وفات کنند کسی آنها را تشیع نمی کند آنان کسانی هستند که در اموالشان با هم مساوات دارند و در آرامگاه خود همدیگر را ملاقات می کنند و خواسته های آنها یکی است گرچه در شهرهای مختلف زندگی می کنند

و اینها افراد مستضعفی بیش نیستند که خدا می خواهد با منت خود بر آنها امر اهل بیت را روشن گرداند و با امر قائم (ع) در این روزها از شهرها و کشور های مختلف در حال جمع شدن هستند.

امر قائم اهل بیت یا قائم به امر امام زمان مخفی است و حتی نام بردن اسم او برای هر کسی امکان ندارد. در روایتی عمر (لح) از امام علی سوال میکند که این مهدی (-) قائم به امر شما مهدی که در روایات اهل سنت آخر زمان متولد خواهد شد-) نامش چیست و امام علی (ع) به او می گوید اما نامش حبیبم رسول خدا (ص) از من عهد گرفت که نامش را نبرم تا خدا او را مبعوث گرداند

وعن جابر الجعفي، قال: (سمعت أبا جعفر (ع) يقول: سأل عمر بن الخطاب أمير المؤمنين (ع)، فقال: أخبرني عن المهدي ما اسمه؟ فقال: أما اسمه فإن حبيبي عهد إلي أن لا أحدث باسمه حتى يبعثه الله...) (غيبة الطوسي: ۳۰۵)

و در جای دیگر از همان کتاب ص ۴۰۴ آمده که کابلی یکی از یاران امام سجاد و امام باقر (ع) به نزد امام باقر (ع) می آید و به امام می گوید من تمام مواصفات قائم (صاحب امر) را از پدرت شنیدم و حتی اگر او را در راه بینم می شناسم و می دانید که من از همه بریدم الا پدر بزرگوارتان و امام به می گوید بله من نیز شما را می شناسم ولی از من چه می خواهید عرض کرد نام او را برایم بگو و امام به او می فرمایند که از من سوالی زحمت انگیز و مشقت اور کردی که تا به حال به کسی جوابش را ندادم و اگر تا به حال نامش را گفته م به تو نیز می گفتم به خدا قسم سوالی را از من کردی که اگر بنی فاطمه از او خبر دار شوند حرص ورزند تا او را قطعه قطعه کنند

و در این حدیث شدت اهل بیت (ع) را در مخفی کردن اسم قائم به امرشان نشان می دهد و اگر آنها می خواستند اسم امام زمان را مخفی گردانند اینگونه نمی شد و نام او و کنیه و حتی القاب او را گفته اند، نباید از کلام اهل بیت تعجب کرد زیرا آنها دلیلی برای کلامشان دارند و آن محفوظ کردن علوم اهل بیت است و قران محفوظ را آنها باید به همه برسانند و با او علوم خدا را که بیست و هفت حرف است و تا قیام قائم دو حرف ان را آورده اند بعد از قیام او منتشر می شود و با بیست و پنج حرف دیگر توحید را در زمین گسترش می دهند

عن أبي عبيدة الحذاء، قال: (سألت أبا جعفر (ع) عن هذا الأمر، متى يكون؟ قال: إن كنتم تؤملون أن يجيئكم من وجه ثم جاءكم من وجه فلا تنكروه) (المعجم الموضوعي: ۷۶۷).



شخص از امام باقر سوال کرد که این امر (ظهور امام) چه وقت است و امام به او می فرماید هرگاه منتظرش باشید از سمتی بیاید و از سمتی دیگر امد او را انکار

### نکنید

عن أبي عبد الله (ع) قال (إن امرنا سر في سر ، وسر مستسر ، وسر لا يفيد إلا سر ، وسر على سر ، وسر مقنع بسر بصائر الدرجات / محمد بن الحسن الصفار : ص ۴۸)

واین همان سر انهاست که فقط با سر قابل فهم است و حقیقت این شخص را کسی جز امام مهدی (ع) نمی تواند به مردم معرفی کند  
انکار روایت اهل بیت (ع) ، کفر است !!

در کلام اهل بیت (ع) که همانطور که خود فرموده اند بر هفت وجه می باشد و اگر چیزی را از آن نفهمیدیم نباید آن را تکذیب یا انکار کرد می خواهند نکته ی را برای ما روشن کنند .

و فرموده اند، هرگاه چیزی را از ما نقل کردند و شما از آن چیزی نفهمیدید آن را به عالم از ما که همان امام زمان یا راویان حدیث اش همچون سفرای امام هستند به آنها برگردانید .

اهل بیت (ع) می خواهند به ما بفهمانند که در هر شرایط و هر امتحان همانطور که بیان شد اگر قائم از سمتی دیگر غیر از آنکه فرموده اند یا حتی اگر فرزندش یا فرزند فرزندش امد اگر تسلیم روایاتشان که کلامشان کلام رسول اکرم (ص) و کلام رسول کلام خداست باشند گمراه نخواهند شد زیرا که ان کلام همان دو امانت گرانبهای رسول اکرم است و فرموده اند هرگز ان را رد نکنید.

عن أبي جعفر (ع) قال : ( قال رسول الله (ص) : إن حديث آل محمد صعب مستصعب لا يؤمن به إلا ملك مقرب أو نبي مرسل أو عبد أمتحن الله قلبه للإيمان

فما ورد عليكم من حديث آل محمد (ع) فلانت له قلوبكم وعرفتموه فاقبلوه وما اشمأزت منه قلوبكم وأنكرتموه فردوه إلى الله وإلى الرسول وإلى العالم من آل محمد (ع) وإنما الهالك أن يحدث أحدكم بشيء منه لا يحتمله فيقول : والله ما كان هذا ، والله ما كان هذا والإنكار هو الكفر ( الكافي ۱ / ۴۵۵ .

از امام صادق (ع) نقل است که رسول اکرم می فرمایند حدیث ما اهل بیت محمد (ص) سخت است و مشکل و ان را غیر از ملک مقرب و نبی مرسل یا مؤمنی که خدا قلبش را برای ایمان امتحان کرده است کس ان را تحمل نمی کند و اگر حدیثی بر شما وارد شد و قلبتان ان را پذیرف وان را فهمیدید ان را قبول کنید، و اگر ان بر قلبتان سنگین بود و منکر ان شد ان را به خدا و رسولش و عالمی از آل محمد (ص) برگردانید و گمراه کسی است که حدیثی بشنود و نتواند تحمل کند و بگوید به خدا قسم اینگونه نبود و انکار همان کفر است . کافي ج 1 ص 455

عن الباقر (ع) : ( والله إن أحب أصحابي إليّ أورعهم وأفقههم وأكتمهم لحديثنا وان أسوأهم عندي حالاً وأمقتهم الذي إذا سمع الحديث ينسب إلينا ويروى عنا فلم يعقله اشمأز منه وجحده وكفر من دان به وهو لا يدري لعل الحديث من عندنا خرج وإلينا أسند فيكون بذلك خارجاً عن ولايتنا ) الكافي ۲ / ۲۲۳ ، السرائر ۳ / ۱۰۹۱ .

از امام باقر (ع) بخدا قسم بهترین یاران من با ورعترین و فقیه ترین انها کسانی که اهل سر (راز دار) هستند و بدترین حال انها نزد من کسی است که اگر حدیثی را شنید که به ما نسبت داده شد و ان را نفهمید از ان پریشان شود و به کسی که ان را گفته کفر کند و او نمیداند که شاید حدیث از ما گفته شده و سندش به ما برگردد و با این عمل از ولایت ما خارج است.

این چند حدیث با سند معتبر و متواتر در کتب ما می باشد و امام زمان در باره کتاب کافی می فرمایند کافی برای شیعیان کافی ست و در جای دیگر اهل بیت ما را امر

کرده اند که کلامشان را در هر شرایطی که شده قبول کنیم و اگر ان را نفهمیدیم تکذیب نکنیم شاید حقی در ان باشد.

وعن سفیان بن السمط قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : جعلت فداك إن الرجل ليأتينا من قبلك فيخبرنا عنك بالعظيم من الأمر فيضيق بذلك صدورنا حتى نكذبه قال : فقال : أبو عبد الله (ع) ( أليس عني يحدثكم قال : قلت : بلى . قال : فيقول لليل انه نهار وللنهار انه ليل قال : قلت : لا . قال : فقال : رده إلينا فإنك إن كذبت إنما تكذبنا ) بصائر الدرجات ص ۵۵۷ .

بن مسلط به امام صادق(ع) می فرماید شخصی از طرف شما می اید و به ما چیز عظیمی را می گوید که نمی توان ان را تحمل کرد و از ان سینه هایمان تنگ می شود، و امام کلام او را قطع می کند و می گوید ایا مگر نه از طرف من خبر می دهد؟ گفت بله فرمود: ایا به شما می گوید که روز شب و شب روز است؟! بن مسلط گفت خیر امام فرمود کلام ان را به ما برگردان و ان را تکذیب مکن زیر

: - ( لا تكذبوا بحديث أتى به مرجئي ولا قدري ولا خارجي فنسبه إلينا فإنكم لا تدرون لعله شيء من الحق فتكذبوا الله ) البحار ۲ / ۱۸۷ .

و نیز فرموده اند : حدیث ما را تکذیب نکنید حتی اگر از مرجئی و یا از قدری یا از خارجین از دین باشد زیرا شاید چیزی از حق در ان باشد و با تکذیب ان خدا را تکذیب خواهید کرد.

فعن الرضا (ع) في رواية صحيحة ( ... ولا تقل لما بلغك عنا أو نسب إلينا هذا باطل وإن كنت تعرف خلافه فإنك لا تدري لم قيل وعلى أي وجه وصفة ) روضة الكافي ج ۵۹ / بصائر الدرجات ۵۵۸ .

و نیز فرموده اند : درباره چیزی را که از ما می شنوی یا به ما نسبت داده اند نگو باطل است زیرا نمی دانید برای چه و بر چه وجه و صفتی گفته شده.

عن الإمام جعفر بن محمد عن أبيه، عن جده عن علي ابن أبي طالب (ع) في حديث طويل في وصية النبي (ص) يذكر فيها إن رسول الله (ص) قال له : ( يا علي واعلم أن أعجب الناس إيماناً وأعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا بنبي وحب عنهم الحجة فأمنوا بسواد على بياض ) كمال الدين 1/2

رسول اکرم (ص) در وصیت خود به امام علی (ع) می فرماید یا علی عجیبترین ایمان و عظیمترین یقین در مردمی است که در آخر زمان می باشند که به پیامبری نرسیده اند و حجت از آنها محجوب بوده ولی به سیاهی بر روی سفیدی ایمان آوردند {وان کلمات بروی کاغذ سفید است}

عن الرسول (ص) أنه قال : ( أي إيمان أعجب قالوا : إيمان الملائكة قال وأي عجب فيه وينزل عليهم الوحي : قالوا : إيماننا قال (ص) وأي عجب فيه وأنتم تروني : قالوا فأأي إيمان هو قال : إيمان قوم في آخر الزمان بسواد على بياض ) مستدرک الوسائل ۱۷ / ۳۰۰ .

رسول اکرم (ص) که پرسید کدام ایمان از همه عجیب تر است گفتند ایمان ملائکه فرمود چه چیز عجیبی در ان است و نزول وحی در انها می باشد گفتند ایمان ما فرمود چه چیز عجیبی در ان است و شما مرا می بینید پرسیدند کدام ایمان عجیب تر است فرمود ایمان قومی در آخر زمان که به سیاهی روی سفیدی ایمان آورده اند ..

وعن صفوان الصيقل قال : ( دخلت أنا والحارث بن المغيرة وغيره على أبي عبد الله (ع) فقال له الحارث : إن هذا - يعني منصور الصيقل - لا يريد إلا أن يسمع حديثنا فوالله ما يدري ما يقبل مما يرد . فقال أبو عبد الله (ع) : هذا الرجل من المسلمین وإن المسلمین من النجباء )

به امام صادق(ع) عرض شد که این شخص یعنی منصور الصیقل چیزی به جز کلام شما را نمی خواهد بشنود و نمی دانیم که جوابش چیست و همه را قبول می کند امام فرمود این مرد از تسلیم شدگان است و تسلیم شدگان از نجبا هستند. بصائر الدرجات ۵۴۴.

این کلامی مختصر از روایات اهل بیت درباره اینکه نباید حدیث و روایتی را از اهل بیت تکذیب کرد و اینکه کلام آنها کاملا در این باره واضح است و ان کلام رسول خداست و خدا درباره حضرت محمد می فرمایند که از خود سخن نمی گوید بلکه وحی است از جانب ما ....

مختصر روایات اثبات وجود وصیت ، و ذریه امام مهدی (ع)

و نیز در باب اثبات وصیت شب وفات رسول(ص) ادله های روایی و قرآنی فراوانی وجود دارد، که وجود وصیت را ذکر کرده مثلا در انجیل یوحنا لاهوتی آمده الإصحاح الرابع (( ۱ - بعد هذا نظرت وإذا باب مفتوح في السماء والصوت الأول الذي سمعته كبوق يتكلم معي قائلا : اصعد إلى هنا فأريك ما لا بد أن يصير بعد هذا . ۲ . وللوقت صرت في الروح وإذا عرش موضوع في السماء وعلى العرش جالس . ۳ وكان الجالس في المنظر شبه حجر الیشب والعقیق وقوس قزح حول العرش في المنظر شبه الزمرد . ۴ وحول العرش أربعة وعشرون عرشا . ورأيت على العروش أربعة وعشرين شیخا جالسين متسربلين بثياب بيض وعلى رؤوسهم أكاليل من ذهب . ۵ ومن العرش يخرج بروق ورعود وأصوات ... ))

وبعد از آن دربی باز در آسمان دیدم و صدای اول همچون شیپور به من گفت بیا اینجا تا چیزی را نشانت دهم که باید بعد از این اتفاق می افتد 2 و در وقتش با روح یکی شدم و عرش را در آسمان که شخصی بر آن نشسته بود دیدم 3 و شخص نشسته همچون سنگ یشب و عقیق می درخشید و دور او رنگین کمان همچون

زمرد نور افشانی می کرد 4 و دور ان عرش بیست و چهار عرشی دیگر بود. و بر ان عرش بیست و چهار شیخ نشسته بودند که بحالت رکوع با لباس سفید نشسته و بر سر انها نور گرد همچون اکلیلی از طلاست. 5 و از ان عرش صای چون بوق ورعد و برق و صدای بلند خارج می شد ....

و ان شخص و بیست و چهار شیخ نشسته... چه کسی بالاتر از پیامبر و اهل بیتش که انها دوازده امام و دوازده مهدی هستن و سجده اشان طاعت امر پیامبر است یا تسلیم امر او بودن است

در کافی ج 1 ص 455 آمده که حدیث ال محمد سخت است و مشکل و هرکسی نمی تواند ان را تحمل کند الا مومنی که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان کرده باشد نوشتن وصیت هنگام وفات و قبل از ان در قران وارد شده است ، که از ان - گفتار تعالی : { كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ } (البقره ۱۸۰)

{ به شما دستور داده شده که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد ، اگر دارای متاع دنیاست ، برای پدر و مادر و خویشاوندان به چیزی شایسته عدل وصیت کند این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است } (البقره ۱۸۰)

و گفتار تعالی : { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ ... } (المائدة از آیه ۱۶۰)

{ ای اهل ایمان ؛ چون یکی از شما را مرگ در رسید برای وصیت خود دو شاهد عادل از خودتان گواه گیرد یا غیر از خودتان } (المائدة از آیه ۱۶۰)

واز امام صادق (ع) بعد از اینکه قول رسول خدا (ص) در مورد وصیت در هنگام مرگ را ذکر کرد گفت (ع) : (تصدیقش در سوره مریم که خداوند می فرماید { لا یملکون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً\* شفاعتی برای انها نیست مگر

نزد رحمان عهدی گرفته باشند { و این (وصیت) همان عهد است) (بحار الانوار  
 ۲۰۰ / ۱۰۰)

و رسول خدا (ص) به علی (ع) گفت: ((شما ان را یاد بگیر و به اهل بیت و شیعه  
 خود بیاموز گفت: وانگاه فرمود: جبرائیل ان را به من یاد داد)) (بحار الانوار ۱۰۰  
 ۲۰۰ /

و از پیامبر محمد (ص) نقل شده که: ((هرکس بمیرد در حالی که وصیت نکند  
 مرگش مرگ جاهلیت است)) و اینکه (وصیت حقی بر هر مسلمان است))  
 و فرمود (ص): ((هرکس مرد در حالی که وصیت نکرده عملش را با معصیت  
 ختم نموده)) (اثبات الهداه ج ۱ ص ۱۴۳)

از سلیم بن قیس هلالی گفت: شنیدم سلمان می گوید: شنیدم علی (ع) بعد از اینکه  
 ان مرد (عمر لع) آنچه را خواست گفت و باعث ناراحتی رسول خدا (ص) شد  
 کتف را هل داد: ایا از رسول خدا سوال نکنیم که روی کتف چه چیزی خواست  
 بنویسد در مورد آنچه اگر می نوشت کسی گمراه نمی شود و دو نفر دچار اختلاف  
 نمی شدند و ساکت شد تا آنچه هرچه در خانه بودند و رفتند و حضرت علی و  
 فاطمه و حسن و حسین (ع) ماندند من و دوستانم ابوذر و مقداد در حال رفتن بودیم  
 که علی (ع) به ما گفت بشینید پس خواست از رسول خدا (ص) سوال کند تا ما  
 بشنویم پس رسول خدا (ص) شروع کرد و فرمودند: ((شنیدی که دشمن خدا چه  
 گفت جبرائیل (ع) قبل از او پیش من آمد به من گفت که او سامری این امت و  
 صاحب گوساله اش و خداوند خواست که تفرقه و اختلاف براتم بعد از من بماند  
 پس به من امر کرد مکتوبی را که قبلاً خواستم بنویسم روی کتف برای شما بنویسم  
 و این سه نفر را به عنوان شاهد بران قرار دهیم پس صحیفه یا کاغذی بیاور. پس  
 آورد و روی ان اسامی ائمه هدایت بعد از من مردی بعد از مرد دیگر را فرمود و

علی (ع) بادست خود می نوشت و رسول خدا (ص) فرمودند: من شما را شاهد قرار می دهم که برادرم و وزیرم و وارث من و خلیفه ام برامتم علی ابن ابیطالب بود و انگاه حسن و سپس حسین (ع) و پس از آنها نه تا از فرزندان حسین (ع).....)) (کتاب سلیم بن قیس ۳۹۸) (تحقیق الانصاری)

حضرت علی (ع) با شهادت ابوذر و مقداد در مورد وصیت شب وفات بر طلحه احتجاج کرد از سلیم بن قیس هلالی: امام علی (ع) به طلحه گفت ایا مشاهده نکردی وقتی رسول خدا (ص) خواست روی کتف مکتوبی بنویسد تا بعد از او امت دچار اختلاف و گمراهی نشود پس دوست شما آنچه را می خواست گفت (پیامبر (ص) هزیان می گوید) پس رسول خدا (ص) ناراحت شد و منصرف شد {طلحه} گفت: بله من آنچه را می گویی را مشاهده کردم فرمودند: پس از اینکه شما خارج شدید رسول خدا (ص) آنچه را می خواست بگوید خبرم کرد و اینکه عموم شاهد باشند پس جبرائیل با او خبر داد که (خداوند اختلاف و تفرقه را در امت می داند) انگاه برگی خواست پس به من گفت آنچه را می خواست را روی کتف بنویسد و بران سه نفر مورد اعتماد را شاهد گذاشت سلمان ، ابوذر، مقداد و ائمه هدایت را که خداوند به اطاعت از آنها تا روز قیامت امر کرده است به اسم آورد پس اسم من را اول گفت سپس این فرزندم و با دست خود به حسن (ع) اشاره و انگاه حسین (ع) سپس نه نفر از فرزندان این فرزند من - یعنی حسین (ع) ... ای ابوذر و ای مقداد اینطور نبود پس بلند شدند و گفتند: به آنچه گفتید شهادت می دهیم که رسول خدا (ص) گفتند (کتاب سلیم بن قیس ۲۱۱) (تحقیق انصاری/ غیبه النعمانی ۸۱)

پس روایت اول توسط سلیم بن قیس هلالی روایت شده آنچه رسول خدا (ص) بر علی بن ابیطالب (ع) به صورت تایید در وصیت املاء کردن ذکر نمی کند بلکه



شهود رسول خدا(ص) سلمان و مقداد و ابوذر ذکرمی کند به آنچه فرمودند: ((من شما را به عنوان شاهد براینکه برادرم و وزیرم و خلیفه من براتم علی ابن ابی طالب(ع) انگاه حسن سپس حسین وانگاه نه نفر از فرزندان حسین(ع)...)) و این کلام موجه به این سه نفر است و نه ان متنی که رسول خدا(ص) انرا بر امام علی(ع) در وصیتش املاء کرد و علی(ع) نوشت تا اینکه وصیت کامل شد رسول خدا(ص) سه نفر شهود نگاه داشت و با این کلام با انها صحبت کرد همانطوری که در روایت یاد شده انگاه رسول خدا(ص) هنگامی که برای سه نفر شهود تعداد ائمه فقط همین نفرات است بلکه قضیه بعد از ائمه مفتوح مانده که بعد از انها اوصیاء هستند و رسول خدا(ص) به عدم ضرورت، انها را برای شهود ذکر نکرد زیرا انها در آنچه علی(ع) در وصیت املاء کرد اطلاع نداشتند. بلکه او از گفتن اسامی نه نفر از نسل حسین(ع) و صفات انها را نگفته.

او(ص) یکی یکی اسامی انها در وصیت ذکر نموده... این روایت تمام متن که رسول خدا(ص) انرا املاء کرد و علی(ع) از وصیت نوشت را ذکر نمی کند بلکه حادثه را بصورت خلاصه و بدون تفصیل ذکر کرد. و همین طور روایت دوم که سلیم بن قیس هلالی ان را نقل کرد همه متن که رسول خدا(ص) انرا املاء کرد علی(ع) از وصیت رسول خدا(ص) نوشت را ذکر نمی کند بلکه علی(ع) به آنچه رسول خدا(ص) بران شهادت سلمان و ابوذر و مقداد گذاشت اکتفاء می کند.

از امام موسی ابن جعفر(ع) فرمودند: ((به ابی عبدالله گفتم: ایا مگر امیرالمومنین وصیتی که رسول خدا(ص) انرا براو املاء کرد را نوشت و جبرائیل وملائکه مقربین(ع) برانها شاهد بودند امام(ع) اندکی ساکت ماند انگاه فرمودند: ای ابا حسن آنچه گفتمی درست است، لیکن هنگامی که امر بر رسول خدا(ص) نازل شد (پیامبری) وصیت از ا جانب خداوند متعال به صورت مکتوبی نوشته شده نازل شد

و با ان جبرائیل و امناء خداوندتبارک تعالی و ملائکه نازل شدند پس جبرائیل فرمودند: به وصی خود بگو که انرا از ما تحویل بگیرد و برای مخالف ان ما شاهد هستیم که شما انرا تحویل او دادی؛، و علی (ع) وفاطمه (س) مابین ستر و درب بودند...)) (الکافی ۱/ ۳۱۱)

ظاهراً امام کاظم (ع) با سوال خود از پدرش امام صادق (ع) می خواست فرق بین دو وصیت را مشخص کند تا اینکه بین انها تعارضی باقی نماند و تا اینکه تمسک به یکی از دو وصیت و ترک وصیت دوم نشود و وصیتی که از اسمان نازل شده مختص ائمه (ع) است و اما وصیتی که رسول خدا (ص) انرا به علی (ع) املاء کرد همانی است که خواست انرا برای امت اعلام کند و لکن عمر بران اعتراض نمود و رسول خدا (ص) انرا برای علی (ع) املاء نمود و سلمان و ابوذر و مقداد را بران شاهد گذاشت. و وصیتی که از اسمان نازل شده همانند مضمون وصیتی است که رسول خدا (ص) انرا برای امام علی (ع) توصیه نمود و در این مورد حضرت علی (ع) در روایت آتی به صراحت صحبت کرده است.

از امیرالمومنین (ع) فرموده شده: ((رسول خدا (ص) به هنگام وفاتش هرکس که غیر از من در خانه بود را بیرون نمود و در منزلش جبرائیل و ملائکه صدایشان را می شنوم ولی چیزی را نمی بینم پس رسول خدا (ص) وصیت را از دست جبرائیل گرفت و انرا تحویل من داد و به من امر کرد انجام دهم و انجام دادم و به من امر کرد که انرا بخوانم پس انرا خواندم انگاه فرمودند: جبرائیل پیش من است با ان از جانب خداوند آمد و پس انرا خواندی که در ان همه آنچه رسول خدا (ص) به ان وصیت کرد جزء به جزء و هیچ حرفی از قلم نیفتاده است)) (مکاتب الرسول ۲/ ۹۳)

اما وصیت در کتب اهل سنت : عجلونی در کتاب کشف الخفاء این روایت از رسول خدا(ص) را ذکر کرده است ((ای علی صحیفه ودواتی برای من بیاور پس رسول(ص) املاء کرد و علی نوشت و جبرائیل شاهد بود پس وصیت را تا کردند)) راوی گفت: هر کس به شما بگوید که آنچه در صحیفه است را به غیر از کسانی که انرا املاء کرد و کسی که ان را نوشت و شاهد بود می داند دروغ می گوید و حرف او را قبول نکنید)) (کشف الخفاء ۲ / ۳۸۴)

ابن جوزی در کتاب موضوعات خود این روایت را با سعی در تضعیف روایان ان وطعنه زدن به ان آورده است. زیرا با عقیده او در خلافت ابوبکر و عمر و عثمان تعارض دارد .

ابن جوزی گفت:...از ابی عرفجه از عطیه گفت: بیماری رسول خدا(ص)همان بیماری که در ان از دنیارفت در حالی که حفصه و عایشه پیش او بودند به انها گفت دنبال خلیلم بفرستید پس فرستادند و ابوبکر آمد و سلام کرد و وارد مجلس شد ولی رسول(ص) با او کاری نداشت انگاه رفت پس به انها نگاه کرد و فرمود دنبال خلیلم بفرستید پس دنبال عمر فرستادند پس او آمد و سلام کرد و وارد شد و چون رسول(ص) با او کاری نداشت پس به انها گفت دنبال خلیلم بفرستید پس دنبال علی(ع) فرستادند و چون آمد و سلام کرد و وارد شد و پس از اینکه نشست به انها گفت بروید و فرمود: ای علی صحیفه و دواتی بیاور انگاه رسول خدا(ص) املاء کرد و علی(ع) نوشت جبرائیل شاهد شد. پس صحیفه جمع شد و هر کس به شما بگوید که آنچه در صحیفه است را به غیر از کسی که انرا املاء کرد و انرا نوشت می داند حرف او را قبول نکنید(الموضوعات ۱ / ۳۷۷)

کسی که این وصیت را نوشت به ما خبر داد که انرا برای شیعه اش روایت کرده تا با ان اوصیاء تا روز قیامت را بشناسند و نزدیک به این روایت از امام صادق (ع) نقل کردند

فرمودند: ((رسول خدا(ص) در بیماری که با ان از دنیا رفت فرمودند: خلیلم را دعوت کنید دنبال پدرانشان فرستادند پس رسول خدا(ص) به انها نگاه کرد و اعراض نمود و گفت: خلیلم را دعوت کنید پس دنبال علی(ع) فرستاد و پس از اینکه او را دید شروع کرد به صحبت کردن با او و پس از اینکه بیرون رفت او را دیدند و به او گفتند خلیل شما چه صحبتی با شما کرد پس گفت: در مورد هزار درب با من صحبت کرد که از هر دری هزار درب بازمی شود)) (الکافی ۱/ ۳۲۸ - ۳۲۹)

پس روایتی که همه متنی که رسول خدا(ص) انرا در وصیت شب وفاتش املاء کرد نیست مگر روایتی که زعیم طائفه و رئیس انها و عالم و عارف به حدیث رجال محقق شیخ طوسی که در سال ۴۶۰ هجری از دنیا رفت در کتاب غیبتش نوشت و این کتاب از صحیح ترین و مورد اعتماد ترین کتاب های شیعه است زیرا بدون غل و غش علوم حدیث و راه و سندش را روایت کرده است...

رسول خدا(ص) امر خداوند را اجرا نمود و در وصیت شب وفاتش خلفاء خود را تا روز قیامت مشخص نمود و انها ائمه و مهدیین هستند { ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ \* ذریه هستند نسلی از نسل دیگر ... }

و در حدیثی از ابی عبدالله(ع) ((رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: و شما انرا به وصیت تحویل می دهی (منظورش وصیت) وصی شما انرا تحویل اوصیاء شما از فرزندان یکی بعد از دیگری می دهند تا اینکه تحویل بهترین اهل زمین بعد از شما گردد و امت به شما کفر خواهند ورزید و به خاطر شما دچار اختلاف شدیدی می

شوند) (اثبات الهداه ۱/ ۲۵۹)

از امام صادق(ع) در حدیثی فرمودند: ((.... بین رکن و مقام با او بیعت می کنند و همراهش عهدی از رسول خدا(ص) که فرزندان از پدرانشان به ارث برده اند)) (غیبه النعمانی ص ۲۸۲)

و از آنها(ع): ((از مکه بیرون می آید و کسانی که با او هستند سیصد و اندی رکن و مقام با او بیعت میکنند و همراهش عهد رسول(ص) و پرچمش و سلاحش و وزیرش با او خواهد بود پس منادی ندا می کند در مکه به اسم او و امرش از آسمان حتی اینکه همه اهل زمین بشنوند اسمش اسم پیامبر است حتی اگر در او دچار اشتباه شوید در عهد پیامبر(ص) و پرچمش و سلاحش دچار اشتباه و تردید نخواهد بود)) (بحار الانوار ۲۵/۲۲۳)

در روایت سابق امام صادق(ع) تاکید می کند که اگر در شناخت قائم(ع) دچار اشتباه شدید دلیل همان عهد و وصیت خواهد بود که فرزندان از پدران به ارث بردند و امروز صاحب آن عهد و وصیت شما را می خواند و او از ذریه اهل بیت (ع) است.

ذریه امام مهدی(ع)

از امام رضا(ع) از پدرش از امیرالمومنین(ع) در حدیث طولانی با رسول خدا(ص) که در آخرش خداوند تعالی به رسولش(ص) در مورد مهدی(ع) و در مورد مدت حکومتش ((او را با سربازانم و با ملائکه خود یاری خواهم رساند تا اینکه دعوتم را اعلام کند و خلق را بر توحید من جمع کند انگاه ملکش را دائم روزها را بین اولیاءم تا روز قیامت طول خواهد کشید)) (عیون اخبار الرضا ۱/ ۱۳۷-۱۳۸) از امام صادق(ع) فرمودند: ((اهل حق همیشه از همان ابتدا در سختی و شدت بودند و اما آن هم مدتش کوتاه و عافیتش طولانی خواهد بود)) (بحار ۶۴/۲۱۳)

ونقل از علامه مجلسی از کتاب بشارت برای سیدرضی الدین علی بن طاووس: در کتاب تالیف جعفر بن محمد بن مالک کافی پیدا کردم به استنادش به چمران گفت: ((عمر دنیا صد هزار سال است که برای سایر مردم بیست هزار سال است و هشتاد هزار سال برای آل محمد خواهد بود)) (بحار الانوار ۳۵/۱۱۶)

پس دولت امام مهدی (ع) بعد از شهادتش استمرار پیدا می کند و بین اولیای خداوند متعال تامت طولانی خواهند ماند و آنها ذریه و نسل امام مهدی (ع) هستند همانطوری که در روایت های اهل عصمت (ع) مشخص خواهد شد.

ونه تنها فقط وصیت رسول خدا (ص) این مورد را ثابت می کند بلکه روایت هایی متواتر و زیادی که در معنی آنها بر اینکه او صیاء از ذریه امام مهدی (ع) تاکید می کند آنچه دعای مشهور و معتبر در مورد امام مهدی (ع) در کیفیت صلوات بر محمد و آل محمد تا اینکه به خود او (ع) می رسد و میگوید (ع): ((..... خداوند ابه او عطا کن و به ذریه و نسل او و شیعه اش و رعیتش و خاصه و عامه او و دشمنانش و جمیع اهل دنیا هر کس که چشمش به او اقرار کند و نفسش با او مسرور شود..... تا اینکه بگوید (ع): و برولی خود صلوات بفرست و متولیان عهد او و ائمه از فرزندان او و عمرشان را طولانی بفرما و اجلشان را بیشتر کن و دورترین امیدهایشان از دنیا و آخرت را نصیب آنها بفرما...)) (غیبه الطوسی ص ۱۸۶/ جمال السبوع ص ۳۰۱)

و آنچه در دعا صحیح امام رضا (ع) برای امام مهدی (ع) در عصر غیبت آمده است: ((... خداوند ابه او عطا بفرما و به خانواده اش و فرزندش و ذریتش و امتش و همه رعیتش و آنچه چشم به او اقرار کند و نفسش با او مسرور و شاد شود و همه ملک را برای او میسر کنی... تا اینکه بگوید: خداوند ابر متوالیان عهد او و ائمه بعد از او صلوات بفرست و آنها را به امیدشان برسان و اجلشان را بیشتر کن و پیروزی آنها را

عزیز بدان...) (مفاتیح الجنان ص ۷۱۸)

از امام صادق (ع) فرمودند: (از ما بعد از قائم (ع) دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) خواهد بود) (مختصر البصائر ص ۴۵)

و از ابی بصیر گفت: (به صادق بن جعفر محمد (ع) گفتم: ای فرزند رسول خدا از قدرت (ع) شنیدم که می گوید: بعد از قائم دوازده امام خواهند بود. انگاه فرمودند نه فرموده دوازده امام: بلکه فرمودند: دوازده مهدی و آنها قومی هستند از شیعه ما که مردم را به موالات و معرفت حقیقی ما دعوت می کنند) (کمال الدین ۲/ ۳۵۸)

در اینجا امام صادق (ع) نفی مطلق از ذریه امام مهدی (ع) را نمی خواست بلکه خواست مشخص کند که آنها همانند پدرانشان اثناعشر (ع) ائمه نیستند بلکه به مرتبه ای پایین تر هستند و گرنه آنها ائمه ای هستند که مردم را بعد از پدرانشان رهبری خواهند نمود بدلیل قول امام مهدی (ع) در دعای سابق که می فرمایند: (خداوندا برولات عهدش و ائمه بعد از او صلوات بفرست...)

و از حبه العرنی گفت: امیرالمومنین (ع) به حیره رفت و گفت: نماز را از این شهر و در آن شهر خواهید خواند و با دست به کوفه و حیره اشاره کرد تا اینکه برای تبعیت کردن با او دینارها باید خرج نمود و در حیره مسجدی ساخته می شود که برای آن پانصد درب است که خلیفه قائم عجل الله فرجه در آن نماز می خواند زیرا مسجد کوفه در برابر آنها تنگ و کوچک است و در آن دوازده امام عدل نماز خواهند خواند) (التذهیب ۳/ ۲۵۳) (معجم الاحادیث الامام المهدی (ع) ۳/ ۱۱۲)

این خلیفه قائم کیست و این دوازده امام که در این مسجد که در دولت امام مهدی (ع) ساخته می شود چه کسانی هستند غیر از ذریه یا نسل امام مهدی (ع) و آنها دوازده مهدی که روایات بر آنها تاکید می کند.

از ابی جعفر و ابی عبدالله (ع) در ذکر ایشان در کوفه فرمودند: (... در آن مسجدی به نام سهله است که خداوند پیامبری را مبعوث نمی کند مگر در آن نماز بخواند و در آن عدل خداوند ظاهر می شود و در آن قائم و قوام (قیام کنندگان) بعد از او خواهند بود و آن منازل پیامبران و اوصیاء و صالحین است) (وسایل الشیعه الاسلامیه ۳ / ۵۲۴) از امام سجاد (ع) فرمودند: (قائم ما قیام می کند انگاه بعد از او دوازده مهدی خواهد بود) (شرح الاخبار ۳ / ۴۰۰)

در دعا وارده از امام حسن عسکری (ع) به مناسبت ولادت امام حسین (ع) در سوم شعبان فرمودند: (... و سید یا آقای خانواده (حسین) (ع) که در روز کرب (رجعت) پیروزی او تایید شده است که به جای قتل اوست اینکه امامان از نسلش و شفاء در تربتش در پیروزی با او در میدان است و اوصیاء (مهدین) از عترتش بعد از قائم آنها و غیبتش تا اینکه بیاخیزند و ثار بگیرند (جبران کند) و بهترین یاران باشند) (مصباح للکفعی ص ۵۴۳) (مصباح المتهجد للشیخ طوسی ص ۸۲۶)

این کلام به غیر از ذریه امام مهدی (ع) بر کسی صدق نمی کند زیرا امام حسن عسکری (ع) فرمودند: (اوصیاء از عترتش بعد از قائم آنها و غیبتش) یعنی اینکه اوصیاء بعد از امام مهدی (ع) و غیبتش از ذریه و نسل امام حسین (ع) بوده و آنها از ذریه و نسل قائم (ع) آخر نهمین نفر از فرزندان امام حسین (ع) هستند و کلمه (بعد از قائم آنها و غیبتش) دلیل قانع کننده ای برای هدف و مقصود از ذریه امام مهدی (ع) همان اوصیاء مهدیین (ع) است و شیخ طوسی در کتاب غیبتش آورده است از ابی عبدالله (ع) که ابی حمزه در خبر طولانی فرمودند: (... ای اباحمزه از ما بعد از قائم یازده مهدی از فرزندان حسین (ع) است) (غیبه الطوسی ص ۳۰۹)

از عبدالرحمن بن کثیر گفت: پیش ابی عبدالله (ع) بودم که مهزم وارد شد و گفت: ( فدایت شوم در مورد امری که منتظر آن هستم خبرم کن که چه زمانی اتفاق



خواهد افتاد آنگاه فرمودند : ای مهزم کسانی که مدت زمان معینی برای این امر تعیین می کنند دروغ گفته اند و عجله کنندگان به هلاکت رسیدند و تسلیم شدگان نجات پیدا می کنند (الکافی ۱ / ۴۱۵).

### خواب صادقه یا اتصال به غیب

بسم الله الرحمن الرحيم

در کتاب منتخب الانوار المضيئه ص 311 و کمال الدین ص 654 آمده از امام صادق (ع) سوال می شود درباره ظهور قائم (ع) چگونه انرا درک کنیم؟ و امام جواب می دهد در آن وقت شخصی از شما بیدار می شود و در زیر سرش نوشته ای میابد که روی آن نوشته شده اطاعت کنید زیرا طاعتش معروف است

و این نوشته همان روئیت (خواب صادقه) است که ارتباط مستقیم با خداوند و یکی از دلایل اثبات قائم (ع) است و در حدیث بعد کاملاً مشخص و واضح است الحدیث الوارد عن الحضرمي قال دخلت أنا وأبان على أبي عبد الله (ع) وذلك حين ظهرت الرايات السود بخراسان وقلنا ما ترى فقال اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا اجتمعنا على رجل فانهدوا إلينا بالسلاح ( غيبة النعماني ۱۹۷).

از امام صادق (ع) درباره درفشهای سیاه که آن زمان از خراسان خارج شدند سوال شد و امام فرمود هرگاه دیدید که ما بر سر یک نفر جمع شدیم بسوی او بشتابید انهم با سلاح

همانگونه که در قبل توضیح داده شد جمع شدن اهل در بیت در زمان ظهور از دو طریق می باشد و ان 1- خواب صادقه 2- از طریق روایات است

این بحث توضیح مختصری است بر روایات و احادیث اهل بیت در مورد خواب صادقه و ارتباط آن با صیحه اسمانی می باشد.

در کتاب کافی کلینی جلد 8 ص 90 از امام علی (ع) نقل شده که خوابها در زمان اول وجود نداشت تا اینکه در زمانی یکی از انبیا اتفاق افتاد پرسیدیم علت آن چیست؟ فرمود خداوند برای آن مردم رسولی فرستاد و او آنها را به دین خدا دعوت کرد، و مردم به او گفتند اگر این دعوت را قبول کنیم چه چیز نسیب ما می شود؟ تو از ما چیز بیشتری نداری نه مال و نه مقامی نزد عشیره خود!!!! به آنها گفت اگر اطاعتم کنید وارد بهشت می شوید و اگر اطاعتم نکنید خداوند شما را وارد جهنم می کند پرسیدند این بهشت و جهنم چیست؟ آنها را توصیف کن؟ . و کی به آنجا می رویم؟ فرمود اگر بمیرید!!!! گفتند خیلی ها را دیدیم که تبدیل به استخوان و خاکستر شدند، و به تکذیب آن پیامبر پافشاری کردند و خداوند خواب دیدن را در بین آنها قرار داد و آنها آمدند و به او خبر دادن آنچه را دیدن و انکار بعضی از آنها خوابهای خود را . رسولشان به آنها گفت که خداوند با آن می خواست حجت اش را ثابت کند ارواح شما اینگونه خواهد بود بعد از مردن و پوسیدن استخوانهایتان تا روز بعثت مجدد. همانگونه که در خواب ارواحتان خارج می شود و بر جسد شما اثری نمی گذارد .

اینگونه خوابها در انسان شروع شد همانگونه که اهل بیت بیان کرده اند و علت رئیت صادقه اتصال انسان به عالم غیب می باشد و خروج از عالم ماده که این عالم وهم است نه حقیقت و هرچه انسان به دنیا وابستگی بیشتری داشته باشد بیشتر از آخرت دور می شود و از آن وحشتش بیشتر می شود. در روایت فوق مشاهده کردیم که چگونه خواب صادقه پنجره ای است که ما را به آخرت هدایت می کند و ایمان به روئیت انعکاس ایمان انسان به عالم آخرت را نشان می دهد و در آخر ایمان به خدا و انکس روئیت صادقه را تکذیب کند کافر به کلام خداوند و تمام

مقایس اعتقادی می باشد و کفرش به اندازه انکار است به حسب تکذیب خواسته یا ناخاسته.

منظور از روئیت، روئیت صادقه می باشد و با مصادیق ان ثابت شده باشد، و این روئیت فیض نازل از خداوند می باشد که هم صادق و هم کاذب را شامل می شود که اگر ثابت شود حجت است و برخی از مردم به ان بی تفاوت شده اند و ان را با حکمی از خود تکذیب کرده اند و گفته اند که روئیت حجت نیست و برخی ان را ملزم بر صاحبش می دانند و این خلاف سنت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) اوست و این بحثی است که انشاءالله به ان خواهیم پرداخت

اقسام رؤیاهای صادقه

از امام صادق نقل شده (دارالسلام) رؤیای صادقه از خداوند است و حلم از شیطان. دارالسلام ج ۴ ص ۱۵۵.

رؤیای صادقه خود بر سه نوع است يك - مبشرات که امام موسی ابن جعفر (ع) درباره ان میفرمایند بشارت از خداوند است دوم - تحزین (اندوه) از شیطان. سوم - سخن نفس که در خواب می بینید همان مصدر

اول - مبشرات برای مؤمنین: برای استقامت در مسیر حق انها

لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و در قران خداوند میفرماید و برای انها بشارتی است در دنیا و آخرت و کلام خدا تبدیل نخواهد شد و این همان پیروزی عظیم است (یونس: ۶۴)

دوم - منذرات (انذار) و برای مؤمن و کافر است چون خداوند رحمتش برای همه است و هر که سؤال کند و سوال نکند رحمت خدا شامل حالش می شود.

نقل است رسول اکرم (ص) هر روز صبح وقتی وارد مسجد می شد از مردم سوال میکرد آیا کسی از مبشراتی ندارد؟ و مردم سوال میکردن ان چیست؟ می فرمود روئیت صادقانه .

- خوابهاي تحذيري که امام صادق (ع) در مورد ان میفرمایند: هرگاه بنده در معصیت باشد و خداوند برای او خیر بخواهد خوابی به او نشان میدهد تا او را بترساند تا او را از ان کار باز دارد دار السلام ج ۴ ص ۱۵

و این بنده حتما مؤمن تنها نیست ممکن است مشرک و یا کافر باشد مانند خواب دیدن فرعون و قتل عام بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی (ع) وی خواب دید که اتشی از بیت المقدس خانه های بنی اسرائیل را دست نخورده باقی نهاد و خانه قبطیان مصر را می خورد و تفسیرش را از مفسرین دربار خواست . گفتند فرزندی دنیا می آید از بنی اسرائیل که حکومت و سلطنت شما را منقلب می کند؛ و فرعون دستور قتل و عام فرزندان متولد شده را داد- دار السلام ج ۱ ص ۱۱۹ و یا خواب عزیز مصر و یا زندانیان که با یوسف نبی (ع) بودند ...

- خوابهاي تکفيري که امام صادق (ع) در مورد ان می فرمایند: همان بس است که موالی ما خداوند به او خوابی و حشتناک نشان میدهد و صبح با حالت حزین بیدار میشود تا کفاره گناهانش باشد . دار السلام ج ۴ ص ۱۵۵

اما حدیث نفس همان مشکلات و مشغله فکری است که در طول روز با ان سرکار داریم

ولي روئیت اهل بیت و پیامبر (ص) از خوابهاي صحیحه میباشد (صادقه) و شیطان نمیتواند به صورت پیامبر یا اهل بیت درآید و انها به شیعیان یاد دادن که چگونه با خواندن بعضی ادعیه وارد شده در کتب شیعه و آیات قران می توان انها را در خواب ببینیم و حتما از یاد دادن این ها دلیل خواصي داشتن و اگر به روایات وارده در

کتاب دار السلام مانند قصه ایمان حضرت نرگس (ع) مادر امام (ع) بوسیله خواب صادق و ایمان آوردن بعضی از یهود در زمان پیامبر و ایمان وهب نصرانی در خواب دیدن مسیح و حرکت یکشنبه به سمت امام حسین (ع) و ایمان واقفیه ها (مذهیب هشت امامیه) در زمان امام رضا (ع) همه و همه دال بر سیر حرکت و تکمیل يك اراده است و ان اینکه یکی از مهمترین چیزهای که ما را به غیب متصل میکند و ان هم امام زمانمان است همین خوابهای صادق میباشد.

شخصی نزد یکی از ائمه (ع) آمد و از او سوال کرد دوست دارم شما یا یکی از اهل بیت شما را در خواب ببینم زیرا هر کاری را که انجام دادم موفق به دیدار آنها نشدم و امام به او دستور داد اب نخورد و تا شب بدون اب و بحالت تشنه خوابید؛ روز بعد به نزد امام آمد و گفت ای فرزند رسول (ص) دیشب تا صبح خواب اب و دریا میدیدم، امام فرمودند اگر شوق تشنگی شما به اهل بیت این اندازه بود به جای اب آنها را میدیدی!!!

اگر به کلام اهل بیت نگاه کنیم مبینیم که (خوابها مبشرات و منذرات) و یا (حدیث نفس و حلم) هستند که یا از شیطان برای ترساندن مؤمن، برای سد راه او است.

قال تعالی (إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا) (المجادلة: ۱۰)

و سوسه از شیطان است تا با ان ترس و انده انداختن به دل انسان مؤمن است \*

حدیث نفس برای هر مؤمنی اتفاق می افتد و حتی امام صادق فرمود که هر چهل روز یک بار برای مومن اتفاق می افتد و اگر چنین شد دو رکعت نماز و ذکر استغفار کند. و در جای آمده که آدم (ع) از این موضوع به خداوند شکایت کرد و جبرائیل (ع) به او فرمود که بگویند لا حول ولا قوة إلا بالله و بعد از اینکه ادم (ع) این را گفت این امر از او زایل شد

روئیت از خداوند برای استقامت در طریق و تقوا پیشه کردن است برای تکمله به این کلام رسول دقت کنید که میفرمایند مغرور روئیت صادق خود و یا کسی که شما رامیبیند نباشید ولی عمل و نفس خود را بر کتاب خدا عرضه دارید اگر عامل بودید خوشحال شوید و اگر عامل نبودید بدانید از شیطان است، دارالسلام ج 4 ص 156

روئیت اهل بیت حجت است و اگر حجت نبود اینهمه در مورد ان اهل بیت پیامبر تاکید نمیکردن و برای تأیید کذب و صدق روئیت اهل بیت دستوراتی دادند تا مبادا وارد اشتباه شویم و اما صادق به یکی از یارانش بنام مفضل اینگونه میفرمایند در امر خوابها تدبیر و تفکر کن و صدقشان را با دروغ مشخص کن (اعمال خود و عرضه ان بر قران) و اگر همه ان را باور کنید که شما همه نبی بودید و اگر تکذیب کنید فایده ای در ان نبود که اتفاق بیفتد یا فضلی بود که معنا نداشت پس تصدیق شد تا از ان مردم منتفع گردند و هدایت شوند. و یا مضرتی است که مردم از ان بر حذر باشند و تکذیب شد تا مردم کامل بر ان اعتماد نکند

این روایت واضح است که نفی کامل خوابها را اهل بیت نفی میکنند . تفسیر الأحلام محمد رضا الأنصاري ص ۱۴ / دار السلام ج ۴ ص ۲۷۰

حالا به چند حدیث در مورد کلام اهل بیت در مورد روئیت صادق توجه کنید در کتر الفوائد فی دار السلام ج ۴ ص ۲۳۶ از رسول اکرم آمده روئیت مؤمن جریان کلام خدا با بنده است .

در دار السلام تفسیر ایه لهم البشرای فی حیات الدنیا را از رسول برسدند فرمود روئیت صالحه میباشد که مومن ان را برای خود یا یکی از مومنان میبیند و ان کلام خداوند است و فرمود روئیت از خداوند است و اگر به شما چیز عزیزی دادن از ان

سخن نگوید و در کافی و دار السلام آمده روئیت مومن در آخر زمان جزئی از 70 جزء نبوت است دار السلام ج 4 ص 232 ، من عدة الداعی لابن فهد و در جای دیگر به عنوانهای دیگر و بسیار مهم یاد شده و نیز در همان مصادر آمده .  
 نقل از امام علی (ع) که میفرماید کلام خداوند به یک گونه نیست مانند کلام او با انبیاء ، بعضی در قلبشان القاء میکرد، بعضی را در خواب با فرستادن رسل (ملائکه) ؛

و رسول کسی است که در خواب میبیند جبرائیل و کلام او را میشوند و وحی بر او نازل میشود و نیز پیامبر در کتاب الغایات فرمودند که بهترین شما کسانی هستند که صاحب نهی باشند پرسیدند صاحب نهی کیست؟ فرمود صاحبان خوابهای صادق .  
 در مورد خواب های صادق رسول اکرم (ص) میفرماید هر کس مرا در خواب ببیند یا اهل بیتم را ؛ به درستی که ما را دیده ، چون شیطان نمیتواند بصورت من یا اهل بیتم درآید

اهل بیت در باره روئیت دقت لازم را داشته اند و از کسانی که در این زمینه بخواهند تکذیب یا استهزا کنند او مورد نکوهش قرار دادند و در جای مفرماید بدترین شما کسی است که کسی را که قاتل نباشد به قتل برساند یا به دروغ ادعای روئیت کند. دار السلام ج 1 ص 391

برای تمیز روئیت صادق خود شخص میتواند حکم کند که خود صاحب روئیت است؛ چون خدا در قرآن میفرماید (بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ) ، (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ)\*

هر کس بر نفس خویش بصیرت دارد\* و هر نفس مرهون عمل خود می باشد\*

و دليل واضح ان روئيت عزيز مصر است وقتي كه همه علماء و كهنه و بزرگان خواب او را تكذيب کرده و گفتند: قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ (يوسف: ۴۴)

اضغاث احلام يعني خوابي بيهود و پريشاني است ولي صاحب روئيت بر ان پافشاري ميکرد تا اينكه تاويلش را از يوسف (ع) شنيدوبه ان عمل کردزيرا او ان را در نفس خود احساس کرده بود

در روئيت صادق حکمتي عالي است و رموزی دارد که هرکس نمي تواند ان را درك کند و مانند خوابهاي شيطاني بيهود و از روي سغه نيست ،

زيرا ان کلام خداست و به وسيله ملائکه بر انسان نازل ميشود و بر کسي که ان را تاويل ميکند پس از شنيدن ان بگويد خير ديدي و خير بيني و خير بر ما و شر بر دشمنان باد و در کلام صادق باشد و در دين مشهور باشد و عارف به روئيا باشد از طريق روايات و قران زيرا که:

اين خواب را خدا وند بر بنده به وسيله فطرت پاکش که همان فطرت خداوندي است - ولي انسان با دوري از اين فطرت و چنگ زدن به ظلمات دنيا و تسافل از اين فطرت دور شد - خداوند ملائکه را با يك رسالت معين به سمت اين انسان ارسال ميکند و انسان در برابر اين ملك بصورت کتابي باز قرار ميگيرد و ان ملك از اسباب و اشياء و رموز موجود در حيات انسان استفاده ميکند تا ان ملك رسالتش را که از غيب آورده به وسيله روئيت به انسان تبليغ ميکند - شايد اين ملك از صفحه وجود انسان يا گذشته او استفاده نمي کند و فقط از رموز و حکمت که انها را ميشناسند استفاده مي کنند - ممکن است اين روئيت از ملائکه نباشد شايد از ارواح مقدس باشد که رموز انها با ملائکه فرق ميکند و يا از انبياء و ائمه باشد که با ديگري فرق دارد و يا از طرف خداوند بصورت مستقيم باشد و او با قدرتش ميتواند در



صفحه وجود انسان هر آنچه بخواهد مینویسد (انما امره اذا اراد شي يقول له كن فيكون) و این روئیت که از طرف پروردگار است بدون رمز و صریح است و همه اینها چه از ملائکه و یا ارواح مقدس باشد همه یکی است و با هم اختلافی ندارند چون همه از پروردگار متعال است و همه قابل تحقیق است الا اگر تحذیری باشد که با دعاء خدا ان را عوض میکند - و اینکه احاطه به جمیع رموز خوابها حتی برای بعضی از پیامبران میسر نشده است

توجه و دقت در این کلام اهل بیت و توجه آنها به خوابهای صادقه و تصدیق ان ونهی از تکذیب در ان ایا دلیلی خاص غیر ازین داشتن که بشارت اخروی را در بر میگیرد.

و منظور کلام خدا در قران از این که بشارت در دنیا و آخرت است. در دنیا بشارت در چه مورد میباشد و خداوند پاداش مؤمنین را در آخرت میدهد پس در دنیا چه پاداشی را ذکر کرده که بصورت رمز مانده است ....

ارتباط خواب با صیحه (ندای آسمانی)

بیزنطی از امام رضا(ع) در مورد مسئله خوابهای صادقه سوال کرد امام ساکت شد و بعد از مدتی گفت اگر هر آنچه میخواهید به شما بگویم برایتان شر می شد و سر صاحب امر(ع) را خواهند برد!!!

سؤال در مورد روئیت بود و امام ان را به سر بریدن صاحب امر ارتباط داد؛

با دقت توجه کنیم بین این دو قضیه مسئله مهمی است که امام میخواهد به ما بگوید وان ارتباط نزدیک روئیت صادقه که علامتی است حتمی از ظهور، که مرتبط به قضیه قائم(ع) میباشد.

که در عالم ملکوت خداوند به یاران امام بشارت می‌دهد تا آماده ظهورش باشند و این را ملائکه با ارسال رسالت به یاران امام زمان (ع) خبر می‌دهند (خبر آمد خبری در راه است)

عن أبي عبد الله (ع) وهو يفسر قول الله تعالى (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ) (الشعراء: ٤) فلا يبقى في الأرض يوم أذن أحد إلا وخضع وذلت رقبتة لها فيؤمن أهل الأرض إذا سمعوا الصوت من السماء ألا إن الحق في علي ابن أبي طالب وشيعته ، قال فإذا كان من الغد صعد إبليس في الهواء حتى يتواري عن أهل الأرض ثم ينادي ألا إن الحق في عثمان وشيعته فانه قتل مظلوماً فاطلبوا بدمه ، قال فيثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت على الحق وهو النداء الأول ويرتاب يومئذ الذين في قلوبهم مرض والمرض والله عداوتنا ، عند ذلك يتبرءون منا ويتناولونا فيقولون إن المنادي الأول سحر من سحر أهل هذا البيت ثم تلى أبو عبد الله (ع) قول الله عزوجل (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ) (الشعراء: ٤) . غيبة النعماني ص (٢٦٢)

امام صادق (ع) در باره تفسیره ایه اگر بخواهیم نشانه ای از آسمان برایشان بفرستیم که گردنهای آنها برای ان خاضع و ذلیل گردد بس در ان هنگام هیچکس در زمین به جای نماند مگر آنکه در برابر ان خضوع کند و گردن خود فرو آورند و چون مردم روی زمین ان صدا را بشنوند که از آسمان ندا می دهد آگاه باشید که حق در جانب علی بن ابیطالب (ع) و پیروانش است و همه ایمان می آورند و چون فردا شود ابلیس در فضا بالا رود تا از دیده زمینیان پوشیده گردد سپس آواز سر دهد بدانید که حق در عثمان بن عفان و پیروان اوست که او مظلومانه کشته شد پس خونخواهی کنید سپس خداوند انهای را که ایمان دارند به گفتار حق ثابت می دارد ولی انهای را که در دلهایشان مرضی باشد با ندای دوم دچار تردید می شوند وان مرض

و بیماری دشمنی با ماست که در آن زمان از ما بیزاری جویند و می گویند ندای اول سحری است از سحرهای آن خاندان؛ و این ایه را تلاوت نمود و اگر نشانه ای ببیند روی گردانده و گویند سحر سابقه داری است

برای ادامه این بحث اول خوب به این روایت توجه کنید که نقطه های مهمی دارد و با دقت به توضیحی که از سید احمد الحسن یمانی موعود در باره ندا داده توجه کنید

اول اینکه رأی و روئیت مومن در آخر زمان جزئی از هفتاد جزء نبوت است و آن را نباید کسی تکذیب کرد و آن صیحه از جبرائیل است و جبرائیل ملک است و این ملک ندا یش در عالم خود که عالم ملکوت است؛ ندا می دهد، و صیحه جبرائیل با ملائکه و تابعین اوست که تابعین امرش هستند و در ملکوت اتفاق می افتد که به وسیله خوابهای صادقه به ما می رسد و این به حقیقت نزدیک تر است و اگر این صیحه در عالم مادی اتفاق بیفتد دیگر فرقی با دیگر ندا ها نبود، مانند صیحه جبرائیل به هنگام ضربت امام علی (ع) کسی آن را نشنید و اگر همه مردم آن را می شنیدند همه آن را نقل می کردند یعنی اگر در این عالم مادی بود همه آن را می شنیدند و این ندا مانند ندای زمان ظهور است...

اما صیحه ابلیس - ایا صیحه ابلیس صداست و ایا کسی آن را شنیده تا بتواند بین آن و صیحه جبرائیل (ع) فرق بگذارد؟

ندای جبرائیل در ملکوت اسمانهاست و این را فقط مؤمنان می شنوند و تشخیص میدهند. زیرا در قران سوره یس ایه 40 آمده - پاک و منزه است کسی که ملکوت همه چیز بدست او است و بازگشت همه بسوی اوست.

پس این روئیت ها جز زمینه و مقدمه ساز صیحه بزرگ چیزی دیگر نمی باشند

۱- باید توجه داشت که صیحه اول از جبرئیل است و ندای او در عالم ملکوت است و ندای دوم در عالم ابلیس است و آن عالم دنیاست و اگر هر دو ندا در زمین است یا در عالم مادیات پس هر دو از زمین ولی آن را در آسمان میشنیدیم

۲- دوم جبرائیل در ملکوت است و عالم او را الا از طریق روئیت نمی توان دید و نیز صیحه او در ملکوت است و فقط ارواح مؤمنین به آن دسترسی دارند مانند صیحه جبرائیل به هنگام ضربت امام علی (ع) همه انسانها آن را شنیدند و اگر همه آن را شنیدند همه آن را نقل میکردند (شیعه و سنی) و اگر آن را شنیده بودند همه فرزندان او امام حسن، حسین (ع) را تنها نمی گذاشتند همانگونه که پدرشان را تنها گذاشتن؛ و اینگونه جبرائیل به او شهادت داد و یقین حاصل میکردند که حق با علی و اولادش است؛ و این نشان میدهد که مؤمنینی که این ندا را شنیدند افراد خاص بودند ولی خداوند آن را برای وقتش و ظهور قائم (ع) قرار داد و در روایاتی دیگر آمده که در ماه رمضان ندای آسمانی خواب را بیدار و بیدار رابه پریدن از جای خود؛ و دختر را از حجله و حجاب خود خارج می سازد. غیبة النعمانی ص ۲۵۹.

و این همان روئیت است در خواب یا بیداری (مکاشفه) که انسان بعد از دیدن خواب بیدار میشود و یا بعد از مکاشفه از جایش تکان میخورد و دختر را با لباس خوابش از حجله خواب خارج می سازد و اینکه اهل هر زبان با زبان خود آن ندا را می فهمند؛ اینکه روئیت زبان خاصی ندارد و رموز و صور خود را دارد در کتاب غیبة نعمانی آمده که:

از امام صادق (ع) پرسیده شد که عامه مردم ما را با سؤال در مورد صیحه که صبح بنام علی (ع) و در بعد از ظهر بنام عثمان است چگونه میشود حق را از باطل شناسیم امام جواب داد به آنها چه جوابی میدهید گفتم ساکت میمانیم امام فرمود

بگوید هرکس ان را قبل از آنکه بشنود شنیده است قبول میکند. وایه هرکس به حق هدایت میکند بهتر است ان را دنبال کنید و ... شمارا چه شده به چه چیز حکم میکنید را خواند (یونس 35)

در این ایه امام نشان میدهد که صیحه حق و باطل خیلی به هم نزدیک هستند و هرکسی نمی تواند انرا تشخیص دهد و کسی میتواند ان را تشخیص دهد که قبل از آنکه اتفاق بیفتد ان را شنیده باشد دال بر این است که قبل از این صیحه (23 رمضان) ندای دیگری بود مانند ندای ضربت خوردن امام علی (ع) و این کلام و رؤیتهای صادقه نزدیکی به قرب ساعت است و کثرت خوابهای صادقه دلیل بر ظهور چیزی عظیم میکند و این را بجز افرادی که فطرت پاکی دارند قبل از اینکه اتفاق بیفتد در خواب می بینند و در احادیث اهل بیت به این صیحه با عناوین مختلف یاد شده مانند

أبي جعفر (ع) (ینادی منادی باسم القائم واسم أبيه). منادی به اسم قائم و پدرش ندا می دهد

عن أبي عبد الله (ع) (ألا إن الحق في علي بن أبي طالب). حق با علی (ع) است  
 عن أبي جعفر (ع) (...المهدي من آل محمد فلان بن فلان) مهدي از آل محمد  
 فلاني فرزند فلان

عن أبي عبد الله (ع) (إن فلان هو الأمير). فلاني امیر شماست  
 ن أبي عبد الله (ع) (وینادی منادی أن علیاً وشيعته هم الفائزون. علي وشيعة او  
 پیروزند

عن أبي عبد الله (ع) (ألا أن فلان صاحب الأمر فعلاَم القتال).  
 عن أبي عبد الله (ع) (فيم القتل والقتال ،...صاحبكم فلان)

فلاني صاحب امر است جنگ براي چيست - جنگ براي چيست ..... صاحب شما فلاني است.

علت كثرت اين روايات دال بر يك چيز است وان اينكه اين صيحه از طريق روئيت است و براي هر قوم و به زبان انهاست، و هر قوم امتحان خود را دارد و اين روئيت متناسب با مضامين افراد در هر مكان ميآيد و در ادامه مطلب

امام صادق(ع) با زراره كه از او اين سؤال را كرد كه چگونه اين ندا را تشخيص دهيم امام ميفرمايند انهاي كه راوي حديث ما و ميگويند بوده قبل از انكه باشد و ميدانند كه حق با انهاست ان را ميشناسند

كه در مورد روايات امروزه بعضي از علماء ما روايات اهل بيت را پشت سر گذاشته و روئيت صادقه را انكار ميكنند و انهاي كه ميگويند بوده ؛ قبلا ان را در نفس خود با علاماتش يعني روئيت و مكاشفه با داشتن نفسي پاك و فطرتي سليم ان را ديده اند.

(سُنْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (فصلت: ۵۳).

خداوند فرموده : در نفس انها و افاق ايات ما را خواهندديد تا اشكارا حق براي انها مشخص شود ايا خداوند بر همه چيز شاهد است شما را كافي نيست \*

يكي ديگر از روايات كه دال بر روئيت ميكنند روايت در غيبه نعماني ص ۲۶۳

..... اينكه انها صبح ميكنند و انگار بر سرشان پرنده اي باشد

(وَاسْتَمِعَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ \* يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ)

و گوش دهيد بمنادي كه شما را از جاي نزديك ندا ميكند \* و صيحه را ميشنوند با حق و ان روز خروج است. (ق: ۴۱-۴۲)

به غیر از معنی منادی اینجا که توسط عزرائیل یا جبرائیل (ع) است ولی چیزی که مهم است

ندا یا صیحه که از جای نزدیک ندا دهد.

نزدیکترین چیز به انسان نفس اوست و چیز دیگری نیست و این ندا بین عالم ملکوت و عالم مشاهد است که رابط آنها نفس انسان است در عالم ملکوت و ندا در ان عالم اتفاق می افتد و نفس انسان طاهر ان را درک می کند انهم بوسیله خواب صادق و بعد از مدتی در این عالم جسمانی اتفاق خواهد افتاد مانند خواب دیدن یوسف (ع) و حکومت او بعد چند سال...

همانگونه که هر پیامبری با معجزه خاص زمان خود میاید مانند - عصای موس در زمان سحر و شفای بیماران وزنده کردن آنها توسط عیسی (ع) در زمان انتشار طبابت و یوسف (ع) با تفسیر رؤیا در زمانش - امام مهدی (ع) متناسب زمان خود و ان تأویل و تعلیم علوم قرانی است می اید در زمان ما هرکس قران را با میل خود تفسیر میکند و امام (ع) با تفسیر اصل قران و نیز با تفسیر روئیت می اید همانگونه که ایرانیان به امام مهدی (ع) یوسف اهل بیت میگویند و ان بخاطر اینکه معجزه امام خواب صادق و جمع شدن یارانش میباشد و تفسیر آنها از یوسف اهل بیت است و انها بوسیله آیات و کلام خدا جمع میشوند و البته که در اینها امتحاناتی وجود دارد.

برای اتمام بحث به این دو روایت اهل بیت که صیحه را با نام دیگری یاد میکنند توجه کنید

قال رسول الله (ص): إذا كان رأس الخميسين والثلاث مائة وذكر كلمة نادى منادي من السماء ألا أيها الناس إن الله قد قطع مدة الجبارين والمنافقين واتباعهم ووليكم الجابر خير أمة محمد (ص) الحقوا بمكة فانه المهدي واسمه (احمد بن عبد الله)

قال عمران بن الحصين : صف لنا يا رسول الله هذا الرجل وما حاله ؟ :- فقال النبي (ص) انه رجل من ولدي كأنه من رجال بني إسرائيل يخرج عن جهد من أمتي وبلاء ، عربي اللون ابن أربعين سنة كأنه وجه كوكب دري يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً يملك عشرين سنة وهو صاحب مدائن الكفر كلها قسطنطينية ورومية يخرج إليه الأبدال من الشام وأشتاتهم كان قلوبهم زبر الحديد رهبان بالليل ليوث بالنهار وأهل اليمن حتى يأتونه فيبايعونه بين الركن والمقام فيخرج من مكة متوجهاً إلى الشام يفرح به أهل السماء وأهل الأرض والطير في الهواء والحيتان في البحر . ملاحم والفتن

ندا بنام مهدي و او احمد ابن عبدالله ميباشد....وبعد از وصف يارانش كه همچون شير در روز و راهب شب و اهل يمين (دست راست امام ) بين ركن و مقام با او بيعت مي كند .

ألا أيها الناس إن الله اقطع عنكم مدة الجبارين والمنافقين وأشياءهم ووليكم خير أمة محمد (ص) فالحقوا بمكة فانه المهدي واسمه أحمد بن عبد الله ملاحم والفتن

ص ۱۴۱

به این دونام دقت کنید وان را با نام کسی که در وصیت حضرت محمد در شب وفاتش آمده و در اخر کتاب غیبه الطوسی ازان بعنوان شخصی که صاحب بیعت است ذکر شده توجه کنید

واین صحیحه حتی برای کفار اتفاق می افتد مانند این روایت در کتاب عصر ظهور کورانی ص ۱۲۷ آمده او (سفیانی) در خواب میبیند که به او میگویند برخیز قیام کن و سه چوب نی در دست دارد به هرکس بزند مرگشان حتمی است وان سفیانی و دجال بوش و امریکا است که بوش اعلان کرد که من در خواب دیدم که خدا (عیسی ع) به من گفت مردم عراق را نجات بده وحتی همسرش در يك شبکه



تلویزیونی ان کلام را تائید کرد و اما امریکا با سه حربه به خلیج امد وان سه حربه يك اقتصاد دوم قدرت و سوم دین جدید به اسم دموکراسی و این همان خواب فرعون زمان که دنبال موسی زمان که فراری و متواری است می گردد و اینهمه قتل و غارت می کنند زیرا سقوط انها بدست موسی زمان یا وصی سینزده ام میباشد برای همین است که غربیها عدد سینزده را نحس میدانند چون سقوط دولتهای اهنین انها بدست اوست زیرا قائم (ع) نعمت است بر کفار و رحمتی برای مؤمنین میباشد .

دابه الارض یا جنبنده زمین

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ} (النمل / ۸۲).

( و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد و در آستانه رستاخیز قرار گیرند جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند و (می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آورند.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰)

انهای که گفتند خداوند مربی ماست و بر ان استقامت کردند ملائکه بر انها نازل می شود پس نترسید و اندوهگین نشوید و بشارت باد شما را بهشت وعده داده شده . برای توجه خوانندگان به بحث روئیت این دو ایه را از تفسیرات سیداحمدالحسن یمانی وصی ورسول امام مهدی (ع) از کتاب متشابهات برای اتمام کتاب انتخاب کرده ایم چون اهل بیت فرموده اند که خدا را با خدا بشناسید ورسول را با رسالت او و خداوند را با ایاتش می توان شناخت و یکی از ایه کامل خدا بر روی زمین انسان کامل یعنی امام مهدی (ع) است ورسول او سید احمد است که او را طبق

روایات با علمش می توان شناخت که اسلحه اوست وان تفسیر اصل قران می باشد....

سید احمد الحسن (ع) در باره بشارت از طریق ملائکه می فرماید که خداوند به انسان بوسیله ملائکه که به ما بشارت می دهند تا در مسیر درست و استقامت در ان و نیز حسن عاقبت را به ما می نمایانند که در مسیر ولایت خدا سیر می کنید و امر ولی اش را تبعیت می کنند و در این ایه (بشارت انها در دنیا ست) در حدیث پیامبر آمده است که همان روئیت صالحه است که در کافی ج 8 ص 90 آمده شخصی از رسول تفسیره ایه لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا را سؤال کرد و رسول فرمود ان روئیت حسنه می باشد که مومن ان را می بیند تا بشارتی برای او باشد در دنیا

واگر کلام خدا را در ایه - أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ \* الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ \* وَلَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (یونس: ۶۲-۶۵)

اولیاء خدا بر انها ترسی و اندوهی نیست انهاى که ایمان آوردن و تقوا پیشه کردن و بشارت برای انها در دنیا و اخرت است و کلام خدا تبدیل نمی شود و ان همان پیروزی عظیم است . و کلام انها تو را اندوهگین نکند و تمام عزت از ان خداست و او دانا و شنواست .

در این ایه انهاى که خدا در مورد انها گفت برای انها بشارت در دنیا و اخرت است یعنی روئیتی می بینند که بشارت حرکت در مسیر صحیح و حسن عاقبت انها را نشان می دهد خداوند انها را با وصف اولیاء با تقوا در ایه قبل معرفی می کند- اولیای خدا بر انها ترسی و اندوهی نیست انهاى که ایمان آوردن و تقوا پیشه کردن- یعنی انهاى که روئیت صادق می بینند اولیاء با تقوای خدا هستند . و این روئیت

بشارت آور که آنها را به حسن عاقبت بشارت می دهد خداوند ان را در کلامش وصف می کند . - ان حق است و تبدیل نمی شود- وان از غیب می باشد . وانهای که این مبشرات را می بینند اولیاء خدا هستند - لا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ - و خداوند مشخص کرد انهای که با انبیاء او مخالفت می کنند و کلام آنها را تصدیق نمی کنند کسانی هستند که کلام خدا را در روئیا ی صادقانه انکار می کنند و به رسولش امر کرد که از تکذیب ان اندوهگین نشود - و کلام آنها تو را اندوهگین نکند و تمام عزت از ان خداست و او دانا و شنواست)

زیر انها کلام رسول و مؤمنین را تکذیب نمی کنند بلکه کلام خدا را تکذیب کرده اند؛ زیرا مجحد به آیات او هستند و در سوره انعام می فرماید می دانیم که ان تو را اندوهگین می کند چیزی را که می گویند و انها تو را تکذیب نمی کنند بلکه ظالمین آیات خدا را مجحد شدند و ان بالاتر از تکذیب است .

پس روئیا کلام خداست و آیات او و ان میزان الهی است که انسان با معرفت ان را میداند که در مسیر حق و صراط مستقیم است و کسانی که مجحد ان هستند از دشمنان خدا و تکذیب کنندگان انبیاء و اوصیاء می باشند (می دانیم که ان تو را اندوهگین می کند چیزی را که می گویند و انها تو را تکذیب نمی کنند بلکه ظالمین آیات خدا را مجحد شدند)

و این قانون الهی که بشارت از خداوند است که در دنیا و آخرت است؛ وانهای که ان را نمی بینند و یا کسی به انها بشارت نمی دهد و انها را از حسن عاقبتشان و سیر در مسیر حق بشارت نمی دهد انها از اولیاء خدا نیستند و حتی از مؤمنین و متقین نیستند. و اگر به معنی این ایه توجه کنیم - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)

ای کسانی که ایمان آوردید نوشته شده بر شما روزه گرفتن همانطور که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا از متقین شوید . (البقرة: ۱۸۳)

یعنی روزه بر شما نوشته شده تا متقی گردید و آدم با تقوا تقوایش را از خدا می داند انهم با میزان الهی که همان کلام خدا و آیات او می باشد که کافران مجحد ان شدند وان روئیت بشارت آور است و کسی که ان را نمی بیند یا حتی کسی او را بشارت نمی دهد از متقین نیست بلکه از روزه داران نیست همانطور که در این ایه و حدیث اهل بیت به ان اشاره شده (و کم من صائم ، لیس له من صیامه إلا الجوع والعطش) و چه بسا روزه داری که از روزاش جز گرسنگی و تشنه گی چیزی حاصلش نمی گردد .

وانهای که روئیت صادق را انکار می کنند روح انها خداوند را انکار کرده گرچه به زبان نامش را بیاورند .

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ} (النمل / ۸۲).

( و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد و در آستانه رستاخیز قرار گیرند جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند و (می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آورند.

شخصی به امام صادق(ع) گفت این ایه را اینگونه می خوانند که این جنبنده انها را زخمی می کند و امام صادق فرمود خداوند در آتش جهنم با انها سخن بگوید نازل نشد فقط برای صحبت با انها . بحارج 53 ص 53 و از امام رضا(ع) در مورد دابه یا جنبنده سوال شد فرمود ان جنبنده علی (ع) است دابه در این ایه انسان است که در بیشتر روایات در رجعت او را امام علی(ع) می دانند و امام علی همان دابه الارض است که پیامبر در مسجد وقتی خواب بودند برای بیدار کردنش به او فرمود ای

جنبنده خدا برخیز در کتاب مختصر بصر الدرجات ص 43 کامل این روایت آمده و در رجعت با مردم سخن می گوید و مؤمن را از کافر با آیات خدا مشخص می سازد .

اما قبل از رجعت قیام قائم (ع) است و برای او نیز دابه (جنبنده ای) می باشد که با مردم سخن می گوید، تا ضعف ایمانشان را به آیات خداوند در ملکوت اسمانها نشان دهد و ان همان روئیت و مکاشفه در بیداری است و به انها می فهماند که در طول مسیر انسانیت در زمین انها به این آیات یقین نداشتند چون دید خود را به زمین و عالم ماده کوتاه کرده و ان تنها علمشان می باشد، و بیشتر از این چیزی نمی دانند که در سوره نجم خداوند در باره انها می فرماید:

ذَلِكَ مَبْلُغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى) و جانب اخر انبیاء و اوصیاء و رسل و یارانشان به آیات خداوند ایمان می اورند و به روئیت و مکاشفه ایمان می اورند و ان طریقی از وحی خداوند سبحان است؛ و انها اگر به این ایمان نداشتند پیامبر نمی شدند و برای این ایمان انها را در کتابش مدح می کند و می فرماید:

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ \* قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (الصافات: ۱۰۵)

وندا دادیم ای ابراهیم روئیت را تصدیق کردی و ما اینگونه محسنین را جزاء می دهیم

وقال: (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِنِينَ) (التحریم: ۱۲)

و مریم که پاکدامن شد و در او از روحتم دمیدیم و کلام خدا را تصدیق کرد و از قانتین بود

وقال تعالى عن الرؤيا (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ) (يوسف: ۳) .

و خداوند در باره سوره يوسف (ع) در قران با عنوان بهترین داستان یاد می کنند چون او نیز مانند يوسف زمان ما با روئیت کار می کرد و خداوند ابراهیم را برای تصدیق روئیت مدح می کند و مریم را همچنین برای تصدیق کلام خدا که همان روئیت صادقه می باشد و يوسف (ع) را مدح می کند زیرا تمام روئیت را تصدیق کرد و ان را تأویل کرد.

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ) (يوسف: ۴۶)

و امروزه اکثر مردم روئیت را انکار می کنند و ان وحی از جانب خداوند است و ان برای اینکه نفوس خبیثه؛ انها منکر ان شده و به خداوند ایمان ندارد؛ و انها ندانسته کافرند، چون در عالم ذر منکر بودند؛ و انهم کافر به ولایت خدا و برای هیچ یک از اولیاء خدا در قلبشان اقرار ولایت نکرده اند. و خداوند کاری کرد که با زبان حق را بگویند و در دل قبول نداشته باشند، و انها را سدی برای محافظت از اولیاء خود قرار داد. (الکافی - الشيخ الكليني ج ۱ ص ۴۰۲)

خداوند اقوامی را برای آتش و جهنم افرید خداوند امر به تبلیغ انها نمود و انها را تبلیغشان کردیم همانگونه که دیگران را تبلیغ کردیم ولی نپذیرفتن و ان را به ما برگرداندن و تحمل ان رانداشتن و ان را تکذیب کردن و گفتند ساحرید و خداوند ان را بر قلب هایشان ثابت کرد و انرا فراموش کردند و سپس خداوند کاری کرد که با زبان حق را بگویند، انها از حق می گویند ولی قلبشان ان را انکار کرده است تا با ان خداوند از اولیاء و اهل عبادتش محافظت کند و اگر این نبود کسی نمی توانست

خدا را در زمی‌نش عبادت کند و ما را امر کرد که از انها ساکت و انها را مستور گردانیم)

و این روئیت صادق‌ه همانگونه که امام علی (ع) فرمودند روئیای صادق‌ه کلام خداوند است که ملائکه انرا از خداوند به بنده گان صالح میرسانند (رویا المومن تجری مجری کلام تکلم به الرب عنده کتر الفوائد ص ۲۱۱ و ان طریقی از وحی می باشد که خداوند با بند گانش بوسیله ان صحبت می کند همه انها چه انبیاء و اوصیاء و مؤمنین و چه کفار معاندین مانند فرعون مصر که بوسیله خواب او یوسف (ع) اقتصاد دولت انها را بنا می کند

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (یوسف: ۴۳)

و خداوند به محمد (ص) در روئیا به او وحی کرد که چه بلاهای از بنی امیه بر سر اهل بیت او خواهد رسید.

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (الإسراء: ۶۰)

و خداوند خود را برای محمد (ص) شاهد قرار داد وقتی کفار نبوتش را مورد انکار قرار دادن وقتی که از او شاهد خواستند و چگونه خداوند به ایشان شهادت میدهد غیر از اینکه در روئیت صادق‌ه باشد . وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (الرعد: ۴۳) . (وانهای که کافر شدند گفتند که رسول نیست \* بگو خدا کافی است که شاهد بین من و شما باشد و کسی که علم کتاب را دارد)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ { (النمل / ۸۲) . ( و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد و در آستانه رستاخیز قرار گیرند) - ان خروج قائم (ع) است و ان قیامت صغرا می باشد

أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

جنبنده‌ای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند و (می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند. (نمل ۸۲)

و دابه یا جنبنده در قیامت صغرای (کوچک) مهدی اول می‌باشد که قبل از قائم (ع) قیام می‌کند عن الإمام الصادق (ع) (ایام الله ثلاثة : يوم يقوم القائم عليه السلام ، ويوم الكرة ويوم القيامة) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) الشيخ الكوراني ج ۵ ص ۱۹۲

امام صادق (ع) : ایام خدا سه روز است روزی که قائم (ع) قیام می‌کند و روز رجعت و روز سوم قیام قیامت است .

پس جنبنده یا دابه زمین در قیامت صغرا با مردم سخن می‌گوید و آنها را با علم امام (ع) ساکت می‌گرداند و کفر آنها را به آیات خداوند (روئیت صادق و مکاشفات) و سقوط درعالم ماده و شهوات ، و برگشت از ملکوت اسمانها را نمایان می‌کند\*

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ فصلت: ۵۳

آیات ما را در افاق و در نفس خویش نشان می‌دهیم تا حق بر آنها آشکار شود و ایا برای شما کافی نیست که او بر همه چیز شاهد است .

عن الإمام الصادق (ع) قال نريهم في أنفسهم المسخ ونريهم في الآفاق انتقاض الآفاق عليهم فيرون قدرة الله عز وجل في أنفسهم وفي الآفاق قيل حتى يتبين لهم أنه الحق قال خروج القائم (ع) هو الحق من عند الله عز وجل يراه الخلق لا بد منه وفي رواية خسف ومسخ وقذف سئل حتى يتبين قال دع ذا ذاك قيام القائم - ع - تفسير الصافي : ج ۴ : ص ۳۶۴-۳۶۵ ،



الکافی امام صادق (ع) فرمود - در نفس خود مسخ شدن را می بینند و در افاق قدرت خدا را به انها نشان می دهیم - و حق بر انها اشکار شود - فرمود قیام قائم (ع) است - که خلق باید ان را ببینند که از خداوند است باید اتفاق بیفتد و این مسخ و ... تا اینکه فرمود ان قیام قائم (ع) است.

حق قیام قائم است و آیات که در نفس و افاق می بینند همان فتنه ها و جنگها وزلازل و ... می باشد و در نفس مسخ است و این آیات را خداوند در ملکوت اسمانها به انها نشان میدهد تا برانها ثابت کند خروج قائم (ع) همان حق است و کسی که با انها سخن می گوید مهدی اول از دوازده مهدی می باشد و این آیات را خداوند با اعلام خروجش همزمان کرده تا برای انسانها مشخص شود که ان حق است از خداوند و این آیات در افاق و نفس همان کلام دابه (جنبنده) می باشد که با ان مردم را با علم امام زمان (ع) ساکت می گرداند و کفرانها را به آیات خداوند نشان می دهد. زیرا انها به این آیات در ملکوت که روئیت صادقه و کشف است ایمان ندارند. برای اشنای به اهمیت روئیت کمی با کلام خداوند عروج می کنیم. در قران خداوند روئیت را در سوره حضرت یوسف (ع) با نام بهترین داستان معرفی می کند و روئیت یوسف را بازگو می کند و تحقق ان را در زمین واقع می کند و روئیت زندانی و تحقق ان در زندگی روز مره . - و روئیت فرعون کافر که یوسف با اعتماد به ان اقتصاد دولتی را تاسیس می کند با وجود اینکه خود نبی بود - از روئیت کافران استفاده کرد و در زمین تحقیق یافت - و داستان بلقیس ملکه کشور سبا که گفت نوشته با کرامتی بر من نازل شد (قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ) از کجا فهمید که سلیمان پیامبر خداست و نوشته او با کرامت است الا از طریق خواب صادقه و ایمان به کلام خداوند -

و نیز اینگونه هستند اولیاء خدا و پیامبران و رسل او؛ روئیت صادقه از آنها جدا نمی شود زیرا طریق و مسیر سیر آنهاست. و طلوع وحی خداوند است و پیامبر خدا (ص) امر روئیت را مهم می دانست و هر روز صبح بعد از نماز فجر به اطراف خود که صحابه نشسته بودند می گفت ایا بشارتی ندارید و وقتی سوال می کردند ان چیست فرمود روئیت صادقه و اگر روزی بشارتی نمی شنید جبرائیل (ع) بر او نازل می شد و می گفت چگونه بر آنها نازل شویم و روئیت نشانشان دهیم و ن جاسات در زیر ناخن آنهاست و نیز فرمود که شیطان نمی تواند به صورت من یا اوصیای من دراید....

کما اینکه روئیت خالد ابن سعید اموی که به ان ایمان آورده بود قبول کرد و نیز روئیت بعضی از یهودیان و ایمان آوردن به ان را قبول می کرد و می فرمود که کلام خداوند با بندگان است، و می فرمود که روئیت مومن در اخر شب را تکذیب نکنید و نیز اقرار امام حسین (ع) به ایمان وهب نصرانی و ایمان بعضی از واقفیه ها در زمان امام رضا (ع) و یا ایمان نرگس (ع) مادر امام زمان (ع) و اگر بخواهیم در مورد این روایات بنویسیم بحث زیاد است...

قال : قلت يا أمير المؤمنين ، قول الله تعالى : أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند و (می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آورند. کتاب سلیم بن قیس - تحقیق محمد باقر الأنصاري ص ۱۳۰ شخصی از امیر المؤمنین سوال کرد - ما الدابة؟ دابه قال يا أبا الطفيل ، اله عن هذا (أي اترك وابتعد عن هذا) . فقلت : يا أمير المؤمنين ، أخبرني به جعلت فداك . قال هي دابة تأكل الطعام وتمشي في الأسواق وتنكح النساء . فقلت يا أمير المؤمنين من هو قال هو زر الأرض الذي تسكن الأرض

الیه قلت یا امیر المؤمنین ، من هو ؟ قال صدیق هذه الأمة وفاروقها ورئیسها وذو قرنہا . قلت یا امیر المؤمنین ، من هو قال : الذي قال الله عز وجل : (ويتلوه شاهد منه) ، والذي (عنده علم الكتاب) ، (والذي جاء بالصدق) ، والذي (صدق به) أنا . والناس كلهم كافرون غيري وغيره

شخصی از امام علی (ع) سوال کرد که دابه چیست؟ اما به او گفت این سوال را ترک کن و او به امام گفت فدایت شوم به من بگو؟ امام فرمود او جنبندی است که غذا می خورد و در بازارها سیر می کند و ازدواج می کند پرسید این شخص کیست؟ فرمود او ثبات زمین است پرسیدم ای امیر مؤمنان او کیست؟ فرمود دوست این امت و جدا کننده ان وذولقرنینش می باشد پرسید چه کسی است؟ فرمود او کسی است که خداوند در باره ان می فرماید و شاهی از انها می آورد و کسی است که علم کتاب را دارد و کسی است که با صدق آمد و کسی است که به او ایمان آورد و ان منم و مردم همه کافرند به غیر از من و او

این جا امیر المؤمنین نشان می دهد اولین شخصی بود که به رسول اکرم (ع) ایمان آورد و همه مردم در زمانش کافر بودند و بعد از او ایمان آوردند و در زمان ظهور نیز اولین شخص مؤمن به ظهور امام زمان (ع) احمد می باشد همانگونه که در وصیت نوشته شده او اولین مومن است و بقیه مردم به ظهور امام کافرند غیر از او و بعد از او ایمان می آورند. و امام علی (ع) می گوید ثبات دهند زمین و یک بار او ثبات دهنده زمین است و بار دیگر شخصی دیگر را ثبات دهنده می داند .

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنِّي وَائْتِنِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي وَ أَنْتَ يَا عَلِيُّ زُرُّ الْأَرْضَ يَعْني أوتادها وجبالها بنا أوتد الله الأرض أن تسيخ بأهلها ، فإذا ذهب الاثنان عشر من وُلْدِي ساحت الأرض بأهلها و لم يُنظرُوا كافي ج 1 ص 535

ورسول اکرم (ص) فرمود من و دوازده فرزندم و تو ای علی عمود و ثبات کننده زمین و کوه ها هستیم و با ما خداوند زمین را ثابت کرد تا اهلش را از بین نبرد و اگر دوازدهمین فرزندم از بین برود زمین نیز از بین خواهد رفت. زیرا که او از ارکان امام مهدي (ع) است.

عن بکیر ابن أعین قال : سألت أبا عبد الله (ع) لأي علة وضع الله الحجر في الركن الذي هو فيه ، ولم يوضع في غيره ؟ قال : إن الله تعالى وضع الحجر الأسود ، وهي جوهرة أخرجت من الجنة إلى آدم فوضعت في ذلك الركن لعلة الميثاق ، وذلك أنه لما أخذ من بني آدم من ظهورهم ذريتهم حين أخذ الله عليهم الميثاق في ذلك المكان ، وفي ذلك المكان تراءى لهم ، ومن ذلك المكان يهبط الطير على القائم عليه السلام فأول من يبايعه ذلك الطير ، وهو والله جبرئيل عليه السلام وإلى ذلك المكان يسند القائم ظهره ، وهو الحجة والدليل على القائم ، وهو الشاهد لمن وافى ذلك المكان والشاهد على من أدى إليه الميثاق والعهد الذي اخذ الله على العباد بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۲۹۹.

بکیر از امام صادق (ع) سوال می کند برای چه خداوند حجر را در رکن جا نهاد و ان را در جای دیگر نگذاشت امام فرمود خداوند حجر را در این مکان قرار داد و ان جوهره ی است که از بهشت برای آدم (ع) بیرون آمد و در رکن جا نهاده شد برای گرفتن ميثاق و در ان هنگام که خداوند از ذریه ادم (ع) عهد گرفت در ان مکان بود و در ان مکان برایشان پدیدار گشت و از ان مکان پرنده ای بر قائم (ع) نزول می کند ، و اولین کسی که با قائم (ع) بیعت می کند ان پرنده جبرائیل است و قائم پشت خود را به ان مکان (رکن یمانی) محکم می بندد و او حجت و دلیل بر قائم است و او شاهد بر کسانی است که با قائم در ان مکان وفا کردند . و شاهد بر بندگان است که به عهد و ميثاق خداوند وفا کردند .

من خطبة لأمير المؤمنين (ع) يذكر فيها علامات الظهور (... وعقدت الراية لعماليق كردان ، وتغلبت العرب على بلاد الأرمن والسقلا ب ، وأذعن هرقل بقسطنطينة لبطارقة سينان ، فتوقعوا ظهور مكلم موسى من الشجرة على الطور ، فيظهر هذا ظاهر مكشوف ، ومعاین موصوف ... ) معجم أحاديث الإمام المهدي (ع) - الشيخ علي الكوراني العاملي ج ۳ ص ۲۷.

... بعد از ان عجیتر اتشي در بصره که قومي بر قومي دیگر غلبه میکند و بصره مضطرب میشود (شاید جنگ در بصره) ... و مردم خوزستان با سعید سوسي بیعت میکنند ( شبکه ان ن بخش برنامه انها را برعهده دارد و علیه حکومت خود می شوراند) در حالی که دو عمالقه کرد بیرق خود را بالا میبرند (حکومت طالبانی و برزانی) حرکت عساکر خراسان . و تمیمی از طالقان فرماندهی میکند در این حالت منتظر مکلم موسی از جانب کوه طور باشید و این علامتی است مکشوف و در این حالت امام علي (ع) گریست ...

ایا سوال برایتان بیش نمی آید که این حجر که شاهد است اشاره به شخصی عظیم دارد که قابل تصور نیست شخصی که شاهد است بر خلق از اول خلقت تا روز قیامت .

الركن اليماني بابنا الذي يدخل منه الجنة ، وفيه نهر من الجنة تلقى فيه أعمال العباد  
جامع السعادات ج ۳ ص ۳۴۱

و رسول اکرم (ص) رکن یمانی دربی است که از ان وارد بهشت میشود و در ان نهری از بهشت است که بندگان ما اعمالشان را در ان میینند...

و این حجر الاسود موجود در کعبه و در بهشتی همان یمانی موعود وصي و رسول امام مهدي (ع) صاحب درفشهای سیاه است که با او عالم ذر را به یاد می

اوریم اینکه در عالم ذر با امام بیعت کرده ایم یا خیر؟ و نیز قبله ی است جهت رسیدن به مقصود وان امام مهدي (ع) است ....

کلام آخر

در قران سوره یس آمده که خدا می فرماید ایا از شما عهد نگرفتیم که ای بنی ادم شیطان را عبادت نکنید... و مرا عبادت کنید این صراط مستقیم است و در سوره بقره ایه الکرسی آمده خداوند ولی مؤمنان است کسانی که از ظلمات خارج و داخل نور می شوند و اینکه طاغوت را از نور وارد ظلمت می کند... در این دو ایه خداوند به ما می گوید برای رسیدن به حق و نور باید از ظلمت یا همان شیطان دوری گرفت و این ظلمت با انواع مختلف در دنیا خود را ظاهر می کند گاهی با پول و زر و طلا و نقره گاهی با نشست و بر خاست افراد ناباب و یا پیروی از پدر و مادر و یا عالمان بی عمل یا اهل دنیا بر هر نوع که باشد.

با دوری از آنها می توان به تزکیه رسید و وارد نور شد . و کفر به انهاست که انسان را نجات می دهد (مراد به نور همان ولایت اهل بیت و تسلیم انها شدن است) و نور ایمان را داخل قلب می کند. ولی سؤالی که اینجا پیش می آید اینکه خداوند در باره اهل طاغوت می فرماید از نور به ظلمت می روند ایا افراد کافر یا طاغوتیان نوری دارند که از ان خارج شوند؟

و در این ایه خداوند به انها می گوید خداوند ولی مؤمنان است انهای که از ظلمت وارد نور می شوند و کسانی که کافر شدند از نور به ظلمت می روند... به چه چیزی کافر شدند... غیر از اینکه انها کسانی هستند مؤمن و مؤمن کسی است که به امام علی (ع) و ولایت او ایمان دارد ولی در زمان ظهور از نور ولایت امام علی (ع) خارج می شوند انهم با تکذیب وصی اخر در وصیت رسول اکرم (ص)...

دوستان با تدبیر در وصیت امام علی (ع) که می فرماید مرگ را لحظه ای فراموش نمی کند و از آن نمی هراسم و آن را چون کشتی پر گل در حال حرکت بسمت خود می بینم و طالبی که خواسته اش را پیدا کرده میبینم و نزد خداوند خیر ابرار است.

و هر آنکه عاقل باشد و مطیع خداوند است مرگ را بهتر از دنیا خواهان است و بعد از اینکه در زندگی انبیاء و اوصیاء آنها و عباد مخلصین خدا در قرآن تدبیر کردم سیره آنها را اینگونه یافتم که آنها صاحب غیرت و حمایتی در دین خدا بودند، و هرگز برای اهل طاغوت زمانشان سر خم نکردند بلکه آنها را اینگونه یافتم که کشته می شوند و قطعه قطعه می شوند و به دار اویخته می شوند یا به سلیب کشیده می شوند ولی با عزت و کرامت و بدون سر خم کردن و یا مداهنه با کسی از طاغوتیان زمان خود... ایراهیم (ع) را دیدم که با شکستن بت ها با چکش بدون توجه به اینکه چه بلای بر سرش می آورند و یا اینکه او را در آتش بیفکنند و یحیی را دیدم که چگونه به هیرودس می گوید تو فاجری و حتی اگر به قیمت سربریدنش باشد، ولی از حق نمی گذرد و حسین (ع) که چگونه بصورت یزید ایستاد و به او و حزبش گفت شما کافرید تا اینکه او و یارانش و فرزند و برادرانش را به قتل رساندند و سرش را بر نیزه کردند و خانواده و خواهر پاکش را اوره کردند و خداوند نامش را زنده نگه داشت همانگونه که او اسلام را زنده کرد و امام موسی ابن جعفر (ع) که از زندانی به زندانی منتقل میشد چون حق را می گفت و بنی عباس نمی توانستند او را تحمل کنند تا او را به قتل رساندن و موسی ابن عمران را که فقط با عصای که خداوند خاست معجزه او باشد بر کل دولت فرعون برخاست و علی (ع) را دیدم که در تمام جنگ با پیامبر دوش به دوش می جنگیدند و هر دو زخمی می شدند و دوباره یارانشان را جمع می کردند و به جنگ کفار می رفتند تا دین اسلام را پابر جا کردند و چگونه بعد علی (ع) را در محراب به خون کشیدند...

سپس حال و روز خود را بینیم چگونه طواغیت بر مسلمانان مسلط شدند و از دین جز نامی و از قرآن جز رسمی باقی نگذاشتند و کاش به همین بسنده می کردند بلکه حتی به ان اهانت کردند و ان را پاره پاره کرده و حاکمی چون صدام ملعون با خون نجسش ان را نجس کرد و ان را با خون خود نوشت فقط برای تقرب به شیطان و پیروی از جادوگرانش و مسلمانان و علمای انها ساکت اند انگار که قرآن برای انها معنی ندارد ؛ و ای بر شما این همان کتابی است که به غیر از مطهرین کسی نمی تواند به ان دست بزند و ان یکی از ثقلین است چگونه بعد از پیامبر از ثقلین دفاع کردید؟ چرا ساکت ماندید ایا ترس از مرگ یا کشته شدن شما را ساکت کرده یا اینکه می گوید تقیه است ویحی فرزند زکریا بخاطر چیزی کمتر از ان سرش را بریدند برای زنای با محارم شما ای انان که ادعای علمای دین اسلام را دارید بعد از قرآن چه چیز برایتان می ماند واین حرمت قرآن است.

ایا کسانی که به انها گفته شد دست بکشید و نماز بخوانید و زکات بدهید و وقتی که بدانها گفته شد که جنگ بر شما واجب است عده ای که از مردم خشوع دارند همانگونه که از خدا خاشع اند ویا بیشتر گفتند خدا یا برای چه جنگ را برای ما نوشتی و یا ان را برای وقت دورتر می گذاشتی فرمود که متاع اخرت برای شما بهتر است از دنیا ای اهل تقوا... وهر جا باشید شما را مرگ در بر می گیرد و اگر در برجهای بلند بودن حسنه ای به انها وارد شود می گویند از خداست و اگر فتنه ای بینند می گویند از تو می باشد بگو همه از خداست \*نساء 77...\*

و عیسی (ع) که می فرماید شما علمای سوء و بد کار اجر را می برید و عمل را خراب می کنید روزی می رسد که صاحب کار عملش را بخواهد و شما از دنیای عریض و بزرگ خارج شده و وارد ظلمت قبر می شوید و حاملان کتاب کتاب را پشت سر خود گذاشته و حافظان ان را فراموش کردند (عمل به ان) و به جای درس



قران به تدریس علم منطق روی آوردند و به تقدیس ان پرداختن وان همان گوساله سامری است . چگونه از خداوند در باره کتابش عذر میگیرید ایا با تقیه ... اگر شما در کربلا بودید در صف عمر ابن سعد قرار می گرفتید و حسین (ع) را می کشتید و می گفتید تقیه است یا در جانبی می ایستادید و نگاه می کردید و عذرتان تقیه است انهاى که حسین (ع) را کشتند مسلمان بودند و برای حسین نامه فرستادن و به او گفتند یاریش می کنند ولی وقتی دیدن کمک به قتل مادی انهاست از یاری او سر باز زدند و به فرزندان هند کمک کردند شما نیز با کنار گذاشتن کلام خدا حسین (ع) زمان را کمک نخواهید کرد ..(الر . و چیزی که از خدا بر تو نازل شد حق است ولی بیشتر مردم ان را نمی پذیرند \* رعد 1 )

نمی پذیرند چون حق تلخ است و به علت کمی افراد سیر در ان وحشت اوراست بگو خبیث و طیب با هم یکی نیستند و اگر فراوانی خبیث برایت عجیب است تقوای خدا را بکنید \* المائده 10

بله ان را شنیدند ولی دنیا به کام انها زیبا شده و بر مرداری جمع شدند که با خوردن ان امرشان ظاهر شد و کسی که چیزی در چشمش زیبا شد به غیر از ان چیز دیگری نمی بیند مانند منافقین در صدر اسلام با رسول اکرم حرکت خود را شروع کرده ولی وقتی مردم همه مسلمان شدند نفاق کرده و دنیا را طلب کردند و خداوند چهره انها را برای همه نمایان کرد ...

وسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نصيحتي يمانی جهت هدايت مردم :

به هرگونه ای که می توانید عمل کنید زیرا که این جنگ با ابلیس (لع) است، او می خواهد عدد بیشتری را با خود به جهنم ببرد .

مردم، دنیا را؛ یک ساعت بعد از مرگ می بینند، پس نمی توانستند چیزی را از ان بشناسند، و او با اغوای خلق خواستار تحقیق وعده خویش است، پس چون دیگر برای او ممکن نیست روز موعود را به تأجیل بیندازد، پس می خواهد وعده خود را عملي سازد و ان اغوای مختارین انتخاب شدگان<sup>۱۶</sup> است.

ولي در نهایت با روبه رو شدن تحقق وعده الهی و پیروزی سیصدوسیزده نفر بر نفس خود، او شکست خورد، و آنها با این کار خود نمی گزارند که او به هدفش رسد، و ان وعده اغوای مردم بود .

پس پیروزی شما هدايت مردم خواهد بود، هدايت، و نه فقط اثبات حجت خدا بر انها . پس با هر وسیله ای که می توانید برای هدايت آنها عمل کنید، به شما وصیت می کنم که با تمام قدرت با ابلیس جنگ و جهاد کنید، و او و سربازانش از جن و انس را نابود و رسوا کنید .

سوالی که پیش می آید چگونه به ابلیس ضربه ای محکم بزنیم ؟

جواب : مگر در احادیث و آثار نخوانده آید، که اگر فرزند آدم سجده کند ابلیس رو سیاه می شود .

۱۶ - برای نصرت قائم (ع) که ابلیس را به جلو آورده و گردن او را در مسجد سهله خواهد زد و انها اندک

افرادی هستند که روایات اهل بیت انها را یاد کرده اند و انها را همچون نمک در غذا می شمارند یا مانند

سورمه در چشم، یا در کتب قدیم مانند کتاب مقدس : (... زیرا که همه مردم دعوت شده اند ولي عده ي

قلیلی انتخاب می شوند) مجمع الكنائس الشریقه ص ۹۷ ...

چیزی که می خواهم آنرا بدانید اینست که پیروی با تمام دقت از حجت‌های خدا در هر زمان ، ابلیس را رو سیاه می سازد . سجودی که ابلیس آنرا قبول نکرده همان باعث رو سیاهی او خواهد شد، و با قبول نکردن سجود به خلیفه خدا وعده اغوای مردم را خواستار شده ،

و آن جلوگیری از سجود (اطاعت) مردم برای خلیفه خداوند متعال است. پس چه چیزی بیشتر از اینکه به هدف و مقصود نرسد – او را رو سیاهتر می سازد . پس همان چیزی را که به شما گفتم اول به هدایت مردم پردازید، تا اینکه آنها نیز سجده کنند همانگونه که ملائکه سجده کردند، و خواسته ابلیس را که پیروی از او، و منع مردم از سجود برای خلیفه خداست را رسوا سازید .

به خالق همه چیز که همه چیز را به مخلوقاتش داده پناه ببرید، و خبری که خداوند سبحان به شما می دهد را قبول کن تا اینکه به همه اسرار او آشنا شوی و در صورتی که همه اهل زمین گمراه شده شما گمراه نخواهی شد .

از شما می خواهم که به سمت عبادت و قرائت قران و تفکر در الاء خداوند بروید موفق باشید خداوند شما را از همه چیز حفظ کند .

سایت انصار امام مهدی خداوند در زمین تمکینش دهد

<http://almahdyoon.Co>

<http://almahdyoon.Co/ir>

روم انصار امام مهدی در بالتاك

Middle East >> Iran >> IiI Ansar Emam Mahdi 10313 IiI روم فارسی

Middle East >> Islam >> ansar al imam almahdy روم عربی